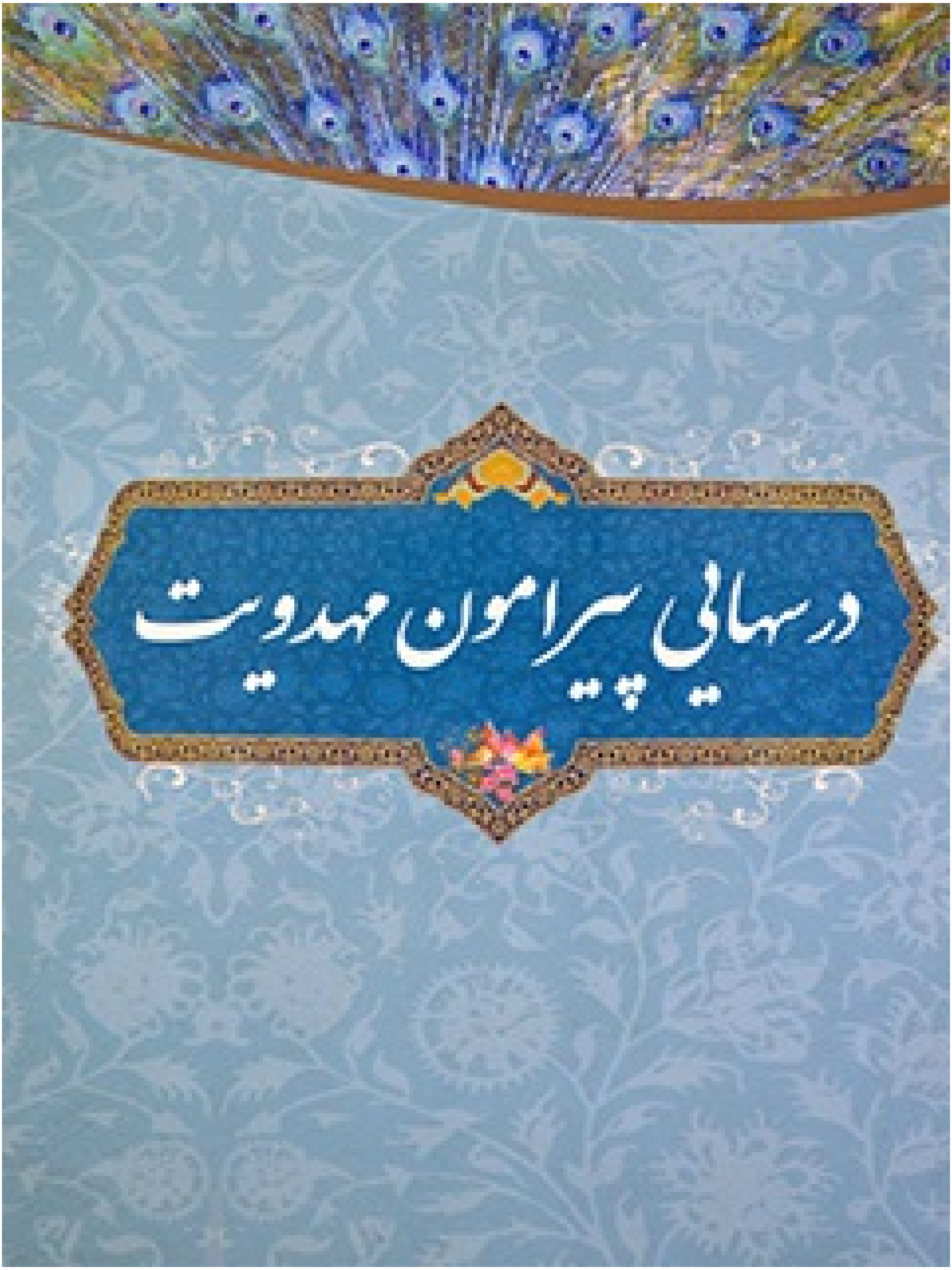

درسهایی پیرامون مهدویت

بسم الله الرحمن الرحیم

درسهایی پیرامون مهدویت

نویسنده:

علی اکبر مهدی پور

ناشر چاپی:

رسالت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

درسهایی پیرامون مهدویت

مشخصات کتاب

سرشناسه : مهدی پور، علی اکبر، ۱۳۲۴ -

عنوان و نام پدیدآور : درسهایی پیرامون مهدویت/ علی اکبر مهدی پور.

مشخصات نشر : قم: رسالت، ۱۳۸۹.

مشخصات ظاهری : ۱۴۴ص.

موضوع : محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع : مهدویت

موضوع : مهدویت -- مطالعات تطبیقی

موضوع : مهدویت-- مطالعات تطبیقی

رده بندی کنگره : BP۲۲۴/م ۸۸الف ۸ ۱۳۷۹

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۴۶۲

ص:۱

اشاره

مدخل

هیچ نقّاش چیره دستی نمی تواند جمال عالم آرای یوسف زهرا را به تصویر بکشد.

هیچ تابلونگار توانمندی توان آن را ندارد که چهره پرفروغِ آن نگار گریز پا را روی تابلو منعکس نماید.

هیچ نگارنده ای توان آن را ندارد که سیمای تابناک آن خورشید جهانتاب را بر صفحات زرّین کتاب ترسیم نماید.

هیچ ثناخوان پرتوانی، توان مدیحه سرایی آن دُردانه ی هستی را ندارد.

هیچ شاعر زبردستی نمی تواند اوصاف زیبای آن مهر فروزان را در قالب شعر درآورد.

از این رهگذر این نگارنده ی بی بضاعت، راهی جز اعتراف به عجز و ناتوانی خود در وصف آن رشکِ ملک، که حتّی با دهانی به پهنای فلک، نتوان آن را ستود، ندارد.

حکمت بالغه ی حضرت احدیت ایجاب کرده که همه ی ویژگی های

ص:5

جسمی و اخلاقی، خاتم اوصیا، یوسف زهرا، حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه را توسط خاتم پیامبران، حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله، به روشنی و شفّافی اطّلاع رسانی کند.

همان گونه که ویژگی های جسمی، روحی و اخلاقی حضرت خاتم الأنبیا صلی الله علیه و آله را توسط پیامبران پیشین اطّلاع رسانی نموده است.

قرآن کریم از این طلاع رسانی الهی در کتب آسمانی، به صراحت گزارش داده می فرماید:

«الَّذینَ آتَیْناهُمُ الْکِتابَ یَعْرِفُونَهُ کَما یَعْرِفُونَ أَبْناءَهُمْ»؛(۱)

آنان که به آنها کتاب داده ایم، او را می شناسند، همان گونه که فرزندان خود را می شناسند.

در تورات، انجیل و دیگر کتاب های آسمانی، از اوصاف جسمی، ویژگی های سلوکی، بعثت، هجرت و اوصاف یاران آن حضرت، به روشنی و شفافی سخن گفته که راه شک و تردید را بر همه ی اهل کتاب بسته است.(۲)

یهود و نصارای عهد رسالت، نه تنها به این آیه ی شریفه، که از اطّلاع رسانی بسیار گسترده ی حضرت احدیت پیرامون خاتم رسالت سخن گفته، اعتراض نکردند، بلکه در مواردی به صراحت به آن اعتراف کردند، که به شماری از آن ها اشاره می کنیم:

۱- پس از هجرت پیامبر اکرم به مدینه ی منوّره، از عبداللّه بن سلام

۱- [۱] . سوره ی بقره، آیه ی ۱۴۶؛ سوره ی انعام، آیه ی ۲۰.

۲- [۲] . سید هاشم بحرانی، البرهان، ج ۲، ص ۱۹؛ فیض کاشانی، الصّافی، ج ۱، ص ۳۰۰.

پرسیدند: خداوند منّان در قرآن کریم می فرماید:

«آنان که به آن ها کتاب داده ایم، او را می شناسند، همان گونه که فرزندان خود را می شناسند»

تو هنگامی که او را دیدی، این سخن را چگونه یافتی؟

عبداللّه بن سلام در پاسخ گفت:

هنگامی که من او را دیدم، او را با آن نشانی ها که در کتاب خود خوانده بودم، در میان یارانش شناختم، همان گونه که اگر فرزندم در جمع کودکان مشغول بازی باشد، او را در میان آن ها خواهم شناخت.

به راستی من او را بیشتر از فرزندم می شناسم.(۱)

۲- یک قیافه شناس از قبیله «هَوازِن» آن حضرت را در دو سالگی در نزد دایه اش «حلیمه ی سعدیه» دید، فریاد برآورد: این کودک را بکشید، اگر او زنده بماند، همه ی بت ها را خواهد شکست.(۲)

۳- کاهنی آن حضرت را در سنین کودکی دید، فریاد کشید: او را بکشید، اگر او به سنین بالا برسد، ریشه ی بت و بت پرستی را بر می کَند.(۳)

۴- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هنوز به هشت سالگی نرسیده بود که یک اسقف نصرانی در کنار خانه ی خدا او را دید، از سر تا قدم به او نگریست، آنگاه به عبدالمطّلب گفت: ما اوصاف پیامبری را از نسل اسماعیل در کتاب های خود می خوانیم، من

۱- [۱] . ثعلبی، الکشف والبیان، ج ۲، ص ۱۳.

۲- [۲] . ابونعیم، دلائل النّبوّه، ص ۱۶۰؛ حلبی، السّیره الحلبیه، ج ۱، ص ۹۶.

۳- [۳] . حلبی، همان، ص ۱۰۰.

تردیدی ندارم که این کودک همان پیامبر موعود است.(۱)

۵- پیامبر رحمت ۱۰ ساله بود که به اتفاق عمویش حضرت ابوطالب به سرزمین شام سفر کرد، در «بُصری» در کنار صومعه ی «بُحَیرا» منزل کردند، هنگامی که چشم بحیرا به جمال مقدس آن حضرت افتاد، گفت: او سرور عالمیان است.(۲) پرسیدند: از کجا او را شناختی؟ گفت: از «مُهر نبوّت»(۳) که پایین تر از نرمه استخوان شانه اش می باشد.(۴)

۶- در همین سفر بود که سه تن از یهود به نام های: زرید، تمّام و دبیس آن حضرت را شناسایی کردند و در صدد ترور آن حضرت برآمدند، بحیرا آن ها را به شدّت نکوهش کرد و از حضرت ابوطالب خواست که آن حضرت را به سرعت از آن منطقه دور کند.(۵)

۷- بحیرا که اعلم نصارای آن زمان بود(۶) به حضرت ابوطالب گفت: دقیقاً مراقب برادرزاده ات باش، که اگر یهودیان او را ببینند، او را خواهند شناخت و در صدد برخواهند آمد که به او صدمه بزنند.(۷) وی همچنین توصیه کرد که آن حضرت را به روم نبرد، زیرا اگر رومیان او را ببینند، خواهند شناخت و در صدد

۱- [۱] . ابونعیم، همان، ص ۱۶۵، طبری، تاریخ الامم والملوک، ج ۲، ص ۲۰۳.

۲- [۲] . ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۵۵.

۳- [۳] . در مورد «مُهر نبوّت» ر.ک: ترمذی، شمائل النّبی، ص ۳۲؛ سیوطی، الخصائص الکبری، ج ۱، ص ۱۰۱؛ حلبی، السّیره الحلبیه، ج ۱، ص ۹۸.

۴- [۴] . ابن عساکر، تاریخ دمشق، ج ۱، ص ۵؛ ابونعیم، دلائل النّبوّه، ج ۱، ص ۱۷۱.

۵- [۵] . ابونعیم، همان، ص ۱۷۰.

۶- [۶] . ابن اسحاق، السّیر والمغازی، ص ۷۳؛ ابن هشام، السّیره النّبویه، ج ۱، ص ۳۲۰.

۷- [۷] . ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۱، ص ۹.

قتل او برخواهند آمد.(۱)

۸- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ۲۵ ساله بود که در رأس کاروان بازرگانی حضرت خدیجه یک بار دیگر به سرزمین شام مسافرت نمود. هنگامی که به «بُصری» رسید، «نَسطُور» راهب بزرگ دیر، به پایین آمد، سر تا سر وجود آن حضرت را مورد دقّت و بررسی قرار داد، به «میسره» غلام خدیجه گفت: او همان پیامبر آخرالزّمان و خاتم پیامبران است، ای کاش من ایام بعثت او را درک می کردم.(۲)

۹- میسره به هنگام بازگشت، سخنان «نسطور» را به پیوست مشاهدات خود به خدیجه گفت، حضرت خدیجه آن ها را با پسرعموی خود «ورقه بن نوفل» در میان گذاشت، ورقه گفت:

اگر اظهارات میسره درست باشد، محمد پیامبر این امّت است. برای این امّت پیامبری وعده داده شده، که اینک زمان بعثت او فرا رسیده است، او همان پیامبر موعود می باشد.(۳)

۱۰- در عصر رسالت ده ها تن از دانشمندان یهود و نصارا، به شخص پیامبر و یا اصحاب آن حضرت اظهار کردند که ما اوصاف او را در کتاب های خود دیده بودیم و بعثت او را انتظار می کشیدیم، اینک هیچ تردیدی نداریم که او همان پیامبر موعود تورات و انجیل می باشد.(۴) حضرت سلمان نیز از همین

۱- [۱] . ابن عساکر، همان؛ ابونعیم، همان.

۲- [۲] . ابن عساکر، همان، ص ۱۰؛ ابونعیم، همان، ص ۱۷۳؛ دیار بکری، تاریخ الخمیس، ج ۱، ص ۲۶۲

۳- [۳] . ابن هشام، السّیره النّبویه ج ۲، ص ۱۰.

۴- [۴] . برای مطالعه اعترافات شمار دیگری از فرزانگان یهود و نصارا، ر.ک: سیوطی، الخصائص الکبری، ج ۱، ص ۱۸-۶۱.

طریق به سوی آن حضرت رهنمون شده، به شرف اسلام مشرّف شد(۱). به طوری که خداوند در مورد خاتم انبیا در کتب آسمانی اطّلاع رسانی کرده، در مورد خاتم اوصیا نیز در کتب آسمانی اطّلاع رسانی کرده، در قرآن کریم از آن سخن گفته(۲) توصیف دقیق اوصاف جسمی، روحی و سلوکی آن حضرت به طور صریح و شفّاف، از پیامبر اکرم و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده است، که به شماری از آن ها در این کتاب اشاره خواهیم کرد.

ص:۱۰

۱- [۱] . ابن هشام، السّیره النّبویه، ج ۲، ص ۴۱-۴۹؛ شیخ صدوق، کتاب النّبوّه، ص ۳۳۸-۳۴۳؛ سیوطی، همان، ص ۳۳-۳۹.

۲- [۲] . سوره ی انبیاء، آیه ی ۱۰۵.

درس اول: سیمای موعود در آیینه ی احادیث اهل سنّت

در احادیث فراوان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله سیمای پرفروغ یوسف زهرا، خاتم اوصیا، حضرت مهدی علیه السلام را برای اصحاب ترسیم فرموده، که شماری از آن ها را منحصراً از کتب پایه و مرجع اهل سنّت در اینجا می آوریم:

۱. الْمَهْدِیُّ مِنِّی أَجْلَی الْجَبْهَهِ، أَقْنَی الْأَنْفِ؛

مهدی از من است، پیشانی اش باز و درخشان و بینی اش باریک و کشیده.(۱)

۲. اَلمَهدِیُّ مِنّا أَهلَ البَیتِ، أَشَمُّ الأَنفِ، أَقنی، وَأَجلی؛

مهدی از ما اهل بیت است، دماغش کمانی، باریک، کشیده و نورانی است.(۲)

۳. أَلمَهدِیُّ مِنَّا أَهلَ البَیتِ، رَجُلٌ مِن أُمَّتِی، أَشَمُّ الأَنفِ؛

۱- [۱] . ابوداود، سنن ابی داود، ج ۴، ص ۸۸، ح ۴۲۸۵؛ الخطابی، معالم السّنن، ج ۲، ص ۳۴۴؛ گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزّمان، ص ۵۳؛ همو، کفایه الطّالب، ص ۵۰۰؛ سلمی، عقد الدّرر، ص ۳۳؛ ابن اثیر، جامع الاصول، ج ۱۱، ص ۴۹، ح ۷۸۱۳؛ ابن طلحه، مطالب السّؤل، ص ۳۱۲؛ قرطبی، التّذکره، ص ۶۱۵؛ حموینی، فرائد السّمطین، ج ۲، ص ۳۳۰؛ ابن قیّم، المنار المنیف، ص ۱۴۴؛ عظیم آبادی، عون المعبود، ج ۱۱، ص ۳۷۵؛ خطیب تبریزی، مشکات المصابیح، ج ۳، ح ۵۴۵۴؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۵۵؛ ابن حجر، الفتاوی الحدیثیه، ص ۳۹؛ متّقی هندی، کنزالعمّال، ج ۱۴، ص ۲۶۴؛ مناوی، فیض القدیر، ج ۶، ص ۳۶۲؛ مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۲۴۹.

۲- [۲] . حاکم، مستدرک صحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷؛ سلمی، عقدالدّرر، ص ۳۳.

مهدی از ما اهل بیت است، مردی از امّت من است که بینی اش کمانی است.(۱)

۴. اَلمَهدِیُّ رَجُلٌ أَجلَی الجَبهَهِ، أَقنَی الأَنفِ؛

مهدی مردی با پیشانی باز و گشاده، دماغی باریک و کشیده.(۲)

۵. لَیَبْعَثَنَّ اللّه ُمِنْ عِتْرَتِی رَجُلًا، أَفْرَقَ الثَّنَایَا، أَجْلَی الْجَبْهَهِ، یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسطاً وَعَدْلًا، یُفِیضُ الْمَالَ فَیْضاً؛

بی گمان خداوند مردی را از عترت من برخواهد انگیخت، که دندان هایش از هم جدا و پیشانی اش باز و نورانی خواهد بود. زمین را پر از عدل و داد نماید و ثروت را سیل آسا فرو ریزد.(۳)

۶. أَجلَی الجَبهَهِ، أَقنَی الأَنفِ، أَفرَقَ الثَّنایا؛

پیشانی باز، دماغ باریک و کشیده و دندان ها از هم جدا می باشند.(۴)

۷. أَسْمَرُ الْعِیْنَیْنِ، بَرّاقُ الثَّنایا، فی خَدِّه خالٌ؛

دیدگانش میشی و شب زنده دار، دندان ها برّاق و در گونه اش خال است.(۵)

۸. الْمَهْدِیُّ مِنْ وُلْدِی، ابْنُ أَرْبَعِینَ سَنَهً، کَأَنَّ وَجْهَهُ کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ، فِی خَدِّهِ الْأَیْمَنِ خَالٌ أَسْوَدُ، عَلَیْهِ عَبَاءَتَانِ قَطْوَانِیَّتَانِ، کَأَنَّهُ مِنْ رِجَالِ بَنِی إِسْرَائِیلَ،

ص:۱۲

۱- [۱] . حموینی، فرائد السّمطین، ج ۲، ص ۳۳۰؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۵۵.

۲- [۲] . متّقی هندی، البرهان فی علامات المهدی المنتظر، ص ۹۹؛ عظیم آبادی، عون المعبود، ج ۱۱، ص۳۷۵.

۳- [۳] . گنجی شافعی، البیان، ص ۸۳؛ سلمی، عقد الدّرر، ص ۱۶ و ۳۴؛ ابن قیّم، المنار المنیف، ص ۱۴۷؛ ابن حجر، الصّواعق المحرقه، ص ۱۶۴؛ متّقی هندی، البرهان، ص ۸۴؛ مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۲۴۴، قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۲۶۳.

۴- [۴] . ابن حجر، القول المختصر، ص ۲۷.

۵- [۵] . مقدسی، البدء والتّاریخ، ج ۲، ص ۱۸۲.

يَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ وَ يَفْتَحُ مَدَائِنَ الشِّرْكِ؛

مهدی از تبار من است، چهل ساله ــ به نظر می رسد ــ چهره اش چون ستاره ای فروزان، در گونه راستش خال سیاهی هست، بر دوش او دو عبای سفید نازک است، گویی از مردان بنی اسرائیل (میان بالا) است. گنج ها را بیرون می آورد و بلاد شرک را فتح می کند.(۱)

۹. المَهْدِیُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِی وَجْهُهُ کَالْکَوْکَبِ الدُّرِّیِّ، أَللَّونُ لَونٌ عَرَبِی، وَالجِسمُ جِسمٌ إِسرائِیلی، یملَأُ الأَرضَ قِسطاً وَعَدلاً، کَما مُلِئَت جَوراً وَظُلماً، یرضی فِی خِلافَتِهِ أَهلُ الأَرضِ وَأَهلُ السَّماءِ، وَالطَّیرُ فِی الهَواءِ؛

مهدی مردی از تبار من است، چهره اش چون ستاره ای فروزان می درخشد، رنگش رنگ عربی ــ گندمگون ــ و اندامش اسرائیلی ــ میان بالا ــ می باشد. زمین را پر از عدل و داد کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده باشد. در خلافت او اهل زمین و اهل آسمان، حتّی پرندگان هوا خشنود می شوند.(۲)

۱۰. کَانَ مَرْبُوعَ الْقَامَهِ، حَسَنَ الْوَجْهِ وَ الشَّعْرِ، أَقْنَی الْأَنْفِ وَأَجْلَی الْجَبْهَهِ؛

او راست قامت و متوسّط القامه، زیباروی، زیباموی، با دماغی باریک و کشیده، با پیشانی بلند و گشاده است.(۳)

ص:۱۳

۱- [۱] . حموینی، فرائد السّمطین، ج ۲، ص ۳۱۴؛ ابن صبّاغ مالکی، الفصول المهمّه، ص ۲۹۸؛ متّقی هندی، کنزالعمّال، ج ۱۴، ص ۲۶۸؛ مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۲۴۶؛ قنوجی، الإذاعه، ص ۱۲۰.

۲- [۲] . شیرویه، الفردوس بمأثور الخطاب، ج ۴، ص ۲۲۱؛ گنجی شافعی، البیان، ص ۸۰؛ همو، کفایه الطّالب، ص ۵۰۱؛ سلمی، عقد الدّرر، ص ۳۴؛ ابن حجر، القول المختصر، ص ۳۶؛ همو، الصّواعق المحرقه، ص ۱۶۴؛ متّقی هندی، البرهان، ص ۹۳؛ مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۲۴۱، ابن صبّاغ، الفصول المهمّه، ص ۲۹۴؛ حمزاوی، مشارق الأنوار، ص ۱۱۲؛ حلوانی، القطر الشّهدی، ص ۴۷؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۶۳؛ قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۲۶۳.

۳- [۳] . قرمانی، أخبار الدُّوَل و آثار الأُوَل، ص ۱۱۷.

۱۱. یَقُومُ فِی آخِرِ الزَّمانِ رَجُلٌ مِن عِترَتِی، شابٌّ حَسَنُ الوَجهِ، أَقنَی الأنفِ؛

در آخر الزّمان مردی از تبار من خروج می کند که جوانی زیباروی با دماغی باریک و کشیده است.(۱)

۱۲. أَلمَهدِیُّ طاوُوسُ أَهلِ الجَنَّهِ؛

مهدی طاووس بهشتیان است.(۲)

این بود دوازده نمونه از ده ها حدیث رسیده از حضرت ختمی مرتبت، پیرامون نشانه های ظاهری حضرت خاتم الأوصیاء، و اینک برای تکمیل بحث، چند نمونه از احادیث امیربیان، پیشوای پرواپیشگان، حضرت امیرمؤمنان علیه السلام، از منابع حدیثی اهل سنّت تقدیم می شود:

۱۳- هُوَ شَابٌّ مَرْبُوعٌ، حَسَنُ الْوَجْهِ، یَسِیلُ شَعْرُهُ عَلَی مَنْکِبَیْهِ، یَعْلُو نُورُ وَجْهِهِ سَوَادَ شَعْرِهِ وَلِحْیَتِهِ وَ رَأْسِهِ؛

او جوانی متوسّط القامه و زیباروی است، که موهایش بر شانه هایش می ریزد، فروغ چهره اش بر موهای مشکی سر و صورتش نور افشانی می کند.(۳)

۱۴- رَ جُلٌ أَجْلَی الْجَبِینِ، أَقْنَی الْأَنْفِ، ضَخْمُ الْبَطْنِ، أَزْیَلُ الْفَخِذَیْنِ، أَبْلَجُ الثَّنَایَا، بِفَخِذِهِ الْیُمْنَی شَامَه؛

او مردی پیشانی گشاد، بینی کشیده، سینه ستبر، ران ها کم گوشت و از هم جدا،

۱- [۱] . سلمی، عقد الدّرر، ص ۳۹.

۲- [۲] . شیرویه، همان، ص ۲۲۲؛ گنجی، همان؛ ابن صبّاغ، همان؛ شبلنجی، نور الأبصار، ص ۲۶۰.

۳- [۳] . مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۲۴۸؛ آلوسی، غالیه المواعظ، ج ۱، ص ۷۷.

دندان ها برّاق، با خالی در ران راست می باشد.(۱)

۱۵- کَثُّ اللِّحیَهِ، أَکحَلُ العَینَینِ، بَرّاقُ الثَّنَایَا، فِی وَجهِهِ خَالٌ، أَقنَی، أَجلَی، فِی کِتفِهِ عَلامَهُ النَّبِیِّ، رَایَتُهُ مِن مُرَطٍ مَعلَمٍ مَخمَلَهٍ-، سَودَاءَ مَربَعَهٍ، فِیهَا جَمَمٌ، لَم تُنشَر مُنذُ تُوُفِّیَ النَّبِی، وَلا تُنشَرُ حَتّی یَخرُجَ المَهدِیُّ، یَمُدُّهُ اللّه بِثَلاثَهِ آلافٍ مِنَ المَلائِکَهِ، یَضرِبُونَ وُجُوهَ مَن خَالَفَهُم وَ أَدبَارَهُم، یُبعَثُ وَ هُوَ مَا بَینَ الثَّلاثِینَ إِلَی الأَربَعِینَ؛

محاسن شریفش پرپشت، دیدگانش سرمه کشیده (پلک ها مشکی)، دندان ها برّاق، بینی اش ظریف و کشیده، پیشانی اش گشاد، بر شانه اش نشان پیامبر اکرم (شبیه مهر نبوّت)، پرچمش از پارچه ای لطیف و بدون درز، نشاندار، تیره رنگ و چهار گوش، به حالت پیچیده و انباشته شده، از روزی که پیامبر اکرم وفات نموده، باز نشده و باز نمی شود تا روزی که مهدی ظهور کند.

خداوند او را با سه هزار فرشته یاری می کند.

آنها بر صورت و پشت مخالفان می زنند.

هنگامی که خداوند او را برانگیخته می کند، بین ۳۰ الی ۴۰ ساله به نظر می رسد.(۲)

در این بخش ۱۲ حدیث از اشرف کاینات و ۳ حدیث از پیشوای پرواپیشگان امیرمؤنان علیه السلام، از منابع پایه و مرجع اهل سنّت آوردیم، که در آنها سیمای دلربای جان جانان، حجّت یزدان، قطب دایره عالم امکان، رمز بقای

۱- [۱] . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۲۸۲.

۲- [۲] . نعیم بن حماد، الفتن، ص ۲۸۸؛ گنجی شافعی، البیان، ص ۸۴؛ سلمی، عقد الدّرر، ص ۳۷؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۶۹؛ متّقی هندی، البرهان، ص ۱۰۰؛ همو، کنز العمّال، ج ۱۴، ص ۵۹۰.

زمین و آسمان، حضرت صاحب العصر والزّمان عجّل اللّه فرجه، به صورت صریح و شفّاف ترسیم شده است.

ویژگی های ظاهری آن حضرت، بر اساس احادیث یاد شده، در یک جمع بندی ساده و شفّاف به این شرح است:

۱. جوانی زیباروی و دلربا

۲. چهره ای درخشان، نورافشان، همچون ستاره ای فروزان

۳. با خال مشکین فام بر گونه ی راست

۴. با موهایی زیبا و فروهشته بر شانه ها

۵. لاغر اندام و میان بالا

۶. با قامتی متوسّط و استوار

۷. سپید و گندمگون

۸. با محاسن انبوه و پرپشت

۹. پلک ها مشکی

۱۰. دیده ها میشی، سرمه کشیده و شب زنده دار

۱۱. دندان ها برّاق و از هم جدا

۱۲. پیشانی بلند و گشاده

۱۳. دماغ باریک، کشیده و کمانی

۱۴. ران ها کم گوشت و از هم جدا

۱۵. در سنینی به ظاهر ۳۰ الی ۴۰ ساله

۱۶. با عبایی سفید و نازک

۱۷. با مهر نبوّت بر شانه

۱۸.با پرچمی به رنگ تیره، نشاندار، چهارگوش، از پارچه ای لطیف و بدون درز

کمال الـدین، محمد بن طلحه شافعی، متوفّای ۶۵۲ ق. پس از نقل شـماری از احادیث یاد شده و تصـریح بر صحّت سند آن ها می نویسد:

همه این اوصاف را که به عنوان نشانه های ظاهری حضـرت مهـدی علیه السـلام بیان شـده، در وجود مقـدّس ابوالقاسم محمد، خلف صالـح علیه السـلام یـافتیم و هرگز در شـخص دیگری یافت نشـده، پس لازم است که به وجود این اوصاف در وجود او اعتراف کنیم و صاحب این اوصاف را همان مهدی موعود بدانیم.(۱)

چکیده

خداوند منّان در کتب انبیای پیشـین، ویژگی های ظاهری رسول اکرم صـلی الله علیه و آله را به طوری ترسـیم کرده که سیمای دلربای پیامبر اکرم را هر شـخص آشنا با متون عهد قدیم و عهد جدید مشاهده می کرد، او را به آسانی تشخیص می داد، چنان که منطق وحی از آن پرده برداشته می فرماید:

آنان که به آنها کتاب دادیم، او را می شناسند، همان گونه که فرزندان خود را می شناسند.(۲)

خداوند متعال در مورد حضـرت مهدی علیه السـلام نیز ویژگی های ظاهری، جمال بی مثال، طراوت جوانی، خال هاشمی، مهر امامت و خصوصـیّات پرچم هـدایت را نیز طوری بیان فرموده که هرکس آن امام همام را در دوران ظهور مشاهـده کنـد، او را خواهد شناخت.

در این درس ۱۵ حدیث در این رابطه، منحصرا از منابع اهل سنت، از کتب

۱- [۱] . محمد بن طلحه، مطالب السّؤول، ص ۳۱۴.

۲- [۲] . سوره ی بقره، آیه ۱۴۶؛ سوره ی انعام، آیه ی ۲۰.

پایه و مرجع آنها نقل کردیم.

برای تحقیق بیشتر:

۱. البیان فی أخبار صاحب الزّمان، تألیف: گنجی شافعی، مستشهد ۶۵۸ ق.

۲. عِقد الدُّرَر فی أخبار المنتظَر، تألیف: یوسف بن یحیی مقدسی شافعی سلمی، متوفای ۶۵۸ ق.

۳. العَرفُ الوَردی فی أخبار المهدی، تألیف: جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق.

۴. البرهان فی علامات مهدی آخر الزّمان، تألیف: متّقی هندی، متوفای ۹۷۵ق.

۵. القول المختصر فی علامات المهدی المنتظَر، تألیف: ابن حجر مکّی، متوفای ۹۷۴ ق.

۶. فرائد فوائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر، تألیف: مرعی بن یوسف مقدسی حنبلی، متوفای ۱۰۳۳ ق.

ص:۱۸

درس دوّم: سیمای موعود در آیینه احادیث اهل بیت علیهم السلام

تقریباً همه آنچه در درس اول از منابع اهل سنّت نقل کردیم، در منابع شیعه به نقل از کتب عامّه آمده است، لذا روایاتی که به راویان اهل سنّت برمی گشت، در این درس نیاوردیم، در اینجا تنها روایاتی آورده می شود که از طریق اهل بیت علیهم السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یا دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام، پیرامون اوصاف جسمی و نشانه های ظاهری حضرت مهدی علیه السلام به دست ما رسیده است.

۱- ابوسعید خدری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

لَیَقُومَنَّ عَلَی أُمَّتِی رَجُلٌ مِن أَهلِ بَیتِی، أَقنَی، أَجلَی، یُوسِعُ الأَرضَ عَدلاً، کَمَا اَوسَعَت جَوراً؛

بی گمان مردی از اهل بیت من در میان امّتم قیام می کند که بینی اش باریک و کشیده و پیشانی اش گشاده است.

با عدالتش پهنه ی گیتی را فرا می گیرد، همان گونه که ستم آن را فرا گرفته باشد.(۱)

۲- در حدیث دیگری فرمود:

لَا تَقُومُ السَّاعَةُ حَتَّی یَمْلِکَ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی، أَجلَی، أَقنَی، یَمْلَأُ الْأَرْضَ

ص:۱۹

۱- [۱] . طبری، دلائل الامامه، ص ۴۶۹، ح ۴۵۸.

عَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ قَبلَهُ جَوراً؛

رستاخیز برپا نمی شود تا هنگامی که مردی از اهل بیت من به قدرت برسد، که پیشانی اش گشاد و بینی اش باریک و کشیده است، زمین را پر از عدل نماید، آن گونه که پیش از او پر از ستم شده باشد.(۱)

۳- و در حدیث دیگر فرمود:

الْمَهْدِیُّ مِنْ وُلْدِی، اسْمُهُ اسْمِی، وَکُنْیَتُهُ کُنْیَتِی، أَشْبَهُ النَّاسِ بِی خَلْقاً وَخُلْقاً؛

مهدی از تبار من است، همنام و هم کنیه ی من می باشد، در سیرت و صورت از همه به من شبیه تر است.(۲)

۴- و در حدیث دیگری فرمود:

کَأَنَّهُ رَجُلٌ مِن شَنُوءَه، عَلَیهِ عَبَاءَتَانِ قَطوَانِیتَانِ؛

گویی او مردی از «شَنُوءَه» می باشد که بر دوش او دو عبای سفید و نازک است.(۳)

«شَنُوءَه» منطقه ای در یمن است که قبیله «اَزد» به آن ها منسوب اند(۴) مردان این منطقه به زیبایی ضرب المثل هستند(۵). و به کسی گفته می شود که به شدّت از پلیدی اجتناب کند.(۶) به عبای نازک و سفید «قَطوانی» گویند و قَطوان نام

۱- [۱] . همان، ص ۴۸۱، ح ۴۷۳.

۲- [۲] . شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۲۸۷؛ بحرانی، غایه المرام، ج ۷، ص ۱۳۲.

۳- [۳] . شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۰۸.

۴- [۴] . یاقوت، معجم البلدان، ج ۳، ص ۳۶۸.

۵- [۵] . کامل سلیمان، روزگار رهایی، ج ۱، ص ۱۲۲.

۶- [۶] . ابن منظور، لسان العرب، ج ۷، ص ۲۰۷.

محلّی در کوفه و محلّ دیگری در سمرقند می باشد.(۱)

۵- و در حدیث دیگری فرمود:

الْمَهْدِیُّ طاوُوسُ أَهلِ الجَنَّهِ، وَجهُهُ کَالقَمَرِ الدُّرِّی، عَلَیهِ جَلابِیبُ النُّورِ؛

مهدی طاووس اهل بهشت است، صورتش چون ماه تابان است و اشعّه های نور از آن ساطع است.(۲)

۶- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در شب معراج انوار درخشان امامان معصوم علیهم السلام را بر ساقه ی عرش مشاهده کرد، اسامی آن ها را یکایک بیان نمود و در مورد آخرین امام نور فرمود:

وَ الْحُجَّهِ بْنِ الْحَسَنِ الْقَائِمِ فِی وَسَطِهِمْ کَأَنَّهُ کَوْکَبٌ دُرِّیٌّ؛

حجّه بن الحسن، آن امام قائم علیه السلام است که چون ستاره ای فروزان در میان آنها ایستاده بود.(۳)

۷- امیر بیان، پیشوای پرواپیشگان، در وصف آن نادره ی خلقت می فرماید:

هُوَ شَابٌّ مَرْبُوعٌ، حَسَنُ الْوَجْهِ، حَسَنُ الشَّعْرِ، یَسِیلُ شَعْرُهُ عَلَی مَنْکِبِهِ، وَ یَعْلُو نُورُ وَجْهِهِ سَوَادَ شَعْرِ لِحْیَتِهِ وَ رَأْسِهِ، بِأَبِی ابْنُ خِیَرَهِ الْإِمَاء؛

او جوانی متوسّط القامه، زیباروی و زیباموی می باشد که موهایش بر شانه اش می ریزد و نور صورتش بر سیاهی موی سر و صورتش غلبه می کند، پدرم به فدای فرزند بهترین کنیزان باد.(۴)

ص:۲۱

۱- [۱] . یاقوت، همان، ج ۴، ص ۳۷۵.

۲- [۲] . حائری، الزام النّاصب، ج ۱، ص ۵۲۷.

۳- [۳] . شیخ صدوق، عیون الأخبار، ج ۱، ص ۴۷.

۴- [۴] . شیخ مفید، الارشاد، ج ۲، ص ۳۸۲؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۷۰؛ ابن فتال، روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۳؛ طبرسی، إعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۴؛ اربلی، کشف الغمّه، ج ۳، ص ۲۵۴؛ نیلی، منتخب الأنوار المضیئه، ص ۵۶؛ بیاضی، الصّراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۵۳؛ شیخ حرّ، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۷۳۰؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۶.

۸- و در حدیث دیگری فرمود:

یَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِی فِی آخِرِ الزَّمَانِ، أَبْیَضُ اللَّوْنِ، مُشْرَبٌ بِالْحُمْرَهِ، مُبْدَحُ الْبَطْنِ، عَرِیضُ الْفَخِذَیْنِ، عَظِیمٌ مُشَاشُ الْمَنْکِبَیْنِ، بِظَهْرِهِ شَامَتَانِ، شَامَهٌ عَلَی لَوْنِ جِلْدِهِ، وَ شَامَهٌ عَلَی شِبْهِ شَامَهِ النَّبِیِّ؛

مردی از نسل من در آخرالزّمان خروج می کند که رنگش سفید، آمیخته با سرخی است، سینه ستبر، ران ها پهن، استخوان شانه هایش درشت و در پشتش دو نشانی است:

۱) نشانی به رنگ پوست

۲) نشان دیگر همان نشان پیامبر (مهر نبوّت).(۱)

۹- و در حدیث دیگری فرمود:

وَ هُوَ رَجُلٌ أَجْلَی الْجَبِینِ، أَقْنَی الْأَنْفِ، ضَخْمُ الْبَطْنِ، أَزْیَلُ الْفَخِذَیْنِ، بِفَخِذِهِ الْیُمْنَی شَأْمَهٌ، أَفْلَجُ الثَّنَایَا، وَ یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا، کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْرا؛

او مردی با پیشانی بلند، بینی کشیده، سینه ستبر، ران ها از هم جدا، با نشانی در ران راست و دندان ها از هم جدا می باشد. زمین را پر از عدالت کند، همان گونه که از جور و ستم پر شده است.(۲)

۱۰- امام باقر علیه السلام در وصف آن در دانه ی خلقت می فرماید:

ص:۲۲

۱- [۱] . شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۳؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۴؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۳۵.

۲- [۲] . نعمانی، الغیبه، ص ۲۱۵؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۴۰ و ۱۳۱.

مُشرَفُ الحَاجِبَینِ، غَائِرُ العَینَینِ، بِوَجهِهِ أَثَرٌ؛

ابروهایش کمانی، دیدگانش بر گودی نشسته، در چهره اش نشانی (خالی) است.(۱)

۱۱- در حدیث دیگری فرمود:

الْمَهْدِیُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَهَ، وَ هُوَ رَجُلٌ آدَم؛

مهدی علیه السلام مردی از فرزندان فاطمه و مردی گندمگون می باشد.(۲)

۱۲- و در مورد امامت آن حضرت در سنین کودکی فرمود:

صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ أَصْغَرُنَا سِنّاً وَ أَخْمَلُنَا شَخْصاً؛

صاحب این امر از نظر سنّی از همه ی ما کوچک تر و از جهت شخص از همه ی ما کم آوازه تر می باشد.(۳)

نعمانی در شرح این حدیث شریف می نویسد: حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه در میان امامان از همه ی آنها در سنین کمتری به امامت رسیده است، زیرا هنوز بیش از پنج بهار از عمر شریفش سپری نشده بود که به امامت رسید.(۴)

۱۳- و در مورد امامتش در کنهسالی می فرماید:

وَأَمَّا شَبَهُهُ مِنْ یُونُسَ بْنِ مَتَّی، فَرُجُوعُهُ مِنْ غَیْبَتِهِ وَ هُوَ شَابٌّ بَعْدَ کِبَرِ السِّنِّ؛

اما شباهت آن حضرت به یونس به متّی، بازگشت او از غیبت بانشاط جوانی

۱- [۱] . حائری، الزام النّاصب، ج ۱، ص ۵۲۶.

۲- [۲] . شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۸۷؛ شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۰۴؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۴۳.

۳- [۳] . طبری، دلائل الامامه، ص ۴۸۱؛ علامه مجلسی، همان، ص ۳۸ و ۴۲.

۴- [۴] . نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۴.

پس از کهنسالی می باشد.(۱)

۱۴- رییس مذهب، امام جعفر صادق علیه السلام فرمود:

وَ إِنَّ مِنْ أَعْظَمِ الْبَلِیَّهِ أَنْ یَخْرُجَ إِلَیْهِمْ صَاحِبُهُمْ شَابّاً وَ هُمْ یَحْسَبُونَهُ شَیْخاً کَبِیرا؛

یکی از بزرگترین آزمون های الهی آن است که صاحب آن ها به سیمای جوانی ظهور کند، در حالی که آن ها او را پیرمردی کهنسال می پندارند.(۲)

۱۵- در حدیث دیگری فرمود:

لَوْ قَدْ قَامَ الْقَائِمُ لَأَنْکَرَهُ النَّاسُ، لِأَنَّهُ یَرْجِعُ إِلَیْهِمْ شَابّاً مُوَفَّقاً، لَا یَثْبُتُ عَلَیْهِ إِلَّا مَنْ قَدْ أَخَذَ اللّه ُ مِیثَاقَهُ فِی الذَّرِّ الْأَوَّلِ؛

هنگامی که قائم ما قیام کند، برخی از مردمان او را انکار می کنند، زیرا او به صورت جوانی بانشاط برمی گردد، بر اعتقاد به آن حضرت باقی نمی ماند، جز کسانی که خداوند در عالم ذرّ نخستین از آن ها پیمان گرفته باشد.(۳)

۱۶- امام رضا علیه السلام در وصف جمال آن حضرت فرمود:

عَلَیْهِ جُیُوبُ النُّورِ، تَتَوَقَّدُ بِشُعَاعِ ضِیَاءِ الْقُدْس؛

بر چهره اش مشعلی از نور است که از انوار قدسی مشتعل است.(۴)

۱۷- رسول اکرم صلی الله علیه و آله در همین رابطه فرمود:

بِأَبِی وَ أُمِّی سَمِیِّی وَ شَبِیهِی وَ شَبِیهُ مُوسَی بْنِ عِمْرَانَ، عَلَیْهِ جُیُوبُ النُّورِ،

۱- [۱] . شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۱، ص ۳۲۷؛ نیلی، منتخب الأنوار المضیئه، ص ۳۰۸؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۲۱۷.

۲- [۲] . نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۹؛ مجلسی، همان، ج ۵۲، ص ۲۸۷.

۳- [۳] . نعمانی، الغیبه، ص ۱۸۸ و ۲۱۱؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۲۰؛ نیلی، همان، ص ۳۲۹.

۴- [۴] . حائری، الزام الناصب، ج ۱، ص ۵۲۵.

يَتَوَقَّدُ مِنْ شُعَاعِ الْقُدْسِ؛

پدر و مادرم فدای او باد، که همنام من و شبیه من و شبیه موسی بن عمران است که هاله ای از نور گرداگرد او را فرا گرفته است، که از اشعّه ی انوار قدسی شعله ور می باشد.(۱)

۱۸- حضرت علی بن موسی علیه السلام فرمود:

عَلَامَتُهُ أَنْ يَكُونَ شَيْخَ السِّنِ، شَابَّ الْمَنْظَرِ، حَتَّى إِنَّ النَّاظِرَ إِلَيْهِ لَيَحْسَبُهُ ابْنَ أَرْبَعِينَ سَنَةً أَوْ دُونَهَا؛

نشانه آن حضرت این است که در کهنسالی به سیمای جوانی باشد، کسی که به او می نگرد، او را چهل ساله یا کمتر می پندارد.(۲)

۱۹- در حدیث دیگری در همین رابطه فرمود:

وَ إِنَّ الْقَائِمَ هُوَ الَّذِی إِذَا خَرَجَ كَانَ فِی سِنِ الشُّيُوخِ وَ مَنْظَرِ الشُّبَّانِ، قَوِيّاً فِی بَدَنِهِ، حَتَّى لَوْ مَدَّ يَدَهُ إِلَى أَعْظَمِ شَجَرَةٍ عَلَى وَجْهِ الْأَرْضِ لَقَلَعَهَا، وَ لَوْ صَاحَ بَيْنَ الْجِبَالِ لَتَدَكْدَكَتْ صُخُورُهَا، يَكُونُ مَعَهُ عَصَا مُوسَى وَ خَاتَمُ سُلَيْمَانَ؛

قائم علیه السلام کسی است که به هنگام خروج در سنّ کهنسالی و در سیمای جوانی خواهد بود.

او به قدری توان جسمی دارد که اگر دستش را به سوی بزرگترین درخت روی زمین دراز کند، آن را از ریشه و بن برمی کند و اگر در میان کوه ها بانگ

۱- [۱] . خزاز، کفایه الاثر، ص ۱۵۹.

۲- [۲] . شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۵۲؛ راوندی، الخرائج والجوارح، ج ۳، ص ۱۱۷۰؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۵، نیلی، منتخب الأنوار المضیئه، ص ۷۰؛ شیخ حرّ، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۷۳۳؛ مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۸۵.

بر آورد، صخره هایش فرو ریزد.

عصای موسی و انگشتری حضرت سلیمان با او خواهد بود.(۱)

۲۰- پیشوای ششم شیعیان در وصف جمالش فرمود:

مَقْرُونَ الْحَاجِبَیْنِ، أَقنَی الأَنفِ؛

ابروهایش به هم پیوسته و بینی اش باریک و کشیده است.(۲)

از مجموع احادیثی که در این درس از پیشوایان معصوم علیهم السلام پیرامون ویژگی های ظاهری یوسف زهرا علیه السلام نقل کردیم، به این نتیجه می رسیم که شاخصه های ظاهری آن حضرت چنین است:

۱- ابروها کمانی و به هم پیوسته

۲- استخوان شانه ها درشت

۳- امامت در سنین کودکی

۴- انگشتری حضرت سلیمان در دست

۵- به ظاهر ۳۰ الی ۴۰ ساله

۶- تأثیر نفس عجیب

۷- توان جسمی بی نظیر

۸- جوانی رعنا و رشید

۹- چهره ای بسیار نورانی چون ستاره ای درخشان

۱۰- پیشانی بلند و گشاده

۱- [۱] . شیخ صدوق، همان، ص ۳۷۶؛ طبرسی، همان، ص ۲۴۰؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۱۴؛ بیاضی، الصراط المستقیم، ج ۲، ص ۲۲۹؛ نیلی، همان، ص ۳۴۵؛ شیخ حرّ، همان، ص ۴۷۸؛ مجلسی، همان، ص ۳۲۲.
۲- [۲] . حائری، الزام الناصب، ج ۱، ص ۵۲۵.

۱۱- بینی باریک و کشیده

۱۲- دیدگان ژرف

۱۳- دندان ها زیبا و از هم جدا

۱۴- ران ها کم گوشت و از هم جدا

۱۵- زیباروی و زیباموی

۱۶- سرخ و سفید

۱۷- شبیه ترین انسان ها به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله

۱۸- عبای سفید بر دوش و عصای حضرت موسی در دست

۱۹- فرزند بهترین کنیزان

۲۰- گندمگون و متوسّط القامه

۲۱- نشاط جوانی در عهد کهنسالی

۲۲- هاله ای از نور در گرداگرد سیما

چکیده

همه ی آنچه در درس نخستین از احادیث اهل سنّت نقل کردیم، همه ی آنها را از ویژگی های ظاهری، توان جسمی، جمال بی مثال، امامت در سنین کودکی، نشاط جوانی در کهنسالی، نام پدر، مادر، مهر امامت، خال هاشمی، همراه داشتن ودایع نبوّت و دیگر ویژگی هایی که هر کس در عصر ظهور به محضرش شرفیاب شود، او را با آن نشانه ها بشناسد، در ضمن ۲۰ حدیث، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام، ازکتب حدیثی، از طریق اهل بیت علیهم السلام نقل کردیم.

با نگاهی گذرا به این احادیث، هیچ تردیدی نمی ماند در این که حضرت

مهدی علیه السلام فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و دوازدهمین امام از امامان نور است و سخن از مهدی نوعی افسانه ای بیش نیست.

برای تحقیق بیشتر:

۱. کمال الدین و تمام النّعمه، تألیف: شیخ صدوق، متوفّای ۳۸۱ ق.

۲. الغیبه، تألیف: نعمانی، به سال ۳۴۲ ق.

۳. الغیبه، تألیف: شیخ طوسی، متوفّای ۴۵۰ ق.

۴. بحارالانوار، تألیف: علامه مجلسی، جلد ۵۱، متوفّای ۱۱۱۰ ق.

۵. نجم ثاقب، تألیف: میرزا حسین نوری، متوفّای ۱۳۲۰ ق.

ص:۲۸

درس سوم: احادیث صحیحه مهدوی از دیدگاه عامّه

بیش از ۲۰۰ جلد کتاب مستقل از سوی دانشمندان اهل سنّت پیرامون حضرت ولی عصر ارواحنا فداه تألیف شده، که در آنها احادیث وارده از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله از طریق عامّه با اسناد مختلف نقل شده، بررسی سندی شده، پس از نقض و ابرام برخی به عنوان حدیث صحیح و حسن و برخی دیگر به عنوان ضعیف و غیر معتبر معرّفی شده اند.

یکی از علمای بزرگ وهّابی ها به نام: «دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی» موضوع مهدویت را موضوع رساله دکترای خود در دانشگاه ملک عبدالعزیز مکّه مکرّمه قرار داد، به سال ۱۳۹۸ ق. در دانشگاه امّ القری مکّه معظّمه دفاع کرد، سپس آن را در دو جلد منتشر نمود:

۱. المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصّحیحه وأقوال العلماء وآراء الفرق المختلفه

۲. الموسوعه فی أحادیث المهدی الضّعیفه والموضوعه

مؤلّف جمعاً ۳۳۸ حدیث از احادیث مهدویت را در این اثر گرانبهای خود آورده، آنها را بررسی سندی کرده، احادیث صحیحه را در جلد اول و احادیث

ضعیفه را در جلد دوم آورده است.

ما در اینجا تعدادی از احادیث صحیحه را از جلد اول آن نقل می کنیم:

۱. علی علیه السلام از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

الْمَهْدِیُّ مِنَّا أَهْلَ الْبَیْتِ، یُصْلِحُهُ اللّه ُفِی لَیْلَه؛

مهدی از ما اهل بیت است، خداوند امر او را در یک شب اصلاح می کند.(۱)

بستوی این حدیث را از ۱۵ منبع معتبر نقل کرده(۲) سپس بررسی سندی کرده و در پایان نتیجه گرفته که سند آن نیکو می باشد.(۳)

۲. ابوسعید خدری، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

یخرُجُ فِی آخرِ أُمَّتِی الَمهدِی، یسقِیهِ اللّه ُالغَیثَ، وَتُخرِجُ الأَرضُ نَبَاتَهَا وَیعطِی المَالَ صَحاحاً، وَتَکثُرُ الماشِیهُ، وَتَعظُمُ الأُمَّهُ؛

مهدی در پایان امّت من خارج می شود، خداوند او را با بارش سیراب می کند، زمین گیاهش را بیرون می فرستد. او مال را به طور صحیح عطا می کند، دام فراوان شود و امّت بزرگ گردد.(۴)

بستوی آن را از حاکم نیشابوری و متّقی هندی روایت کرده(۵) اسنادش را بررسی کرده و نتیجه گرفته که سندش صحیح است.(۶)

۱- [۱] . بَستَوی، المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصّحیحه، ص ۱۴۷.

۲- [۲] . ابن ماجه، السّنن، ج ۲، ص ۱۳۶۷، ح ۴۰۸۵؛ احمد حنبل، المسند، ج ۱، ص ۸۴؛ ابن ابی شیبه، المصنَّف، ج ۸، ص ۶۷۸، ح ۱۹۰؛ بخاری، التاریخ الکبیر، ج ۱، ص ۳۱۷؛ ابویعلی، المسند، ج ۱، ص ۳۵۹؛ ابونعیم، حلیه الأولیاء، ج ۳، ص ۱۷۷؛ همو، أخبار اصبهان، ج ۱، ص ۱۷۰.

۳- [۳] . بستوی، همان، ص ۱۵۷.

۴- [۴] . همان، ص ۱۶۳.

۵- [۵] . حاکم، المستدرک للصّحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷؛ متّقی هندی، کنز العمّال، ج ۷، ص ۱۸۸.

۶- [۶] . بستوی، همان، ص ۱۶۵.

۳. ابوسعید خدری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

یکُونُ فِی أُمَّتِی المَهدِیّ... یملَأُ الأَرضَ قِسطاً وَعَدلاً، تُخرِجُ الأَرضُ نَباتَها وَتُمطِرُ السَّماءُ قَطرَها؛

مهدی در امّت من خواهد بود... زمین را پر از عدل و داد می نماید، زمین گیاهش را بیرون می فرستد و آسمان باران خود را می بارد.(۱)

بستوی این حدیث را از طریق احمد حنبل، ابن ابی شیبه و نعیم بن حماد روایت کرده(۲) سپس سند آنها را بررسی کرده و در پایان نتیجه گرفته که سند آنها نیکوست.(۳)

۴. جابربن عبداللّه انصاری، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

ینزِلُ عِیسَی بنُ مَریمَ، فَیقُولُ أَمِیرُهُمُ الْمَهْدِیّ:

تَعَالَ صَلِّ بَنَا.

فَیقُولُ: لا، إِنَّ بَعضَهُم أَمِیرُ بَعضٍ، تَکرِمَةَ اللّه ِلِهَذِهِ الأُمَّهِ؛

حضرت عیسی بن مریم فرود آید، امیر مردمان حضرت مهدی علیه السلام می فرماید: بیا و نماز را اقامه کن.

حضرت عیسی علیه السلام می فرماید: نه، برخی از این امّت امام برخی دیگر است و این اکرام خدا به این امّت است.(۴)

بستوی این حدیث را از ابن قیّم جوزیه و ابونعیم اصفهانی روایت کرده،

ص:۳۱

۱- [۱] . همان، ص ۱۷۶.

۲- [۲] . احمد حنبل، المسند، ج ۳، ص ۲۶؛ ابن ابی شیبه، المصنَّف، ج ۸، ص ۶۷۸، ح ۱۸۴.

۳- [۳] . بستوی، همان، ص ۱۷۹.

۴- [۴] . همان، ص ۱۸۰.

بررسی سندی نموده،(۱) صحیح بودن سندش را اثبات کرده است.(۲)

۵. امّ سلمه از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

الْمَهْدِیُّ مِنْ عِتْرَتِی مِنْ وُلْدِ فَاطِمَه؛

مهدی از عترت من، از تبار فاطمه است.(۳)

بستوی این حدیث را از ۱۳ طریق روایت کرده(۴) اسنادش را بررسی نموده، نیکو بودن سندش را اثبات نموده است.(۵)

۶. امیر بیان حضرت علی علیه السلام در فرازی از حدیث مفصّلی فرمود:

یَدخُلُ فِیهِم، عَلَی عِدَّهِ أَصحَابِ بَدرٍ، لَم یَسبِقُهُم الأَوَّلُونَ وَلا یُدرِکُهُمُ الآخِرُونَ، وَعَلی عَدَدِ أَصحَابِ طَالُوتَ الَّذِینَ جَاوَزُوا مَعَهُ النَّهرَ؛

او در میان آنها وارد می شود با یارانی به تعداد اصحاب بدر، که هرگز نه پیشینیان به مقام آنها رسیده اند و نه پسینیان به مقام آنها می رسند. و به تعداد اصحاب طالوت که همراه او از نهر گذشتند.(۶)

بستوی آن را از مستدرک حاکم روایت کرده(۷) اسنادش را بررسی نموده، به

۱- [۱] . ابن قَیِّم، المنار المنیف، ص ۱۴۷؛ ابونُعَیم، أخبار المهدی، به نقل سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۴.

۲- [۲] . بستوی، همان، ص ۱۸۲.

۳- [۳] . همان، ص ۱۹۵.

۴- [۴] . ابوداود، السّنن، ج ۴، ص ۱۰۷؛ ابن ماجه، السّنن، ج ۲، ص ۱۳۶۸؛ حاکم، المستدرک للصّحیحین، ج ۴، ص ۵۵۷؛ بخاری، التّاریخ الکبیر، ج ۳، ص ۳۴۶؛ طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۲۳، ص ۲۶۷؛ ذهبی، تذکره الحفّاظ، ج ۲، ص ۴۶۳.

۵- [۵] . بستوی، همان، ص ۲۰۳.

۶- [۶] . همان، ص ۲۰۶.

۷- [۷] . حاکم، المستدرک للصّحیحین، ج ۴، ص ۵۵۴.

نیکو بودن سند آن تصریح نموده است.(۱)

۷. یکی از اصحاب از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

إنَّ المَهدِیَّ لا یَخرُجُ حَتّی یُقتَلَ النَّفسُ الزَّکِیَّهُ، فَإذا قُتِلَتِ النَّفسُ الزَّکِیَّهُ غَضِبَ عَلَیهِم مَن فِی السَّماءِ وَ مَن فِی الأَرضِ، فَأَتَی النّاسُ المَهدِیَّ فَزَفُّوهُ کَما تُزَفُّ العَرُوسُ إلَی زَوجِهَا، لَیلَهَ عُرسِهَا، وَهُوَ یملَأُ الأَرضَ قِسطَاً وَعَدلاً، وَ تُخرِجُ الأَرضُ مِن نَبَاتِهَا، وَ تَمطِرُ السَّماءُ مَطَرَها، وَتَنعَمُ أُمَّتِی فِی وِلایتِهِ نِعمَهً لَم تَنعَمها قَطُّ؛

مهدی علیه السلام خروج نمی کند، جز هنگامی که نفس زکیه کشته شود. وقتی که نفس زکیه کشته شود، ساکنان آسمان و ساکنان زمین خشمگین می شوند، پس مردم به سوی مهدی علیه السلامی آیند، او را همانند عروسی که در شب عروسی به حجله داماد برده می شود، با اکرام و اجلال می برند.

او زمین را پر از عدل و داد کند، زمین گیاهش را بیرون می فرستد، آسمان بارش خود را می بارد.

امّت من در زمان ولایت او آن چنان در ناز و نعمت زندگی می کنند که هرگز چنین ناز و نعمتی را ندیده اند.(۲)

بستوی این حدیث را از طریق ابن ابی شیبه روایت کرده(۳) بررسی سندی نموده، سندش را صحیح دانسته و همه ی رجالش را توثیق نموده است.(۴)

ص:۳۳

۱- [۱] . بستوی، همان، ص ۲۰۸.

۲- [۲] . همان، ص ۲۱۳.

۳- [۳] . ابن ابی شیبه، المصنَّف، ج ۸، ص ۶۷۹، ح ۱۹۹.

۴- [۴] . بستوی، همان، ص ۲۱۴.

۸. از طریق عبداللّه بن عمر روایت کرده که گفت:

یا أَهلَ الكُوفهِ أَنتُم أَسعَدُ النّاسِ بِالمَهدِیّ؛

ای اهل کوفه! شما در رابطه با حضرت مهدی علیه السلام خوشبخت ترین انسان ها هستید.(۱)

بستوی این حدیث را از سه طریق روایت کرده(۲) بررسی سندی نموده، سندش را نیکو داشته است.(۳)

۹. از ابن سیرین روایت شده که گفت:

أَلمَهدِیُّ مِن هَذِهِ الأُمَّهِ وَهُوَ الَّذِی يَؤُمُّ عِيسَى بنَ مَريَمَ؛

مهدی از این امّت است و او همان کسی است که بر عیسی بن مریم امامت می کند.(۴)

بستوی این حدیث را از دو طریق روایت کرده(۵) بررسی سندی کرده، همه رجالش را توثیق نموده، سندش را صحیح دانسته است.(۶)

۱۰. از ابن عباس روایت شده که گفت:

لَا يَخْرُجُ الْمَهْدِیُّ حَتَّی تَطْلُعَ مَعَ الشَّمْسِ آيَهٌ؛

مهدی علیه السلام خروج نمی کند، جز هنگامی که همراه خورشید نشانه ای پدید آید.(۷)

۱- [۱] . همان، ص ۲۱۵.

۲- [۲] . ابن ابی شیبه، همان، ص ۶۷۸، ح ۱۸۹؛ ابوعمرو دانی، السّنن، ج ۵، ص ۱۰۵۸؛ سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۱۳۸.

۳- [۳] . بستوی، همان، ص ۲۱۸.

۴- [۴] . همان، ص ۲۱۹.

۵- [۵] . ابن ابی شیبه، همان، ص ۶۷۹، ح ۱۹۵؛ مِروَزی، الفتن، ج ۱، ص ۳۷۴.

۶- [۶] . بستوی، همان، ص ۲۲۰.

۷- [۷] . همان.

بستوی این حدیث را از سه طریق روایت کرده،(۱) بررسی سندی نموده، صحیح بودن سند و موثّق بودن راویانش را اثبات نموده است.(۲)

۱۱. ابراهیم بن میسره گوید: به طاووس گفتم: آیا عمر بن عبدالعزیز هدایت یافته بود؟ گفت: آری، لکن آن مهدی موعود نبود، چون آن مهدی آید شخص نیکوکار بر نیکوکاری اش افزوده شود و شخص تبهکار از تباهکاری اش توبه کند. او مال را فراوان می بخشد، بر کارگزاران سخت می گیرد و بر بینوایان ترحّم می کند.(۳) بستوی آن را از چهار طریق روایت کرده(۴) سندش را بررسی نموده، سندش را نیکو یافته است.(۵)

۱۲. قتاده گوید: به سعید بن مسیب گفتم: آیا مهدی حق است؟ گفت: آری حق است.

پرسیدم: از کیست؟ گفت: از قریش.

پرسیدم: از کدام تیره قریش؟ گفت: از بنی هاشم.

پرسیدم: از کدام تیره بنی هاشم؟ گفت: از آل عبدالمطلّب.

پرسیدم: از کدام شاخه عبدالمطلّب؟ گفت: از فرزندان فاطمه.(۶)

بستوی این حدیث را از چهار طریق روایت کرده(۷) بررسی سندی نموده،

۱- [۱] . عبدالرزّاق، المصنَّف، ج ۱۱، ص ۳۷۳؛ مروزی، الفتن، ج ۱،ص ۳۳۲؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۱۳۶.
۲- [۲] . بستوی، همان، ص ۲۲۱.
۳- [۳] . همان، ص ۲۲۲.
۴- [۴] . ابن ابی شیبه، المصنَّف، ج ۸، ص ۶۷۹، ح ۱۹۸؛ مروزی، الفتن، ج ۱، ص ۳۷۳؛ سیوطی، الحاوی للفتن، ج ۲، ص ۱۳۶.
۵- [۵] . بستوی، همان، ص ۲۲۴.
۶- [۶] . همان.
۷- [۷] . ابوعمرو دانی، السّنن، ج ۵، ص ۱۰۵۶ و ۱۰۶۰؛ سلمی، عقد الدّرر، ص ۲۳؛ ابن المنادی، الملاحم، ص ۱۷۹، ح ۱۲۱.

سندش را نیکو یافته است.(۱)

۱۳. امیرمؤمنان علی علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدَّهْرِ إِلَّا یَوْمٌ وَاحِدٌ، لَبَعَثَ اللّه رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَیْتِی، یَمْلَأُها عَدْلاً کَمَا مُلِئَتْ جَوْرا؛

اگر از روزگار جز یک روز نمانده باشد، خداوند مردی از اهل بیت مرا برمی انگیزاند، تا جهان را پر از عدل کند، همان گونه که پر از ستم شده است.(۲)

بستوی این حدیث را از چهار طریق روایت کرده،(۳) اسنادش را بررسی نموده، صحّت سندش را اثبات کرده است.(۴)

۱۴. رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

کَیْفَ أَنْتُمْ إِذَا نَزَلَ ابْنُ مَرْیَمَ فِیکُمْ وَ إِمَامُکُمْ مِنْکُم؛

چگونه می شود حال شما هنگامی که پسر مریم در میان شما فرود آید و امام شما از خود شما باشد.(۵)

این حدیث را بستوی از ۱۱ طریق نقل کرده(۶) اسناد آنها را بررسی نموده،

ص:۳۶

۱- [۱] . بستوی، همان، ص ۲۲۶.

۲- [۲] . همان، ص ۲۳۳.

۳- [۳] . ابوداود، السّنن، ج ۴، ص ۱۰۷؛ احمد حنبل، المسند، ج ۱، ص ۹۹؛ ابن ابی شیبه، المصنّف، ج ۸، ص ۶۷۹، ح ۱۹۴؛ ابوعمرو دانی، السّنن، ج ۵، ص ۱۰۴۵.

۴- [۴] . بستوی، همان، ص ۲۳۸.

۵- [۵] . همان، ص ۲۷۹.

۶- [۶] . البخاری، الصّحیح، ج ۴، ص ۲۰۵؛ مسلم، الصّحیح، ج ۱، ص ۱۳۶؛ احمد حنبل، المسند، ج ۲، ص ۳۳۶؛ ابن منده، الایمان، ج ۲، ص ۵۱۶؛ ابن حجر، فتح الباری، ج ۶، ص ۴۹۱.

پس از اطمینان از صحّت سند، از حافظ ابوالحسن آبری نقل کرده که گفته است:

روایات متواتر است در این که مهدی از این امّت است و عیسی علیه السلام در پشت سرِ او نماز خواهد خواند.(۱)

آنگاه از ابن حجر عسقلانی نقل کرده که گفته است:

نماز خواندن حضرت عیسی پشت سرِ مردی از این امّت، در آخرالزّمان و در نزدیکی رستاخیز، دلالت روشن دارد بر این که زمین هرگز خالی از حجّت نخواهد بود و حتماً فردی که قیام به حجّت نماید، از سوی پروردگار وجود خواهد داشت و این صحیح ترین اقوال می باشد.(۲)

چند نکته:

۱) بستوی در این کتاب ارزشمند «المهدی المنتظر فی ضوء الأحادیث والآثار الصّحیحه» ۴۶ حدیث به عنوان حدیث صحیح نقل کرده، که ما فقط ۱۴ حدیث از آنها را نقل کردیم.

۲) به طوری که در آغاز درس یادآور شدیم بستوی از بزرگان وهّابیت می باشد و دو جلد از آثار چاپ شده ایشان به شرح زندگانی محمد بن عبدالوهّاب اختصاص دارد.(۳)

۳) چنان که در پاورقی آورده ایم، حدیث چهاردهم در کتاب صحیح بخاری و صحیح مسلم، با سند صحیح نقل شده است، پس آنچه مشهور شده که احادیث مهدویت در صحیحین نیامده، بی پایه است.

۱- [۱] . بستوی، همان، ص ۲۸۶، به نقل از آبری در مناقب الشّافعی.

۲- [۲] . ابن حجر، فتح الباری، ج ۶، ص ۴۹۴.

۳- [۳] . بستوی، همان، ص ۴۳۲.

۴) آخرین فرازی که مؤلّف از ابن حجر عسقلانی نقل کرده دلیل محکم و قاطعی بر حقّانیت شیعه است که معتقدند باید همواره در روی زمین امام معصومی باشد و هرگز روی زمین باید خالی از حجّت نباشد.

چکیده

برخی از معاندان تلاش کرده اند که احادیث مهدویّت را ضعیف و غیر معتبر جلوه دهند و برخی از افراد نا آگاه نیز خیال می کنند که احادیث مهدویّت فقط از نظر احادیث شیعه صحیح و قطعی می باشد، در حالی که بسیاری از بزرگان اهل سنّت آنها را قطعی، مسلّم، صحیح و معتبر دانسته اند.

ما در این درس کتاب ارزشمندی از یک شخصیت برجسته و دانشمند فرهیخته ی معاصر معرّفی کردیم، که نه تنها از علمای اهل سنت، بلکه از علمای وهّابی، اهل سعودی، استاد دانشگاه مکّه ی معظّمه می باشد و کتابش رساله ی دکترای اوست، که در دانشگاه ملك عبد العزیز مکّه آن را ارایه داده و دفاع کرده است.

وی در این کتاب ۴۶ حدیث با سلسله اسنادش پیرامون حضرت مهدی علیه السلام نقل کرده، بررسی سندی نموده، بر صحّت سند، استواری متن و متواتر بودن محتوای آنها تأکید کرده است.

جالب تر این که این کتاب در مکّه ی معظّمه چاپ شده است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. الفتن، تألیف: نعیم بن حمّاد مروزی، متوفّای ۲۲۹ ق.

۲. المصنَّف، تألیف: ابن ابی شیبه، متوفّای ۲۲۵ ق.

۳. فتح الباری، تألیف: ابن حجر عسقلانی، متوفّای ۸۵۲ ق.

۴. المهدی المنتظر، تألیف: عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی _ معاصر _

ص:۳۹

درس چهارم: تواتر احادیث مهدویت

بسیاری از علمای عامّه به صراحت اعلام کرده اند که احادیث مهدویت به حدّ تواتر رسیده است، که از آن جمله است:

۱. حافظ ابوالحسن محمد بن حسین آبری سجزی، متوفّای ۳۶۳ ق. که در کتاب «مناقب الشّافعی» می گوید:

اخبار متواتر و مستفیض است از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد «مهدی» و این که مهدی از اهل بیت پیامبر است، هفت سال حکومت می کند(۱) زمین را پر از عدل و داد می نماید و این که حضرت عیسی بیرون می آید و او را در کشتن دجّال یاری می کند و آن حضرت بر امّت اسلامی امامت می کند و عیسی علیه السلام پشت سر او نماز می خواند.

بسیاری از علمای اهل سنّت عین عبارت «آبری» را نقل کرده و تأیید نموده اند که از آن جمله است:

ص:۴۰

۱- [۱] . بر اساس احادیث صحیحه که با سند صحیح از طریق اهل بیت علیهم السلام به ما رسیده، مدّت حکومت حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه پس از ظهور ۳۰۹ سال می باشد [شیخ طوسی، الغیبه، ص ۴۷۴؛ دلائل الامامه، ص ۲۴۱؛ شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۱۶؛ محدّث بحرانی، حلیه الأبرار، ج ۲، ص ۵۹۸؛ علامه مجلسی، بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱]

۲. محمد بن احمد بن ابی بکر قرطبی، متوفّای ۶۷۱ ق.(۱)

۳. جمال الدّین، ابوالحجّاج یوسف بن عبدالرّحمن مزّی، متوفّای ۷۴۲ ق.(۲)

۴. شمس الدّین، محمد بن ابی بکر دمشقی، مشهور به: ابن قیّم جوزیه، متوفّای ۷۵۱ ق.(۳)

۵. شهاب الدّین، احمد بن علی عسقلانی، مشهور به: ابن حجر، متوفّای ۸۵۲ ق.(۴)

۶. شمس الدّین، محمد بن عبدالرّحمن سخاوی، متوفّای ۹۰۲ ق.(۵)

۷. جلال الدّین، عبدالرّحمن بن ابی بکر سیوطی، متوفّای ۹۱۱ ق.(۶)

۸. شهاب الدّین، احمد بن محمد مکّی، مشهور به: ابن حجر هیتمی، متوفّای ۹۷۴ ق.(۷)

۹. نورالدّین، علی بن محمد سلطان، مشهور به: ملّا علی قاری، متوفّای ۱۰۱۴ ق.(۸)

۱۰. مرعی بن یوسف بن ابی بکر حنبلی، متوفّای ۱۰۳۳ ق.(۹)

۱- [۱] . قرطبی، التّذکره، ج ۲، ص ۷۲۳؛ مختصر التّذکره، ص ۱۷۴؛ الجامع لأحکام القرآن، ج ۸ ص ۱۲۲.

۲- [۲] . مزی، تهذیب الکمال، ج ۶، ص ۵۹۶.

۳- [۳] . ابن قیّم، المنار المنیف، ص ۱۴۲.

۴- [۴] . ابن حجر، فتح الباری، ج ۶، ص ۴۹۴.

۵- [۵] . سخاوی، فتح المغیث، ج ۳، ص ۴۱.

۶- [۶] . سیوطی، العرف الوردی، ص ۱۷۶؛ همو، الحاوی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۷- [۷] . هیتمی، الصّواعق المحرقه، ص ۹۹.

۸- [۸] . ملّا علی قاری، رساله المهدی من آل الرّسول، ص ۲۵.

۹- [۹] . مقدسی کرمی، فرائد فوائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر، ص ۲۳۲ و ۲۹۲.

۱۱. محمد بن عبدالرّسول برزنجی، متوفّای ۱۱۰۳ ق.(۱)

۱۲. ابوعبداللّه محمد بن عبدالباقی زرقانی، متوفّای ۱۱۲۲ ق.(۲)

۱۳. شمس الدّین محمد بن احمد سفارینی، متوفّای ۱۱۸۸ ق.(۳)

۱۴. محمد بن علی شوکانی، صاحب «نیل الأوطار» متوفّای ۱۲۵۰ ق. که در این رابطه کتاب مستقلّی نوشته و آن را «التّوضیح فی تواتر ما جاء فی المهدی المنتظر والدجّال والمسیح» نامیده است.(۴)

شوکانی که مورد قبول همه علمای اهل سنّت، به ویژه وهّابی ها می باشد، در این کتاب می نویسد:

احادیث مهدی که در دسترس من بود، پنجاه حدیث می باشد، که در میان آن ها صحیح، حسن و ضعیف منجبر هست، که بدون شک و شبهه متواتر هستند و بر اساس اصطلاح اهل فن به کمتر از آن متواتر صدق می کند.

بسیاری از بزرگان عامّه، این متن را از ایشان عیناً نقل کرده اند، که از آن جمله است:

۱۵. مولوی صدیق حسن خان قنوجی، متوفّای ۱۳۰۷ ق.(۵)

۱۶. شیخ منصور علی ناصف، متوفّای بعد از ۱۳۷۱ ق.(۶)

۱- [۱] . برزنجی، الإشاعه فی أشراط السّاعه، ص ۸۷ و ۱۸۹.

۲- [۲] . زرقانی، شرح المواهب اللّدنیه، به نقل کتانی در نظم المتناثر، ص ۱۴۵.

۳- [۳] . سفارینی، لوائح الأنوار البهیه، ج ۲، ص ۸۰ و مختصر لوائح، ص ۳۴۳.

۴- [۴] . شوکانی، البدر الطّالع، ج ۲، ص ۲۲۲.

۵- [۵] . قنوجی، الإذاعه، ص ۱۲۸، ۱۵۳، ۱۵۴ و ۱۶۵.

۶- [۶] . ناصف، غایه المأمول، ج ۵، ص ۳۲۷.

۱۷. شیخ عبدالمحسن العبّاد، معاصر، استاد دانشگاه مدینه.(۱)

۱۸. شیخ محمد منتصر الکنانی، معاصر، مقیم مکّه معظّمه.(۲)

۱۹. استاد ناصر الدّین الألبانی، معاصر، در «رساله حول المهدی المنتظر».(۳)

۲۰. محمد أنور شاه کشمیری، متوفّای ۱۳۵۲ ق. نیز کتابی در این رابطه تألیف کرده، آن را «التّصریح بما تواتر فی نزول المسیح» نام نهاده است.

یکی از احادیثی که ایشان در کتاب نقل کرده، حدیث جابر بن عبداللّه انصاری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می باشد که فرمود:

مَن أَنکَرَ خُرُوجَ المَهدِیِّ فَقَد کَفَرَ بِمَا أُنزِلَ عَلَی مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله؛

هر کس خروج مهدی علیه السلام را انکار کند، به آنچه بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله نازل شده، کافر شده است.(۴)

۲۱. شیخ محمد بن جعفر فاسی کتّانی، متوفّای ۱۳۴۵ ق. نیز در کتابی که در این زمینه تألیف کرده می نویسد:

کوتاه سخن این که احادیث وارده پیرامون حضرت مهدی، خروج دجّال و نزول حضرت عیسی متواتر می باشد.(۵)

۲۲. شیخ عبدالعزیز بن عبداللّه بن باز، مفتی اعظم عربستان سعودی، با استناد

۱- [۱] . عبّاد، عقیده أهل السّنه والأثر فی المهدی المنتظر، در ضمن مجلّه الجامعه الاسلامیه، چاپ دانشگاه مدینه، سال اول، شماره ۳، ۱۳۸۸ ق.

۲- [۲] . کتّانی، جزوه رابطه العالم الاسلامی.

۳- [۳] . نسخه خطی این کتاب در کتابخانه دانشگاه ملک سعود، به شماره ۳۹۹۸ موجود است. [کتابنامه حضرت مهدی: ۱/۳۹۴] مجلّه التمدّن الاسلامی، چاپ دمشق، ۱۳۷۱ ق. ص ۶۴۶.

۴- [۴] . انورشاه، التّصریح، ص ۲۴۲، ح ۶۰.

۵- [۵] . کتّانی، نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر، ص ۲۲۹.

به سخنان بزرگانی چون ابوالحسن آبری، سفارینی و شوکانی می نویسد:

احادیث در مورد خروج مهدی در آخر الزّمان و این که جهان را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که پر از جور و ستم شده است، بدون تردید متواتر است با تواتر معنوی و این به منزله اجماع اهل علم می باشد.(۱)

۲۳. حافظ ابوعبداللّه، محمد بن یوسف نوفلی، مشهور به «گنجی شافعی» مستشهد ۶۵۸ ق. نیز به صراحت از متواتر و مستفیض بودن احادیث مهدی دفاع و بر آن تأکید کرده است.(۲)

۲۴. ابوزید عبدالرّحمن بن عبدالقادر فاسی، متوفّای ۱۰۹۲ ق. در کتاب منهج المقاصد، در شرح مراصد المعتمد، به تواتر آن تصریح کرده است.(۳)

۲۵. شیخ محمد بن قاسم بن محمد جسوس مالکی، متوفّای ۱۱۸۲ ق. نیز در شرح کتاب «الرساله» از عبداللّه بن عبدالرحمن شیروانی، بر تواتر آن تصریح کرده است.(۴)

۲۶. شیخ محمد بن علی صبّان، متوفّای ۱۲۰۶ ق. چندین بار بر آن تصریح کرده است.(۵)

۲۷. محمد خضر حسین مصری، شیخ اسبق الأزهر، متوفّای ۱۳۷۷ ق. در مقاله ای تحت عنوان «نظره فی احادیث المهدی» بر تواتر آن تصریح نموده

۱- [۱] . بن باز، ذیل عقیده اهل السنه والأثر، مجله الجامعه الاسلامیه، چاپ دانشگاه مدینه، شماره اول، سال ۱۲، شماره مسلسل ۴۵، ص ۱۹.

۲- [۲] . گنجی شافعی، البیان فی اخبار صاحب الزّمان، ص ۱۲۶، باب یازدهم.

۳- [۳] . به نقل عبداللّه بن محمد بن صدیق، در المهدی المنتظر، ص ۱۰.

۴- [۴] . همان، ص ۹ و به نقل کتانی، در نظم المتناثر، ص ۲۲۶.

۵- [۵] . ابن صبّان مالکی، اسعاف الرّاغبین، ص ۱۴۵، ۱۴۷ و ۱۵۲.

است.(۱)

۲۸. ابویعلی محمد بن عبدالرحمن مبارکفوری، متوفّای ۱۳۵۳ ق. در شرح سنن ترمذی بر تواتر احادیث حضرت مهدی تصریح کرده است.(۲)

۲۹. شیخ مؤمن بن حسن شبلنجی، متوفّای ۱۲۹۱ ق. بر تواتر احادیث مهدوی پای فشرده است.(۳)

۳۰. سلیمان بن ابراهیم قندوزی حنفی، متوفّای ۱۲۹۴ ق. بر تواتر احادیث حضرت مهدی علیه السلام تأکید کرده است.(۴)

۳۱. احمد بن زینی دحلان، مفتی مکّه ی معظّمه، متوفّای ۱۳۰۴ ق. بر تواتر آن تصریح کرده است.(۵)

۳۲. محمد بلبیسی شافعی مصری، متوفّای ۱۳۰۸ ق. در شرح «القطر الشّهدی» بر آن تأکید کرده است.(۶)

۳۳. ابوالفیض، سید احمد بن محمد بن صدیق غماری، متوفّای ۱۳۸۰ ق. در ردّیه ی خود بر ابن خلدون، احادیث حضرت مهدی علیه السلام را متواتر و مفیدِ قطع دانسته است.(۷)

۳۴. شیخ صفاء الدّین آل شیخ حلقه، احادیث مهدی علیه السلام را فوق تواتر دانسته

۱- [۱] . مجلّه التمدّن الاسلامی، جلد ۱۶، چاپ دمشق، به تاریخ محرم ۱۳۷۰ ق. ص ۸۲۸.

۲- [۲] . مبارکفوری، تحفه الأحوذی، ص ۴۸۴، در شرح حدیث ۲۳۳۱.

۳- [۳] . شبلنجی، نورالأبصار، ص ۲۶۲.

۴- [۴] . قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۳۴۴، باب ۸۵.

۵- [۵] . زینی دحلان، الفتوحات الاسلامیه، ج ۲، ص ۲۱۱.

۶- [۶] . بلبیسی، العطر الوردی، ص ۴۴.

۷- [۷] . غماری، ابراز الوهم المکنون، من کلام ابن خلدون، ص ۱۵۸.

و گفته: بر اساس همه اصطلاحات، به کمتر از آن تواتر صدق می کند.(۱)

۳۵. ابوالفضل، عبداللّه بن محمد بن صدیق حسینی ادریسی _ معاصر _ تواتر احادیث حضرت مهدی را از چندین شخصیت برجسته نقل کرده است.(۲)

۳۶. شیخ حمود بن عبداللّه تویجری _ معاصر _ در ردّیه ی خود بر کتاب «لا مهدی ینتظر بعد الرّسول خیر البشر» از قاضی قطر بر تواتر آن تصریح کرده است.(۳)

۳۷. دکتر عبدالحلیم نجّار، در مقدمه خود بر کتاب «المهدیه فی الاسلام» بر تواتر احادیث مهدویت تأکید کرده است.(۴)

۳۸. ابوالعلاء، ادریس بن محمد ادریس حسینی عراقی فاسی، متوفّای ۱۱۸۳ ق. نیز گفته: احادیث حضرت مهدی متواتر یا نزدیک به متواتر است.(۵)

۳۹. دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی _ معاصر _ از علمای بزرگ وهّابیان، از ده ها تن از عالمان فرهیخته نام برده که بر تواتر احادیث مهدویت تأکید کرده اند.(۶)

۴۰. در سال ۱۹۷۶ م. یک نفر به نام الکرم ابومحمد، از کشور «کنیا» نامه ای به رابطه العالم الاسلامی مکّه معظّمه نوشته، در پیرامون حضرت مهدی علیه السلامسؤال

۱- [۱] . آل شیخ حلقه، مجله التّربیه الاسلامیه، سال ۱۴، شماره ۷، ص ۳۰.

۲- [۲] . ادریسی، المهدی المنتظر، ص ۱۵ _ ۷.

۳- [۳] . تویجری، الاحتجاج بالأثر علی من انکر المهدی المنتظر، ص ۱۲۱.

۴- [۴] . کتاب «المهدیه فی الاسلام» به قلم سعد محمد حسن مصری، که مغرضانه است و کتاب «الی مشیخه الازهر» در ردّ آن نوشته شده است.

۵- [۵] . به نقل ادریسی درالمهدی المنتظر، ص ۸ و کتّانی در نظم المتناثر، ص ۲۲۶.

۶- [۶] . بستوی، المهدی المنتظر، ص ۴۶ _ ۴۰.

کرده، «محمد صالح القزّاز» به عنوان دبیر کل رابطه، پاسخ مفصّلی به او فرستاده و گفته که این پاسخ را شیخ محمد منتصر کنانی نوشته، شیخ صالح بن عثیین، شیخ احمد محمد جمال، شیخ احمد علی و شیخ عبداللّه خیاط تأیید کرده اند.

در این نامه پس از شرح مبسوط آمده است:

حافظان و محدّثان تصریح کرده اند بر این که در میان احادیث مهدی صحیح و حسن هست و مجموع آنها متواتر هستند، که تواتر و صحّت آنها قطعی است و اعتقاد به خروج مهدی واجب است و آن از اعتقادات اهل سنّت و جماعت می باشد، آن را انکار نمی کند، جز کسی که جاهل به سنّت یا بدعت گذار در عقیده باشد.

این نامه در سطح وسیعی منتشر شده و به چندین زبان ترجمه شده است.(۱)

این بود چهل نمونه از بیانات صریح و شفّاف بزرگان اهل سنّت در طول قرون و اعصار، در مورد متواتر بودن احادیث حضرت مهدی علیه السلام، که راه هرگونه شک و تردید را بر همگان بسته اند.

علیرغم این تعبیرهای قاطع و روشن، تعدادی از افراد معاند در این رابطه اظهار شک و تردید کرده اند که خود آن ها پاسخ های دندان شکن داده اند، و اینک اشاره ای کوتاه به مخدوشگران احادیث مهدوی:

۱. علی بن احمد اندلسی، مشهور به: ابن حزم، متوفّای ۴۵۶ ق. در کتاب: «الفصل بین أهل الأهواء والنّحل» از مسائل مهدویت انتقاد کرده و احادیث حضرت مهدی علیه السلام را تضعیف کرده، شماری از علمای اهل سنّت در ردّ او کتاب مستقل نوشته اند، که از آن جمله است:

۱- [۱] . ترجمه فارسی این نامه به قلم آیت اللّه ناصر مکارم شیرازی در کتاب «مهدی انقلابی بزرگ» ص ۱۵۵ _ ۱۴۶ آمده است.

۱) احمـد بن صـدیق بخاری، متوفّای ۱۳۸۰ ق. کتـابی به نـام: «ابراز الوهم من کلاـم ابن حزم» نوشـته، که به سال ۱۳۴۷ ق. در چاپخانه ی ترقّی دمشق چاپ شده است.

۲) شیخ کـاظم بن شـیخ سـلمان حلّی، از علمای قرن چهاردهم، کتابی در ردّ او نوشـته و آن را «الجزم لفصل ابن حزم» نامیـده است. این کتاب در دو مجلّد قطور منتشر شده است.

۳) سید مهـدی بن صالح کشوان قزوینی نیز، کتابی در ردّ ابن حزم نوشـته و آن را «هدی الغافلین الی الدّین المبین» نام نهاده و به سال ۱۳۳۵ ق. از تألیف آن پرداخته است.

۲. عبـدالرّحمن بن خلـدون، متوفّای ۸۰۸ ق. در کتاب تاریـخ خود احادیث مربوط به حضـرت مهـدی علیه السـلام را تضـعیف کرده، کتاب های مسـتقلّی در ردّ او نوشـته شده، که از آن جمله است: «ابراز الوهم المکنون من کلام ابن خلدون» از احمد بن صدیق بخاری، چاپ مطبعه ی ترقّی در دمشق به سال ۱۳۴۷ ق.

۳. شیخ عبداللّه محمود، رییس محکمه ی شرعی قطر، کتاب پوچ و بی محتوایی در نقد احادیث حضرت مهدی نوشته و آن را «لا مهدی ینتظر، بعد الرّسول خیر البشر» نام نهاده است.

ردیه های فراوانی از علمای برجسته اهل سنّت در ردّ او نوشته شده که از آن جمله است:

۱) فتح المعبود فی الردّ علی ابن محمود، تألیف: شیخ حمّود بن عبداللّه تویجری.

۲) غایه المقصود فی التّنبیه علی أوهام ابن محمود، تألیف: شیخ عبداللّه بن

ص:۴۸

محمد، رییس مجلس اعلی _ سعودی _

۳) تحذیر النّاسک ممّا أحدثه ابن محمود، تألیف: شیخ محمد بن ابراهیم آل شیخ، مفتی سابق کشور سعودی.

۴) الردّ علی من کذّب بالأحادیث الصّحیحه الوارده فی المهدی، تألیف: شیخ عبدالمحسن العبّاد، استاد و نایب رییس دانشگاه مدینه ی منوّره.

این کتاب نخست در مجلّه ی دانشگاه مدینه، سال دوازدهم، شماره اول و دوم چاپ شد، سپس به سال ۱۴۰۲ ق. به پیوست کتاب «عقیده أهل السنّه والأثر فی المهدی المنتظر» از همین مؤلّف در چاپخانه «الرّشید» در مدینه ی منوّره چاپ و منتشر شد.

این کتاب متن سخنرانی مؤلّف در دانشگاه مدینه است، که در مجلّه دانشگاه که ارگان رسمی دانشگاه است، در ذیقعده الحرام ۱۳۸۸ ش، سپس در مجلّه «الهادی» ارگان دار التّبلیغ اسلامی قم، بعداً به صورت مستقل، به پیوست ذیل آن به قلم بن باز چاپ و منتشر شد.

در کتاب «الردّ» و «عقیده أهل السنّه» و «ذیل آن» به شدّت از احادیث حضرت مهدی و تواتر آن دفاع شده است.

۳. سعد محمد حسن مصری، در کتاب «المهدیه فی الاسلام» احادیث مهدویت را نشأت گرفته از تفکّرات یهود و نصارا قلمداد کرده، ردیه هایی بر او نوشته شده، از جمله کتاب «الی مشیخه الازهر» به قلم: عبداللّه سبیتی، که به سال ۱۳۷۵ ق. در دارالحدیث بغداد چاپ و منتشر شده است.

۴. خاورشناس یهودی مجارستانی «گلدزیهر» متوفّای ۱۹۲۱ م. در کتابش که به نام «العقیده والشّریعه فی الاسلام» ترجمه شده، احادیث حضرت

مهدی علیه السلامرا نشانه رفته است.

۵. خاورشناس دیگری به نام: «دونالدسن» در کتابش که به نام «عقیده الشّیعه» ترجمه شده، احادیث حضرت مهدی علیه السلام را نوعی عکس العمل امّت اسلامی در برابر مظالم بنی امیه دانسته است.

نگاهی گذرا بر تصریحات شفاف بزرگان اهل حدیث بر تواتر احادیث حضرت مهدی علیه السلام ما را از هر گونه پاسخ گویی به سخنان پوچ و بی پایه ی خاورشناسان و هم رزمان آنها بی نیاز می کند.

چکیده

دو تن از خاورشناسان مغرض: ۱. گلدزیر ۲. دونالدسن و تنی چند از افراد مشهور، ولی نا آشنا با علم حدیث، چون: ابن حزم، ابن خلدون، شیخ عبداللّه محمود و سعد بن محمد حسن مصری، پا از گلیم خود بیرون گذاشته، در موضوعی که در آن تخصّص ندارند، اظهار نظر نموده، احادیث مهدویّت را تضعیف کرده اند.

ما در این درس آنها را نام برده، کتاب هایی را که در ردّ آنها از سوی عالمان برجسته ی اهل سنّت تألیف شده، معرّفی کرده، تعداد چهل تن از عالمان فرهیخته ی اهل سنّت که به تواتر احادیث مهدویّت تصریح کرده اند را معرّفی نموده ایم.

برای تحقیق بیشتر:

۱. المهدی المنتظر، تألیف: دکتر عبدالعلیم عبدالعظیم بستوی _ معاصر _

۲. اصالت مهدویت، تألیف: شیخ مهدی فقیه ایمانی _ معاصر _

ص:۵۰

۳. الردّ علی من کذّب بالأحادیث الصّحیحه الوارده فی المهدی، تألیف: شیخ عبدالمحسن العبّاد _ معاصر _

۴. الاذاعه لما کان و ما یکون بین یدی السّاعه، تألیف: سید محمد صدّیق حسن قنوجی بخاری، متوفّای ۱۳۰۷ ق.

ص:۵۱

درس پنجم: مناقب ویژه ی حضرت مهدی علیه السلام در منابع حدیثی اهل سنّت

اشاره

پس از نقل ویژگی های حضـرت مهدی علیه السلام در احادیث اهل سنّت و اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و نقل شماری از احادیث صحیح پیرامون حضرت مهدی علیه السلام از دیدگاه اهل سنّت و اثبات تواتر احادیث آن حضرت از زبان چهل تن از علمای اهل سنّت، سیری گذرا در احادیث معتبر و مستند اهل سنّت پیرامون شیوه رفتاری، سلوکی، فضایل، مناقب و دیگر ابعاد زندگی آن حضرت انجام داده، فرازهایی از این احادیث را در این بخش تقدیم می کنیم:

۱. نام نامی و یاد گرامی

۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون نام نامی و القاب گرامی حضرت مهدی علیه السلامفرمود:

یَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی، یُوَاطِئُ اسْمُهُ اسْمِی، وَ خُلْقُهُ خُلْقِی؛

مردی از خاندان من خروج می کند که نامش همنام من و خُلق و خویش همانند خُلق و خوی من می باشد.(۱)

ص:۵۲

۱- [۱] . طبرانی، المعجم الکبیر، ج ۱، ص ۱۳۷؛ هیثمی، موارد الظّمآن، ص ۴۶۴، ح ۱۸۷۹؛ متّقی هندی، البرهان، ص ۹۲؛ سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۲۹۲.

شایان دقّت است که طبرانی این حدیث را از ۲۰ طریق، از رسول اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده است.(۱)

۲) و در حدیث دیگری فرمود:

یَخْرُجُ فی آخِرِ الزَّمانِ رجُلٌ مِن وُلدِی، إسمُهُ کَإِسمِی، وَکُنیَتُهُ کَکُنیَتِی؛

در آخرالزّمان مردی از فرزندان من خروج می کند که نامش همانند نام من و کنیه اش همانند کنیه من می باشد.(۲)

۲. نسب گرامی

۳) رسول گرامی اسلام در مورد نسب والای حضرت مهدی علیه السلام فرمود:

الْمَهْدِیُّ مِنْ وُلْدِی؛

مهدی از تبار من است.(۳)

۴) با توضیح بیشتر فرمود:

الْمَهْدِیُّ مِنْ عِتْرَتِی، مِنْ وُلْدِ فَاطِمَه؛

مهدی از عترت من، از تبار فاطمه است.(۴)

۵) و در حدیث دیگر فرمود:

الْمَهْدِیُّ مِنْ وُلْدِ فَاطِمَه؛

۱- [۱] . طبرانی، همان، ص ۱۳۷- ۱۳۱، ح ۱۰۲۳۰ _ ۱۰۲۰۸.

۲- [۲] . سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۶۳.

۳- [۳] . ابن صبّان مصری، اسعاف الرّاغبین در حاشیه نور الأبصار، ص ۱۳۴.

۴- [۴] . ابوداود، الصّحیح من سنن المصطفی، ج ۲، ص ۲۰۸؛ خطابی، معالم السّنن، ج ۴، ص ۳۴۴؛ منذری، مختصر السّنن، ج ۶، ص ۱۸۵؛ سلمی، عقدالدّرر، ص ۱۵؛ ابن کثیر، النّهایه، ج ۱، ص ۲۷؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۵۵؛ متّقی هندی، البرهان، ص ۸۹؛ مناوی، فیض القدیر، ج ۶، ص ۲۷۷؛ عظیم آبادی، عون المعبود، ج ۱۱، ص ۲۷۳، ح ۴۲۶۴.

مهدی از نسل فاطمه است.(۱)

۶) امیر بیان، مولای متّقیان، حضرت علی علیه السلام در این رابطه فرمود:

أَلمَهدِیُّ رَجُلٌ مِنَّا، مِن وُلدِ فَاطِمَهَ؛

مهدی مردی از ما، از تبار فاطمه است.(۲)

۷) جناب سلمان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله پرسید:

مهدی از کدامین فرزند شماست؟

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست مبارکش را بر شانه امام حسین علیه السلام نهاد و فرمود:

مِنْ وَلَدِی هَذَا؛

از این فرزندم.(۳)

۸) سلطان سریر ارتضاء، حضرت علی بن موسی الرّضا، علیه آلاف التّحیه والثّناء، با توضیح بیشتر فرمود:

الْخَلَفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدِ أَبِی مُحَمَّدٍ، الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ، وَ هُوَ صَاحِبُ الزَّمَانِ، القَائِمُ الْمَهْدِیُّ؛

خلف صالح از فرزندان ابومحمد حسن بن علی است، و او صاحب الزّمان، قائم و مهدی علیه السلام است.(۴)

در بیش از ۱۰۸ حدیث از طریق اهل بیت عصمت و طهارت تصریح شده که

۱- [۱] . ابن ماجه، السّنن، ج ۲، ص ۲۴، ح ۴۰۸۴؛ سلمی، عقدالدّرر، ص ۲۱.

۲- [۲] . سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۷۴.

۳- [۳] . محبّ الدین طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۳۶؛ سلمی، عقد الدّرر، ص ۲۴.

۴- [۴] . ابن صبّاغ مالکی، الفصول المهمّه، ص ۲۹۲.

حضرت مهدی علیه السلام فرزند بلا فصل امام حسن عسکری علیه السلام است(۱)، در شماری از احادیث اهل سنّت نیز به آن تصریح شده، که یک نمونه ی آن حدیث فوق است، که آن را ابن صبّاغ مالکی و قندوزی حنفی با سلسله اسناد خودشان از امام رضا علیه السلام روایت کرده اند.(۲)

۹) امام صادق علیه السلام با صراحت بیشتر فرمود:

الْخَلَفُ الصَّالِحُ مِنْ وُلْدِی، وَ هُوَ الْمَهْدِیُّ، اسْمُهُ مُحَمَّدٌ وَ کُنْیَتُهُ أَبُو الْقَاسِمِ، یَخْرُجُ فِی آخِرِ الزَّمَانِ، یُقَالُ لِأُمِّهِ: «نَرجِسٌ»؛

خلف صالح از فرزندان من است، او مهدی است، نامش محمد و کنیه اش ابوالقاسم می باشد، در آخرالزّمان خروج می کند، به مادرش «نرجس» گفته می شود.(۳)

۳. جمال بی مثال

در بخش آغازین کتاب احادیث فراوانی در وصف آن خورشید فروزان امامت نقل کردیم، در اینجا به نقل یک حدیث تبرّک می جوییم:

۱۰) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصف جمال عدیم المثال فرزند دلبندش فرمود:

أَلمَهدِیُّ طَاوُوسُ أَهلِ الجَنَّهِ؛

مهدی طاووس اهل بهشت است.(۴)

۱۱) در بیان دیگری فرمود:

۱- [۱] . آیه اللّه صافی گلپایگانی، منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۰۸ _ ۲۰۲.

۲- [۲] . ابن صبّاغ، همان؛ قندوزی، ینابیع الموده، ج ۳، ص ۳۹۲، ح ۳۶.

۳- [۳] . قندوزی، همان، ح ۳۷، به نقل از اربعین ابونعیم اصفهانی.

۴- [۴] . ابن صبّاغ، همان، ص ۲۹۳.

الْمَهْدِیُّ مِنْ وُلْدِی، اسْمُهُ اسْمِی، کُنْیَتُهُ کُنْیَتِی، أَشْبَهُ النَّاسِ بِی خَلْقاً وَ خُلْقاً؛

مهدی از نسل من است، نام او نام من است، کنیه اش کنیه من و خودش شبیه ترین مردمان است به من در سیرت و صورت.(۱)

۴. مقام عصمت

عصمت چهارده نور پاک از نظر شیعه قطعی، بلکه از ضروریات مذهب می باشد، از نظر اهل سنّت نیز در این زمینه احادیث صریح و معتبری وجود دارد، که از آن جمله است:

۱۲) ابن عباس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

أَنَا وَ عَلِیٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ، وَ تِسْعَهٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ، مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُون؛

من، علی، حسن، حسین و نُه تن از فرزندان حسین، پاک، پاکیزه و معصوم هستیم.(۲)

۱۳) پیامبر اکرم در خصوص عصمت آن حضرت فرمود:

یَقفُو أَثَرِی لا یُخطِی ءُ؛

مهدی قدم در جای قدم من می گذارد و هرگز خطا نمی کند.(۳)

محی الدین عربی، پیشوای اهل عرفان، بر طبق این نصّ صریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، به عصمت حضرت مهدی علیه السلام تصریح کرده، در پایان می نویسد:

۱- [۱] . حموینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۵، ح ۵۸۵.
۲- [۲] . همان، ص ۳۱۳، ح ۵۶۳.
۳- [۳] . ابن عربی، الفتوحات المکیه، ج ۳، ص ۳۳۲، باب ۳۶۶.

مهدی علیه السلام حجّت خدا بر اهل زمان است و مقام او در سطح پیامبران عظیم الشّأن الهی است.(۱)

۵. جایگاه بلند حضرت مهدی علیه السلام

۱۴) پیامبر عظیم الشّأن در احادیث فراوان از جایگاه رفیع حضرت مهدی علیه السلام سخن گفته، از جمله در حدیثی می فرماید:

نَحْنُ وُلْدُ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ، سَادَهُ أَهْلِ الْجَنَّهِ، أَنَا وَ حَمْزَهُ وَ جَعْفَرٌ، وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ الْمَهْدِيُّ؛

ما فرزندان عبدالمطّلب سروران اهل بهشت هستیم، من، حمزه، جعفر، علی، حسن، حسین و مهدی.(۲)

۱۵) خداوند منّان در شب معراج با خاتم پیامبران، پیرامون خلقت نوری و مقامات رفیع پیشوایان معصوم علیهم السلام به تفصیل سخن گفته، انوار درخشان آنها را در قائمه ی عرش خود به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ارایه داده، نور درخشان حضرت مهدی علیه السلامرا چون ستاره ای فروزان، به حال ایستاده، در هاله ای از نور متجلّی ساخته، در معرّفی آنها فرمود:

هَؤُلَاءِ الْحُجَجُ، وَ هُوَ الثَّائِرُ مِنْ عِتْرَتِكَ، وَ عِزَّتِی وَ جَلَالِی، إِنَّهُ الْحُجَّهُ الْوَاجِبَهُ لِأَوْلِيَائِی، وَ الْمُنْتَقِمُ مِنْ أَعْدَائِی؛

اینان حجّت های من هستند، امّا او (آن ایستاده) منتقم عترت تو می باشد. به عزّت و جلال خود سوگند، که او حجّت واجب من بر دوستانم و دست انتقام

ص:۵۷

۱- [۱] . همان، ص ۳۳۸.

۲- [۲] . ابن ماجه، السّنن، ج ۲، ص ۲۴، ح ۴۰۸۷؛ ابن طلحه، مطالب السّؤول، ص ۳۱۳؛ گنجی شافعی، البیان، ص ۳۴؛ ابن کثیر، النّهایه، ج ۱، ص ۳۱؛ ابن صبّاغ مالکی، الفصول المهمّه، ص ۲۹۴.

من از دشمنانم می باشد.(۱)

۶. مقتدای مسیح

۱۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می فرماید:

عیسی بن مریم به هنگام نماز صبح فرود می آید. حضرت مهدی علیه السلام به ایشان می فرماید:

یا روح اللّه! جلوتر بیا تا نماز را اقامه کنی.

می گوید: این امّت امام یکدیگر هستند.

پس حضرت مهدی جلو می ایستد و نماز را اقامه می کند.(۲)

۱۷) در حدیث دیگر فرمود: حضرت عیسی علیه السلام عرض می کند:

شما برای نماز شایسته تر هستی.

پس عیسی علیه السلام به آن حضرت اقتدا می کند.(۳)

۷. مقام شفاعت

۱۸) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث گسترده ای جایگاه یکایک ائمّه علیه السلام را بیان می کند، در پایان می فرماید:

وَالْمَهْدِیُّ شَفِیعُهُمْ یَوْمَ الْقِیَامَهِ، حَیْثُ لَا یَأْذَنُ إِلَّا لِمَنْ یَشاءُ وَ یَرْضی؛

در روز رستاخیز حضرت مهدی شفاعت کننده ی مؤمنان است، در آن روزی

۱- [۱] . حموینی، فرائد السّمطین، ج ۲، ص ۳۲۱، ح ۵۷۲.
۲- [۲] . احمد حنبل، المسند، ج ۶، ص ۲۶۸، ح ۱۷۹۲۰؛ مسلم، الصّحیح، ج ۱، ص ۱۳۷، ب ۷۱، ح ۲۴۷؛ بیهقی، السّنن الکبری، ج ۹، ص ۳۹؛ گنجی شافعی، البیان، ص ۴۸، ح ۲۷؛ حاکم، مستدرک الصّحیحین، ج ۴، ص ۴۷۸؛ هیثمی، مجمع الزّوائد، ج ۷، ص ۳۴۴؛ ابن قیّم، المنار المنیف، ص ۱۴۲و ۱۴۷؛ سلمی، عقدالدّرر، ص ۱۷؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۶۱.
۳- [۳] . سبط ابن جوزی، تذکره الخواص، ص ۳۲۵.

که خداوند اذن شفاعت نمی دهد، جز به کسی که بخواهد و خشنود باشد.(۱)

۸. هنگامه ی ظهور

۱۹) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روز موفور السّرور ظهور آخرین امام نور را «روز رهایی» نامیده می فرماید:

یُدْعَی ذَلِکَ الْیَوْمُ یَوْمَ الْخَلَاصِ؛

آن روز، روز رهایی نامیده می شود.(۲)

۲۰) بر اساس روایات فراوان، ظهور حضرت مهدی علیه السلام در شب ۲۳ رمضان المبارک و قیام جهانی آن حضرت روز دهم محرّم ـ عاشورا ـ اتّفاق خواهد افتاد. چنان که در حدیث شریف می فرماید:

یظهَرُ المَهدِیُّ فِی یوم عَاشُورَاء، وَهُوَ الیومُ الَّذِی قُتِلَ فِیهِ الحُسَینُ بنُ عَلِی علیه السلام وَکَأَنِّی بِهِ یومَ السَّبتِ العَاشِرِ مِنَ المُحَرَّمِ، قَائِمٌ بَینَ الرُّکنِ وَالمَقَامِ، وَجِبرِیلُ عَن یمِینِهِ، وَمِیکَائِیلُ عَن یسَارِهِ؛

مهدی علیه السلام در روز عاشورا خروج می کند، و آن همان روزی است که حسین بن علی علیه السلامدر آن روز به شهادت رسیده است.

گویی او را با چشم خود می بینم که روز دهم محرّم که روز شنبه است، در میان رکن و مقام ایستاده است، جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ آن حضرت قرار دارد.(۳)

ص:۵۹

۱- [۱] . خوارزمی، مقتل الحسین، ج ۱، ص ۹۵؛ حموینی، فرائد السّمطین، ج ۲، ص ۳۲۱، ح ۵۷۲.
۲- [۲] . ابن قیّم جوزیه، المنار المنیف، ص ۲۹۲، ح ۳۴۴؛ سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۲؛ ابن حجر عسقلانی، الفتاوی الحدیثیه، ص ۳۹.
۳- [۳] . سلمی، عقدالدّرر، ص ۶۵.

در اینجا لازم است اشاره کنیم که میان ظهور و قیام حضرت مهدی علیه السلامسه ماه و ۱۷ روز فاصله است، ظهور شب ۲۳ ماه رمضان و قیام جهانی روز دهم محرّم می باشد، روز ظهور، روز جمعه و روز قیام، روز شنبه می باشد.

چکیده

در این درس نام نامی، یاد گرامی، نسب سامی، نام پـدر، نام مادر، تاریخ دقیق، روز قیام جهانی، فضایل و مناقب ویژه، سلوک رفتاری، شفاعت گسترده، مقام عصمت، جایگاه رفیع، ویژگی های عصر ظهور، پیشوایی امّت، امامت بر حضرت مسیح و دیگر ابعاد زندگی حضرت مهدی علیه السلام را به استناد ۲۰ حدیث، منحصراً از منابع معتبر اهل سنت نقل کرده ایم.

درنگی کوتاه در این احادیث به روشنی اثبات می کند که در احادیث اهل سنت نیز بر همه ی ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام تصریح شده و نقطه ی مبهمی برای حق جویان باقی نمانده است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. المعجم الکبیر، تألیف: حافظ ابوالقاسم، سلیمان بن احمد طبرانی، متوفّای ۳۶۰ ق.

۲. عقدالدّرر فی أخبار المنتظر، تألیف: یوسف بن یحیی مقدسی سلمی شافعی ـ قرن هفتم ـ

۳. الفصول المهمّه، تألیف: علی بن محمد، مشهور به: ابن صبّاغ مالکی، متوفّای ۸۵۵ ق.

ص:۶۰

درس ششم: دیگر مناقب ویژه حضرت مهدی علیه السلام در منابع حدیثی اهل سنّت

اشاره

در بخش پیشین هشت منقبت از مناقب ویژه حضرت مهدی علیه السلام را بر اساس ۲۰ حدیث معتبر از احادیث موجود در منابع پایه و مرجع اهل سنّت نقل کردیم، اینک دیگر مناقب ویژه آن حضرت را منحصراً از منابع آن ها در این بخش می آوریم:

۹. راز بقای جهان هستی

۲۱) رسول گرامی اسلام در حدیثی از غیبت طولانی حضرت مهدی علیه السلام و آزمون سخت مؤمنان در عصر غیبت به تفصیل سخن گفت، جابر بن عبداللّه انصاری پرسید:

آیا دوستانش در عصر غیبت از وجود آن حضرت سود می برند؟!

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در پاسخ فرمود:

وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالحَقِّ نَبِیّاً إِنَّهُم یَستَضِیئُونَ بِنُورِهِ، وَ یَنتَفِعُونَ بِولایَتِهِ فِی غَیبَتِهِ، کَإِنتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمسِ، إِذَا سَتَرَهَا سَحَابٌ؛

سوگند به خدایی که مرا به حق برانگیخت، آنها از نور وجودش کسب نور

ص:۶۱

می کنند و از ولایتش سود می برند، همان گونه که مردمان از خورشید سود می برند، هنگامی که در پشت ابر نهان باشد.

سپس فرمود:

یَا جَابِرُ! هَذَا مِن مَکنُونِ سِرِّ اللّه ِ وَ مَخزُونِ عِلمِهِ، فَاکتُمهُ إلَّا عَن أَهلِهِ؛

ای جابر! این رازی از رازهای پروردگار و گنجی از گنجینه ی دانش خداوند است، آن را مخفی بدار، به جز از اهلش.(۱)

تشبیه حضرت مهدی علیه السلام در عصر غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر بسیار تشبیه جالب و شگفت انگیز است.

زیرا بر اساس هیئت جدید، خورشید در مرکز منظومه ی شمسی و کرات منظومه بر گرداگرد آن در حال گردش هستند.

خورشید با نیروی جاذبه بسیار نیرومندی آن ها را به سوی خود جذب می کند، آن ها نیز با نیروی گریز از مرکز تلاش می کنند که از آن فاصله بگیرند.

تعادل این دو نیروی جاذبه و دافعه کرات منظومه را در مدار خود قرار داده، از ایجاد هرگونه خلل و تباهی محفوظ می دارد.

اگر یک ذرّه نیروی جاذبه بیشتر بود، این کرات به سوی خورشید جذب شده، با کره ی خورشید برخورد کرده، نابود می شدند و اگر یک ذرّه نیروی گریز از مرکز آن ها بیشتر بود، از حومه ی مغناطیسی خورشید، دور شده، در فضای لایتناهی پخش و پرت و نابود می شدند. بر اساس هیئت جدید تنها عامل بقای کرات منظومه شمسی، تعادل دو نیروی جاذبه و دافعه می باشد.

ص:۶۲

۱- [۱] . قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۳، ص ۲۳۸، ح ۱۱؛ ص ۳۹۹، ح ۵۴.

خورشید برای کرات منظومه، از جمله زمین، نورافشانی می کند، میکروب زدایی می کند، موجودات زنده را پرورش می دهد و آثار فراوان دیگری کریمانه به آن ها می بخشد.

هنگامی که خورشید در پشت ابر نهان باشد، نور، حرارت، میکروب زدایی، پرورش گیاهان و جانداران به صورت ضعیف تر انجام می شود، ولی تنها یک ویژگی آن بدون کم و کاست ادامه دارد و آن جاذبه ی آن است، در جذب کرات و بقای کرات منظومه به برکت تعادل جاذبه و دافعه ی خورشید و کرات منظومه، هیچ تفاوتی بین بودن و نبودن ابر نیست.

روی این بیان هنگامی که خورشید در پشت ابر نهان است، آثار ارزشمند آن به کرات منظومه به طور ضعیف تر می رسد، ولی در جاذبه ی آن هیچ خللی پیش نمی آید.

حجّت خدا نیز هنگامی که در پشت پرده ی غیبت نهان است، استفاده انسان ها از او بسیار ضعیف تر از دوران حضور می باشد، ولی به برکت او زمین و آسمان پای برجاست و نظام عالم درهم نمی ریزد، انسان ها و دیگر موجودات زنده به زندگی خود ادامه می دهند، که بر اساس روایات فراوان: «لولا الحجّه لساخت الأرض بأهلها» اگر یک لحظه حجّت خدا در روی زمین نباشد، زمین ساکنان خود را در کام خود فرو می برد.(۱)

از این رهگذر رسول اکرم صلی الله علیه و آله وجود مقدّس حضرت مهدی علیه السلام را در عصر

۱- [۱] . در این رابطه به منابع زیر مراجعه شود: اصول کافی: ۱/۱۳۹؛ غیبت شیخ طوسی، ص ۱۳۹؛ إعلام الوری، ص ۳۶۴؛ کفایه الأثر، ص ۱۶۳؛ بحارالانوار، ۳۶/۲۵۹؛ کمال الدین: ۱/۲۰۲؛ غیبت نعمانی، ص ۱۳۹؛ علل الشّرائع، ص ۱۹۸؛ عیون الأخبار، ص ۲۱۲.

غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه فرموده است.

در منابع اهل سنّت نیز در این رابطه احادیثی موجود است، از جمله:

۲۲) امام زین العابدین علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی فرمود:

بِنَا یُمْسِکُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِیدَ بِأَهْلِهَا، وَ بِنَا یُنَزِّلُ الْغَیْثَ، وَ بِنَا یَنْشُرُ الرَّحْمَهَ وَ یُخْرِجُ بَرَکَاتِ الْأَرْضِ. وَ لَوْ لَا مَا فِی الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛

خداوند به وسیله ی ما مانع می شود که زمین اهل خود را پریشان سازد، خداوند به وسیله ی ما باران می فرستد و به وسیله ی ما رحمتش را می گستراند و به وسیله ی ما برکات زمین را بیرون می فرستد.

اگر نبود امامی از ما در روی زمین، زمین اهل خود را در کام خود فرو می برد.(۱)

۲۳) رسول اکرم صلی الله علیه و آله در یکی از خطبه های خود که در آخرین روزهای حیات خود ایراد کردند، فرمودند:

مَعَاشِرَ النَّاسِ کَأَنِّی أُدْعَی فَأُجِیبُ، وَ إِنِّی تَارِکٌ فِیکُمُ الثَّقَلَیْنِ: کِتَابَ اللّه ِ وَ عِتْرَتِی أَهْلَ بَیْتِی.

مَا إِنْ تَمَسَّکْتُمْ بِهِمَا لَنْ تَضِلُّوا.

فَتَعَلَّمُوا مِنْهُمْ وَ لَا تُعَلِّمُوهُمْ، فَإِنَّهُمْ أَعْلَمُ مِنْکُمْ.

لَا تَخْلُو الْأَرْضُ مِنْهُمْ، وَ لَوْ خَلَتْ إِذاً لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛

هان ای مردمان! گویی نزدیک است که فرا خوانده شوم، پس اجابت نمایم. من در میان شما دو امانت گرانبها به ودیعت نهادم:

۱- [۱] . حموینی، فرائد السّمطین، ج ۱، ص ۴۶؛ قندوزی، ینابیع المودّه، ج ۱، ص ۷۵ و ج ۳، ص ۳۶۰.

۱) کتاب خدا

۲) عترت و اهل بیت خودم

اگر به این دو چنگ بزنید، هرگز گمراه نمی شوید.

از آنها فرا گیرید و هرگز در صدد تعلیم آنها برنیایید، که آنها از شما داناتر هستند.

هرگز روی زمین از آنها خالی نمی شود، و اگر خالی شود، زمین اهل خود را در کام خود فرو می برد.(۱)

۱۰. مشعل فروزان الهی

۲۴) در ذیل آیه شریفه «وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها»(۲) در احادیث فراوان آمده است که این آیه مربوط به عصر ظهور است، از جمله در حدیثی چنین آمده:

فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ؛

هنگامی که آن حضرت خروج کند، زمین با نور او روشن می شود.(۳)

در تورات، انجیل، اوستا و قرآن کریم از روشن شدن زمین با نور صاحب زمین سخن رفته، در احادیث فراوان، از جمله حدیث فوق تصریح شده که این معنی در عصر ظهور تحقّق پیدا می کند.

در احادیث اهل بیت با توضیح بیشتر آمده است:

هنگامی که قائم ما قیام کند، زمین با نور صاحبش روشن می گردد، مردم از

۱- [۱] . قندوزی، همان، ج ۱، ص ۷۴.

۲- [۲] . سوره ی زمر، آیه ی ۶۹.

۳- [۳] . حموینی، فرائد السّمطین، ج ۲، ص ۳۳۷، ح ۵۹۰.

نور خورشید بی نیاز می شوند، شب و روز یکسان گردد، تاریکی رخت برمی بندد.(۱)

در تورات در این زمینه با قاطعیت آمده است که:

بـار دیگر آفتـاب در روز، نورِ تو نخواهـد بود و مـاه درخشـندگی برای تو نخواهـد تابیـد، زیرا یهوه نور جاودانی تو و خـدایت زیبایی تو خواهد بود.(۲)

از بررسـی نویـدهای کتب مقدّسه، آیات نورانی قرآن و احادیث وارده از پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله از طریق اهل تشیع و تسـنّن روشن می شود که در عصر ظهور دیگر نیازی به خورشید و انرژی خورشیدی نخواهد بود، ولی نمی دانیم که آیا جهان هستی با نور دوازدهمین امام نور، به صورت معجزه آسا روشن خواهد شد، یا به وسـیله ی آن علم برتر و دانش مافوق تصوّری که بنابر احادیث آن امام نور خواهد آورد؟

۱۱. پناه امّت

۲۵) رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیثی پیرامون فرزند دلبندش امام عصر علیه السلام می فرماید:

یَخْرُجُ الْمَهْدِیُّ فِی أُمَّتِی، یَبْعَثُهُ اللّه ُغِیَاثاً لِلنَّاسِ؛

مهدی در امّت من خروج می کند، خداوند او را به عنوان پناهگاه برای مردمان برمی انگیزاند.(۳)

۲۶) و در حدیث دیگری فرمود:

۱- [۱] . طبری، دلائل الامامه، ص ۴۸۶.

۲- [۲] . کتاب مقدّس، عهد عتیق، کتاب أشعیاء نبی، باب ۶۰، بند ۱۹.

۳- [۳] . سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۰.

يأوِى إِلَيهِ النَّاسُ، كَمَا تَأوِى النَّحلُ إِلَى يَعسُوبِهَا؛

مردمان به آن حضرت پناه می برند، همان گونه که زنبوران عسل به ملکه خود پناه می برند.(۱)

۱۲. بیعت با خدا

۲۷) در مراسم بیعت با امام نور، جبرئیل امین فریاد می زند:

أَلبَيعَهُ للّه ؛

بیعت برای خدا.(۲)

۲۸) مراسم بیعت در میان رکن و مقام (بین حجرالاسود و مقام ابراهیم) انجام می شود، چنان که در حدیث شریف آمده است:

فيُبَايعُ لَهُ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ؛

در میان رکن و مقام با آن حضرت بیعت انجام می شود.(۳)

۲۹) در حدیث دیگری آمده است:

يُبَايعُ لِرَجُلٍ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ؛

با مردی در میان رکن و مقام بیعت می شود.(۴)

۱۳. بیعت با ولی خدا

۳۰) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تشریح ضرورت بیعت با ولی خدا می فرماید:

إِذَا رَأَيتُمُوهُ فَبَايِعُوهُ، وَ لَو حَبواً عَلَى الثَّلجِ، فَإِنَّهُ خَلِيفَهُ اللّه ِ المَهدِىُّ؛

۱- [۱] . برزنجی، الإشاعه لأشراط السّاعه، ص ۹۰.

۲- [۲] . ابن صبّاغ مالکی، الفصول المهمّه، ص ۳۰۲.

۳- [۳] . سفارینی، لوائح الأنوار البهیه، ج ۳، ص ۷۸.

۴- [۴] . ابن ابی شیبه، المصنّف، ج ۸، ص ۶۱۲.

چون او را مشاهده کردید، با او بیعت کنید که او خلیفه ی خدا، حضرت مهدی است.(۱)

۱۴. محبوب دل ها

۳۱) رسول اکرم صلی الله علیه و آله پیرامون محبوبیت آن ولی خدا می فرماید:

یُحِبُّهُ سَاکِنُ السَّمَاءِ وَ سَاکِنُ الْأَرْض؛

ساکنان آسمان و ساکنان زمین به او عشق می ورزند.(۲)

۳۲) امیر بیان، مولای متّقیان، حضرت علی علیه السلام فرمود:

إذَا نَادَی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَنَّ الحَقَّ فِی آلِ مُحَمَّدٍ، فَعِندَ ذَلِکَ یَظهَرُ المَهدِیُّ عَلَی أَفوَاهِ النَّاسِ، وَ یُشرَبُونَ حُبَّهُ، وَلَا یَکُون لَهُم ذِکرٌ غَیرُهُ؛

هنگامی که منادی آسمانی بانگ برآورد که:

«حق با محمد و آل محمد علیه السلام می باشد»؛

نام مهدی بر سر زبان ها می افتد، دل ها مالامال از محبّت او می شود، آنها دیگر کاری جز عشق بازی با نام و یاد او ندارند.(۳)

از خداوند منّان می خواهیم که در فرج آن حضرت تعجیل بفرماید، آن عشق سرشار و ارادت بی شائبه به مولای محبوب را به ما عنایت بفرماید، تفضّلاً سعادت دیدار آن کعبه ی مقصود و زندگی در عهد ظهور موفور السّرور آن قبله موعود را به ما نصیب بفرماید، ان شاء اللّه.

۱- [۱] . سلمی، عقد الدّرر، ص ۵۷.

۲- [۲] . همان، ص ۱۷؛ عدوی حمزاوی، مشارق الأنوار، ص ۱۱۲.

۳- [۳] . همان، ص ۵۲؛ سیوطی، الحاوی، ج ۲، ص ۶۵؛ برزنجی، الإشاعه، ص ۱۱۷؛ صدیق، إبراز الوهم المکنون، ص ۱۴۸.

چکیده

بیش از هزار سال پیش از پدید آمدن هیئت جدید، توسّط: کپلر، کوپرنیک، نیوتن و گالیله، از نقش خورشید در بقای کرات منظومه سخن رفته، وجود مقدّس امام زمان علیه السلام در عصر غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده، به صراحت اعلام شده اگر یک لحظه خورشید فروزان امامت در روی زمین نباشد، زمین ساکنان خود را در کام خود فرو می بلعد.

در این درس علّت تشبیه، نقش خورشید در بقای منظومه شمسی، بی نیازی مردم از نور خورشید در عصر ظهور، شگفتی این تشبیه در عصر حکومت هیئت یطلمیوس بر مراکز علمی و دیگر آثار وجودی حضرت مهدی علیه السلام تبیین شده است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. العرف الوردی فی أخبار المهدی، تألیف: جلال الدین سیوطی، متوفّای ۹۱۱ ق.

۲. فرائد السّمطین، تألیف: حافظ ابراهیم بن مؤید حموینی جوینی، متوفّای ۷۳۰ ق.

۳. او خواهد آمد، تألیف: علی اکبر مهدی پور ـ معاصر ـ

ص:۶۹

درس هفتم: حضرت مهدی علیه السلام و یاران خاصّ در احادیث اهل سنّت

۱۵. تعداد اصحاب خاصّ

بر اساس روایات فراوان در روز ظهور موفور السّرور دوازدهمین امام نور، ده ها هزار نفر در میان رکن و مقام با آن حضرت بیعت می کنند. ولی تعداد اصحاب خاصّ، که فرماندهان لشکری و کشوری هستند، ۳۱۳ تن می باشد:

۳۳) رسول اکرم صلی الله علیه و آله در فرازی از یک حدیث طولانی فرمود:

وَإِنَّ الْمَهْدِیَّ یُبایِعُ بَیْنَ الرُّکْنِ وَ الْمَقامِ وَ عِدَّهُ مَنْ مَعَهُ ثَلاثَمِائَهٍ وَبَضْعَهَ عَشَرَ.

در میان رکن و مقام (حجر الاسود و مقام ابراهیم) با مهدی علیه السلام بیعت می شود، تعداد کسانی که با او هستند ۳۱۰ تن و اندی می باشد.(۱)

۳۴) امیرمؤمنان علیه السلام در همین رابطه فرمود:

عَلی عِدَّهِ اَصْحابِ بَدْرٍ، لَمْ یَسْبِقْهُمُ الاَوَّلُونَ وَ لایُدْرِکُهُمُ الْاخِرُونَ عَلی عِدَّهِ أصْحابِ طالُوتَ، اَلَّذینَ جاوَزُوا مَعَهُ النَّهْرَ.

۱- [۱] . ابن حجر عسقلانی، الفتاوی الحدیثیه، ص ۴۰.

به تعداد اصحاب بدر و به تعداد اصحاب طالوت که به همراه او از رودخانه عبور کردند.

در گذشته کسی از آنها سبقت نگرفته و در آینده کسی به جایگاه آنها نخواهد رسید.(۱)

۳۵) امام باقر علیه السلام با شفّافیّت بیشتر فرمود:

فَیَظْهَرُ فی ثَلاثَمِائَةٍ وَ ثَلاثَةَ عَشَرَ، عِدَّةَ أهْلِ بَدْرٍ عَلی غَیْرِ مِیعادٍ قُزَعاً کَقُزَعِ الْخَریفِ، رُهْبانٌ بِاللَّیْلِ، اُسْدٌ بِالنَّهارِ.

با ۳۱۳ تن، به تعداد اصحاب بدر _ بدون وعده ی قبلی _ ظاهر می شود، که چون قطعات ابر پاییزی گرد آیند. آنها راهبان شب و شیران روز هستند.(۲)

۱۶. دیگر یاران

بر اساس روایات فراوان ۳۱۳ تن فرماندهان کشوری و لشکری حضرت مهدی علیه السلام هستند، ولی یاران حضرت به آنها منحصر نمی باشد، بلکه برای هر منطقه ای از اقطار و اکناف جهان یک لشکر متشکّل از ۱۰۰۰۰ نفر می فرستد، در رأس هر لشکری یک نفر از اصحاب خاصّ آن حضرت قرار دارد.

یاران حضرت مهدی علیه السلام به آنها نیز منحصر نمی باشد، بلکه یاران دیگری دارد که در احادیث به آنها اشاره شده است:

۳۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله یک گروه از یاران آن حضرت را از فرشته ها معرفی کرده می فرماید:

ص:۷۱

۱- [۱] . سلمی، عقد الدرّر، ص ۵۹ و ۱۳۱.

۲- [۲] . همان، ص ۱۴۶.

يُمِدُّهُ اللّه ُ بِثَلاثَهِ آلافٍ مِنَ الْمَلائِكَهِ؛

خداوند آن حضرت را با ۳۰۰۰ تن از فرشتگان یاری می رساند.(۱)

و در حدیث دیگری گروه دیگری را معرفی کرده می فرماید:

وَمَعَهُ اَصْحابُ الْكَهْفِ، أَعْوانٌ لَهُ؛

اصحاب کهف نیز به همراه آن حضرت و یاران او می باشند.(۲)

۱۶. فتوحات

در احادیث از فتوحات فراوان، که به لطف حق تعالی، به دست حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه و یاران با صفایش انجام می شود، سخن رفته، که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم:

۳۸) رسول اکرم صلی الله علیه و آله در واپسین لحظات عمر خود، برای تسلی قلب شریف حضرت فاطمه علیهاالسلام فرازهایی از عنایت خداوند منّان به خاندان عصمت و ظهارت سخن گفته، در پایان می فرماید:

فَيَبْعَثُ اللّه ُ عِنْدَ ذلِكَ مَنْ يَفْتَحُ حُصُونَ الضَّلالَهِ وَ قُلُوباً غُلْفاً.

در آن هنگام خداوند کسی را بر می انگیزاند که قلعه های ضلالت را می گشاید و دل های بسته شده را باز گشایی می کند.(۳)

گشودن قلعه های محکم و استوار، با بازوان پرتوان و اراده های آهنین امکان پذیر می باشد، ولی گشودن دل های بسته و مهر خورده، نیازمند منطق قوی، استدلال متین، موقعیت شناسی دقیق، و رعایت نکات بسیار ظریف و

۱- [۱] . مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۲۸۳.

۲- [۲] . سفارینی، لوائح الأنوار البهيّه، ج ۲، ص ۷۸.

۳- [۳] . محبّ الدّین طبری، ذخائر العقبی، ص ۱۳۶.

لطیف می باشد.

۳۹) در حدیث دیگری فرمود:

فَیسْتَخْرِجُ الْکُنُوزَ وَیفْتَحُ مَدائِنَ الشِّرْکِ؛

گنج ها را استخراج می کند و بلاد را فتح می نماید.(۱)

۴۰) آنگاه با بیان شفّاف تر فرمود:

یَرُدُّ اللّه ُبِهِ الدّینَ، وَیُفْتَحُ لَهُ فُتُوحٌ فَلایَبْقی عَلی وَجْهِ الاْرْضِ اِلاّ مَنْ یَقُولُ: لا اِلهَ اِلاَّ اللّه ؛

خداوند به دست آن حضرت شکوه و عظمت دین را بر می گرداند، فتوحاتی برایش نصیب می شود و در روی زمین تنها کسانی می مانند که می گویند: «لا اِلهَ اِلاَّ اللّه ».(۲)

این حدیث شریف صریح است در این که همه ی بلاد به دست با کفایت آن حضرت گشوده می شود، همه ی مشرکان موحّد می شوند و حتّی یک نفر غیر موحّد در روی زمین نمی ماند.

۴۱) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مورد گستره ی فرمانروایی حضرت مهدی علیه السلامفرمود:

مَلَکَ الاْرْضَ أَرْبَعَهٌ، مُؤمِنانِ وَ کافِرانِ.

فَالْمُؤمِنانِ: ذُوالْقَرْنَیْنِ وَ سُلَیْمانَ

وَالْکافِرانِ: نَمْرُودُ وَ بُخْتُ النَّصْرَ

وَ سَیَمْلِکُها خامِسٌ مِنْ أهْلِ بَیْتی؛

۱- [۱] . سلمی، عقد الدّرر، ص ۲۲۲.

۲- [۲] . همان.

تاکنون دو مؤمن و دو کافر بر همه ی جهان سیطره یافته اند:

اما آن دو مؤمن عبارتند از: ذوالقرنین و حضرت سلیمان.

و آن دو کافر عبارتند از نمرود و بخت النّصر.

به زودی فرد پنجمی از خاندان من نیز بر آن سیطره پیدا خواهد نمود.(۱)

۱۷. امدادهای غیبی

برای فتح بلاد و گشودن دل ها و نفوذ در اعماق اندیشه ها، تنها ادوات و ابزار جنگی کافی نیست، بلکه در بسیاری از موارد کاری از آنها بر نمی آید، برای این کار ابزار و ادوات دیگری لازم است که ما از آنها امدادهای غیبی تعبیر می کنیم، که به برخی از آنها اشاره می کنیم.

۴۱) شماری از امدادهای غیبی را امام باقر علیه السلام در حدیثی بر می شمارد:

الْمَهْدِیُّ مِنّا مَنْصُورٌ بِالرُّعْبِ، مُؤَیَّدٌ بِالظَّفَرِ، تُطْوی لَهُ الاْرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْکُنُوزُ، وَ یَبْلُغُ سُلْطانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ، وَ یُظْهِرُ اللّه ُ دینَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّه وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ.

مهدی ما به وسیله ی القای رعب او در دل ها نصرت یافته، با نویدهای پیروزی مؤیّد گشته، زمین زیر پایش درنوردیده می شود، گنج ها برایش ظاهر می گردد، دامنه ی حکومتش ظاهر می شود.(۲)

۴۲) امام صادق علیه السلام برخی دیگر از عوامل غیبی را این گونه بیان می کند:

یَظْهَرُ الْمَهْدِیُّ بِمَکَّهَ عِنْدَ الْعِشاءِ مَعَهُ رایَهُ رَسُولِ اللّه ِ صلی الله علیه و آله وَقَمیصُهُ وَ سَیْفُهُ

۱- [۱] . همان، ص ۱۹؛ سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج۲، ص ۷۶؛ ابن حجر، الفتاوی الحدیثیه، ص ۳۹.

۲- [۲] . ابن صبّاغ مالکی، الفصول المهمّه، ص ۳۰۲.

وَعَلاماتٌ وَ نُورٌ وَ بَيانٌ

مهدی علیه السلام شامگاهان در مکه ظاهر می شود، در حالی که پرچم، پیراهن و شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله را همراه دارد، او با نشانه ها، چهره ی نورانی و بیان گیرا مؤیّد است.(۱)

۴۳) در حدیث دیگر از مهم ترین عامل مؤثّر در موفّقیّت پرده برداشته می فرماید:

يُنادى مُنادٍ مِنَ السَّماءِ بِاسْمِ الْمَهْدِىّ، فَيَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ

منادی از آسمان به نام مهدی علیه السلام ندا می کند، هرکسی که در شرق و غرب باشد، آن را می شنود.

آن گاه ویژگی مهم این ندای آسمانی را چنین بیان می کند:

يَسْمَعُ أَهْلُ كُلِّ لُغَهٍ بِلُغاتِهِمْ؛

اهل هر زبانی آن را به زبان مادری خود می شنود.(۲)

۴۴) از دیگر تأییدات ربّانی حضرت مهدی علیه السلام نشانه هایی است که همراه خورشید ظاهر می شود. از طریق ابن عباس روایت شده است که گفت:

لا يَخْرُجُ الْمَهْدِىُّ حَتّى تَطْلُعَ مَعَ الشَّمْسِ آيَهٌ؛

مهدی علیه السلام خروج نمی کند، جز هنگامی که همراه خورشید نشانه ای ظاهر شود.(۳)

۱- [۱] . ابن حجر، الفتاوى الحديثيه، ص ۴۲.

۲- [۲] . برزنجی، الإشاعه لأشراط السّاعه، ص ۹۱.

۳- [۳] . عبد الرزّاق، المصنّف، ج ۱۰، ص ۳۱۷، ح ۲۰۹۴۰؛ سیوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۲.

۴۵) از عوامل موفقیّت حضـرت مهدی علیه السلام در هدایت اهل کتاب دسترسی ایشان به تورات واقعی و انجیل واقعی است، که در حدیث آمده است:

وَ يَسْتَخْرِجُ التَّوْرَاةَ وَالْاِنْجيلِ مِنْ أرضٍ يُقالُ لَها: أَنْطاكِيَه؛

تورات و انجیـل را از سـرزمینی به نـام انطاکیه بیرون می آورد.(۱) ۴۶) از دیگر عوامـل موفقیّت آن حضـرت در جـذب دل ها وجود فرشته ای بر فراز سر آن حضرت است، که رسول اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می فرماید:

يَخْرُجُ الْمَهْدِيُّ وَ عَلى رَأسِهِ مَلَكٌ يُنادِي :

«اِنَّ هذَا الْمَهْدِيُّ، فَاتَّبِعُوهُ»؛

حضرت مهدی خروج می کند، در حالی که بالای سرش فرشته ای فریاد می زند که:

«این مهدی است، از او پیروی کنید.»(۲)

۴۷) یکی دیگر از عوامـل پیروزی حضـرت، بروز عوامل جوّی بر خلاف آنچه از آغاز خلقت تا آن روز اتفاق افتاده است. امام باقر علیه السلام در این رابطه می فرماید:

إنَّ لَمَهْـدِيِّنا آيَتَيْنِ لَمْ يَكُونـا مُنْـذُ خَلَقَ السَّمـاواتِ وَ الْارْضَ، يَنْكَسِفُ الْقَمَرُ لِأَوَّلِ لَيْلَهٍ مِنْ رَمَضانَ وَ تَنْكَسِفُ الشَّمْسُ فِی النِّصْـفِ مِنْهُ.

برای مهدی ما دو تا نشانه است که از نخستین روزی که خداوند آسمان ها و زمین را آفریده، چنین چیزی رخ نداده است:

۱- [۱] . همان، ح ۲۰۹۳۷.

۲- [۲] . حموینی، فرائد السمطین، ج۲، ص ۳۱۶، ح ۵۶۹؛ سیوطی، همان، ص ۵۸؛ ابن حجر، القول المختصر، ص ۳۱.

۱. ماه در شب اول ماه رمضان می گیرد.

۲. خورشید در شب نیمه ی آن می گیرد.(۱)

در طول تاریخ بشری همواره ماه در اواسط ماه قمری و خورشید در اواخر آن گرفته است، هرگز خسوفی در اواسط ماه و کسوفی در اواخر ماه رخ نداده است، ولی در ماه رمضانی که مهدی موعود ظاهر می شود، ماه در شب اول و خورشید در شب نیمه ی آن گرفته می شود.

۱۸. خشنودی همگانی

از نخستین روزی که حضرت آدم ابوالبشر قدم در کُره خاکی نهاده، تا به امروز هزاران زمامدار صالح و غیر صالح به قدرت رسیده، در گوشه ای از این پهندشت گیتی به رتق و فتق امور پرداخته، ولی هرگز هیچ حکومتی بر سر کار نیامده که همگان از او راضی و خشنود باشند، برای اوّلین بار در تاریخ آفرینش حکومتی بر سریر قدرت خواهد نشست که همگان از او راضی و خشنود باشند و آن حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام است و اینک تعدادی از احادیث پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه:

۴۸) حضرت ختمی مرتبت در این رابطه می فرماید:

یَرْضی فی خِلافَتِهِ أَهْلُ الْاَرْضِ وَ أَهْلُ السَّماءِ، وَالطَّیْرُ فِی الْجَوِّ

در خلافت او اهل آسمان و اهل زمین، حتّی پرندگان هوا خشنود می شوند.(۲)

۴۹) در حدیث دیگر با توضیح بیشتر فرمود:

۱- [۱] . قرطبی، التّذکره، ج۲، ص۱۹.
۲- [۲] . سلمی، عقد الدّرر، ص ۳۴.

يَرْضى عَنْهُ ساكِنُ السَّماءِ وَ ساكِنُ الْأَرْضِ، وَ الطَّيْرُ فِی الْجَوِّ، وَ الْوَحْشُ فِی الْقَفْرِ وَ الحیتانُ فِی الْبَحْرِ؛

ساکنان آسمان، ساکنان زمین، پرندگان هوا، درندگان صحرا و ماهیان دریا از او خشنود می شوند.(۱)

۵۰) در حدیث دیگر با اشاره به برخی از عوامل خشنودی همگانی می فرماید:

يَرْضى عَنْهُ ساكِنُ السَّماءِ وَ ساكِنُ الْارْضِ، لاتَدَعُ السَّماءُ مِنْ قَطْرِها شَيْئاً إِلاّ صَبَّتْهُ مِدْراراً، وَ لا تَدَعُ الْأَرْضُ مِنْ مائِها شَيْئاً إِلاّ أَخْرَجَتْهُ حَتّی تَتَمَنَّی الْاحْياءُ الْامْواتَ؛

ساکنان آسمان و ساکنان زمین از او خشنود می شوند، آسمان چیزی از بارانش را نگه نمی دارد، سیل آسا آن را فرو می ریزد، زمین چیزی از آبش را نگه نمی دارد، آن را بیرون می فرستد. تا جایی که زنده ها مردگان خود را آرزو می کنند.(۲)

چکیده

در این درس تبیین شده که یاران حضرت ولی عصر ارواحنا فداه ده ها هزار نفر می باشند، تعداد ۳۱۳ نفر فرماندهان لشکری و کشوری آن حضرت می باشند. آنگاه جایگاه رفیع آنها بیان شده، عوامل پیروزی حضرت، امدادهای غیبی، نقش بانگ آسمانی، نزول فرشتگان، نزول برکات آسمانی، بروز گنج های

۱- [۱] . برزنجی، الإشاعه لأشراط الساعه، ص ۸۹؛ سفارینی، لوائح الأنوار البهيّه، ج۲ ص ۷۸.
۲- [۲] . عبدالرزاق، المصنّف، ج ۱۰، ص ۳۱۶، ح ۲۰۹۳۵؛ مستدرک الصّحیحین، ج ۴، ص ۴۶۴؛ سلمی، عقد الدّرر، ص ۴۳ و ۶۰؛ خطیب تبریزی، مشکات المصابیح، ج ۳، ص ۱۸۴، ح ۵۴۵۷.

زیرزمینی، همراه داشتن ودایع نبوّت، پدید آمدن آثار جوّی، خشنودی ساکنان زمین و آسمان، خرسندی پرندگان هوا و ماهیان دریا، به استناد احادیث اهل سنت از منابع معتبر تقدیم گشته است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. الاشاعه لاشراط السّاعه، تألیف: محمد بن عبد الرّسول حسینی شهرزوری برزنجی، متوفای ۱۰۱۳.

۲. فرائد فوائد الفکر فی الامام المهدیّ المنتظر، تألیف: مرعی بن یوسف کرمی حنبلی، متوفای ۱۰۳۳ ق.

۳. ینابیع المودّه، تألیف: سلیمان بن محمد قندوزی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ ق.

ص:۷۹

درس هشتم: سیره ی حکومتی حضرت مهدی علیه السلام از منظر احادیث اهل سنّت

اشاره

گفت و گو از سیره ی حمیده ی آن الگوی جهان و اسوه ی خلقت، به نگارش چندین مجلّد مستقل نیاز دارد، ولی به جهت محدود بودن صفحات کتاب، فقط به چند نکته در این رابطه بسنده می کنیم:

۱۹. سیره ی حمیده ی حضرت مهدی علیه السلام

۵۱) حضرت امّ سلمه پیرامون شیوه ی حکومتی حضرت مهدی علیه السلام و سیمای عصر ظهور در پرتو سیره ی حمیده ی آن امام نور، از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت می کند که فرمود:

یَعْمَلُ فِی النّاسِ بِسُنَّهِ نَبِیِّهِمْ، وَ یُلْقِی الإِسْلامُ بِجِرانِهِ فِی الْأَرْضِ؛

در میان مردم با سنّت و سیرت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله رفتار می کند و همه ی احکام اسلام در زمان او پیاده می شود.(۱)

۵۲) در حدیث دیگری فرمود:

ص:۸۰

۱- [۱] . ملا علی قاری، مرقات المفاتیح، ج ۵، ص ۱۸۲؛ مختصر سنن ابی داود، ص ۱۶۱، ح ۴۱۱۷.

وَ يُظْهِرُ مِنَ الْعَدْلِ ما يَتَمَنّی لَهُ الْأَحْیاءُ أَمْواتَهُمْ؛

آن مقدار از عدالت خود را ظاهر می کند که زنده ها آرزو می کنند که ای کاش مرده هایشان زنده بودند.(۱)

۵۳) پیامبر اکرم وضع روحی مردمان را در عصر ظهور این گونه ترسیم می کند:

یَذْهَبُ الْبَغْضاءُ وَ الشَّحْناءُ وَ التَّحاسُدُ؛

بغض، حسد و کینه از میان مردم رخت بر می بندد.(۲)

۵۴) امام باقر علیه السلام آبادانی جهان را چنین ترسیم می کنند:

فَلا یَبْقی فِی الْأَرْضِ خَرابٌ اِلّا عَمَّرَهُ؛

بر فراز کره ی خاکی، هیچ ویرانه ای نمی ماند، جز این که آباد سازد.(۳)

۵۵) و در یک تعبیر جامع فرمود:

اِنَّ الْمَهْدِیَّ إذا کانَ، زیدَ الْمُحْسِنُ فی اِحْسانِه، وَ تیبَ عَلَیَ الْمُسیء ِ مِنْ إسائَتِه وَ هُوَ یَبْذُلُ الْمالَ وَ یَشْتَدُّ عَلَی الْعُمّالِ وَ یَرْحَمُ الْمَساکینَ

چون عصر مهدی فرا رسد، بر نیکی اشخاص نیکوکار افزوده می شود، افراد تبهکار از گناه خود توبه داده می شوند.

او ثروت را بی محابا می بخشد، بر کارگزاران سخت می گیرد، بر بینوایان ترحّم می کند.(۴)

۱- [۱] . سیوطی، الحاوی، ج ۲ ص ۵۸.

۲- [۲] . ابن الوردی، خریده العجائب، ص ۲۰۱.

۳- [۳] . ابن صبّاغ مالکی، الفصول المهمّه، ص ۳۰۲.

۴- [۴] . ابن ابی شیبه، المصنف، ج ۸، ص ۶۷۹، ح ۱۹۸.

۲۰. مظهر جود خدا

همه ی پیشوایـان معصوم علیهم السـلام مظهر جود خـدا بوده، همواره دیگران را بر خود ایثار می کردنـد و بهترین ها را در راه خـدا انفاق می نمودنـد، ولی در مورد جود و بخشـش آخرین انـدوخته ی پروردگار، تعبیرهای جالبی در احادیث آمده، که به چند نمونه از آنها اشاره می کنیم:

۵۶) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست بخشنده و سیره ی فیض آثار فرزند دلبندش را این گونه به تصویر می کشد:

یُفیضُ الْمالَ فَیْضاً؛

ثروت رات سیل آسا فرو می ریزد.(۱)

۵۷) در مورد کیفیت تقسیم ثروت فرمود:

یَقْسِمُ الْمالَ صِحاحاً؛

ثروت را «صحاحا» تقسیم می کند

پرسیدند: «صحاحاً» یعنی چه؟ فرمود: یعنی: به طور مساوی.(۲)

۵۸) امام باقر علیه السلام در این رابطه فرمود:

إِذا قامَ مَهْدیُّنا أَهْلَ الْبَیْتِ، قَسَمَ بِالسَّوِیَّهِ وَ عَدَلَ فِی الرَّعِیَّهِ

هنگامی که مهدی ما اهلبیت قیام کند، ثروت را به طور مساوی تقسیم می کند و عدالت را میان رعیّت اجرا می نماید.(۳)

۵۹) حضرت خاتم الأنبیا در مورد بذل و بخشش خاتم الأوصیاء فرمود:

۱- [۱] . سلمی، عقد الدّرر، ص ۱۶ و ۳۴.
۲- [۲] . سیوطی، الحاوی، ج۲، ص ۵۵.
۳- [۳] . مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۲۵۲.

يَكُونُ فی آخِرِ اُمَّتی خَليفَةٌ يُحْثِى الْمالَ حَثْياً وَ لا يَعُدُّهُ عَدّاً

در آخر امّت من خليفه ای خواهد بود كه مال را مشت مشت بريزد، بدون اين كه آن را بشمارد.(۱)

در برخی از منابع حديثی، در اين حديث به جای «آخر امّتی» تعبير: «آخر الزّمان» آمده است.(۲)

۶۰) در بيان ديگری فرمود:

يَكُونُ فی آخِرِ الزَّمانِ خَليفَةً يُعْطِى الْمالَ، وَ لا يَعُدُّهُ عَدّاً

در آخر الزمان خليفه ای خواهد بود كه ثروت را _ بدون اين كه آن را بشمارد _ عطا می كند.(۳)

۶۱) در حديث ديگری در مورد گوارا بودن عطايای آن حضرت فرمود:

يَكُونُ عِنْدَ انْقِطاعِ الزَّمانِ وَ ظُهُورٍ مِنَ الْفِتَنِ رَجَلٌ يُقالُ لَهُ: «الْمَهْدِيّ» يَكُونُ عَطاؤُهُ هَنيئاً.

در آن روزگار ناسازگار و در آن دوران بروز فتنه ها، مردی خواهد بود كه به آن «مهدی» گويند، دهش ها و بخشش هايش گوارا خواهد بود.(۴)

۶۲) رسول عالميان دهش های آن مظهر جود خدا را اين گونه ترسيم می كند:

چون كسی از آن حضرت تقاضای كمک كند،به مقداری كه توان بردنش را

۱- [۱] . بغوی، مصابيح السّنه ص ۱۹۲؛ متّقی هندی، كنز العمال، ج ۱۴، ص ۲۶۳، ح ۳۸۶۵۹؛ ابن حجر، القول المختصر، ص ۳۲.

۲- [۲] . سيوطی، الحاوی، ج۲، ص ۶۰.

۳- [۳] . احمد حنبل، المسند، ج۴. ص ۱۱، ح ۱۱۰۱۲؛ ابن صباغ مالكی، الفصول المهمّه، ص ۲۹۷.

۴- [۴] . سيوطی، الحاوی للفتاوی، ج ۲، ص ۶۰.

دارد، پول در اختیارش می گذارد.(۱)

۶۳) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث دیگری به این نکته نیز اشاره می کنند که به هنگام ظهور آخرین امام نور علاوه بر غنای مادّی، مردم از نظر معنوی نیز غنی می شوند، حرص و آز از دل مردم رخت بر می بندد.

یَرْضی عَنْهُ ساکِنُ السَّماءِ وَ ساکِنُ الاْرْضِ، یَقْسِمُ الْمالَ صِحاحاً وَ یَمْلَأُ اللّه ُقُلُوبَ اُمَّهِ مُحَمَّدٍ غِنیً وَ یَسَعُهُمْ عَدْلُهُ

ساکنان آسمان و ساکنان زمین از او خشنود می شوند، ثروت را به طور مساوی تقسیم می کند، خداوند دل های امّت محمد صلی الله علیه و آله را از روح بی نیازی و بزرگواری آکنده می سازد و عدالتش همگان را فرا می گیرد.(۲)

۲۱. منبع برکات

هیچ نقّاش چیره دستی قادر به تصویر سیمای جهان در دوران ظهور حضرت صاحب الزّمان (عج) نمی باشد، ولی شماری از احادیث مربوط به برکات وجودی آن حضرت را از باب تیمّن و تبرّک در اینجا می آوریم:

۶۴) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در این رابطه می فرماید:

یُنْزِلُ لَهُ اللّه ُالْبَرَکَهَ مِنَ السَّماءِ، وَ تُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ بَرَکاتِها؛

خداوند برکات آسمان را برای او فرو می فرستد، زمین نیز برکاتش را برای او ظاهر می سازد.(۳)

ص:۸۴

۱- [۱] . خطیب تبریزی، مشکات المصابیح، ج۳، ب ۲۷، ح ۵۴۵۵.
۲- [۲] . احمد حنبل، المسند، ج۴، ص ۷۵، ح ۱۱۳۲۶؛ حموینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۱۰، ح ۵۶۱؛ ابن صبّاغ مالکی، الفصول المهمّه، ص ۲۹۷؛ ابن حجر، القول المختصر، ص ۲۹؛ متقی هندی، کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۶۲، ح ۳۸۶۵۳؛ سیوطی، الحاوی، ج۲، ص ۵۵.
۳- [۳] . سلمی، عقد الدّرر، ص ۱۵۶.

۶۵) در همین رابطه در حدیث آمده است که:

وَ تَزِیدُ الْمِیاهُ، وَتَمْتَدُّ الْأَنْهارُ، وَتُضْعِفُ الْأَرْضُ اُکُلَها؛

آب ها فراوان می شود، رودخانه ها گسترش می یابد و زمین میوه هایش را چندین برابر می کند.(۱)

۶۶) و در حدیث دیگری فرمود:

یَسْقِیهِ اللّه ُالْغَیْثَ وَ تُخْرِجُ الاَرْضُ نَباتِها، وَ یُعْطِی الْمالَ صِحاحاً وَ تَکْثُرُ الْماشِیَهُ وَ تَعْظُمُ الْاُمَّهُ

خداوند او را با باران رحمتش سیراب می کند، زمین گیاهش را بیرون می فرستد، او ثروت را به طور مساوی بخشش می کند، دام ها فراوان شوند و امّت شکوهمند گردد.(۲)

۶۷) و در حدیث دیگر فرمود:

تَتَنَعَّمُ اُمَّتی فی زَمانِهِ نَعیماً لَمْ یَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ، اَلْبَرُ وَ الْفاجِرُ یُرْسِلُ السَّماءَ عَلَیْهِمْ مِدْراراً وَ لا تَدَّخِرُ الاَرْضُ شَیْئاً مِنْ نَباتِها

امّیت من در زمان او آن چنان در ناز و نعمت غوطه ور می شوند که هرگز چنین رفاه و گشایشی نبوده است. هر شخص نیکوکار و تبهکار از این نعمت ها برخوردار می شوند.

آسمان بارانش را سیل آسا برای آنها فرو می ریزد و زمین چیزی از گیاهش را

ص:۸۵

۱- [۱] . سفارینی، لوائح الأنوار البهیّه، ج۲، ص ۷۸؛ سیوطی، الحاوی، ج۲، ص ۷۸؛ ابن حجر، القول المختصر، ص ۴۱.

۲- [۲] . متّقی هندی، کنزالعمّال، ج ۱۴، ص ۲۷۳، ح ۳۸۷۰۰؛ ذهبی، تلخیص المستدرک، ج ۴، ص ۵۵۸.

ذخیره نمی کند.(۱)

۶۸) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بیش از دو قرن و نیم پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام در مورد آثار و برکات شب میلاد آن حضرت فرمود:

لَیْلَهُ النِّصْفِ مِنَ شَعْبانَ، یَغْفِرُ اللّه ُلِعِبادِهِ، اِلاَّ لِمُشْرِكٍ أَوْ لِعَبْدٍ مُشاحِنٍ؛

در شب نیمه ی شعبان، خداوند منّان همه ی بندگانش را می آمرزد به جز افراد مشرک و بدعتگزار.(۲)

۶۹) رئیس مذهب، حضرت امام صادق علیه السلام به نوعی دیگر از برکات وجودی آن حضرت پرده برداشته و می فرماید:

تَطُولُ لَهُ الْأَیّامُ وَاللَّیالی حَتّی تَکُونَ السَّنَهُ مِنْ سِنینِه بِمِقْدارِ عَشْرِ سِنَینَ؛

شب ها و روزها در عهد او طولانی می شود، تا جایی که یک سال از سال های زمان او به مقدار ۱۰ سال می شود.(۳)

۲۲. خوشبخت ترین

با توجه به این همه برکات که در عصر موفور السرور آن امام نور رخ می دهد، هر انسان معتقد آرزو می کند که ای کاش یک گوشه ی چشمی از یوسف زهرا به او معطوف شود، آنگاه آرزو می کند که آن عصر مشعشع طلایی را درک کند، برای رسیدن به این سعادت در تهذیب نفس و خودسازی خود تلاش می کند.

ص:۸۶

۱- [۱] . حموینی، فرائد السمطین، ج۲، ص ۳۱۵، ح ۵۶۶؛ ابن کثیر، النّهایه، ج۱، ص ۳۰؛ ابن صبّاغ مالکی، الفصول المهمّه، ص ۲۹۸؛ متقی هندی، کنزالعمال، ج ۱۴، ص ۲۷۳، ح ۳۸۷۰۶.

۲- [۲] . خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۴، ص ۲۸۵.

۳- [۳] . قَرَمانی، اخبارُ الدُّوَل و آثارُ الأُول، ص ۱۱۸.

در احادیث فراوان به این نکته اشاره شده، از جمله حدیث زیر

۷۰) امام باقر علیه السلام فرمود:

فَیا طُوبی لِمَنْ أَدْرَکَهُ وَ کانَ مِنْ أَنْصارِه؛

خوشا به حال کسی که آن حضرت را درک کند و در زمره یاران حضرتش قرار بگیرد.(۱)

۷۱) در حدیث دیگری خطاب به اهل کوفه آمده است:

یا أَهْلَ الْکُوفَهِ، أَنْتُمْ أَسْعَدُ النّاسِ بِالْمَهْدِیِّ؛

ای اهل کوفه! شما به برکت حضرت مهدی خوشبخت ترین انسان ها می باشید.(۲)

آری! پس از انتخاب کوفه به عنوان پایتخت حکومت جهانی حضرت مهدی علیه السلام، اهل کوفه این سعادت را دارند که همه ی نمازهای یومیه ی خود را پشت سر آن حضرت اقامه کنند و همه خطبه های حیات بخش آن امام همام را با گوش جان استماع نمایند.

نیک بختانی که سعادت درک عصر آکنده از شادکامی ها را پیدا کنند، طبعا آرزو می کنند که ای کاش پدران، نیاکان و دیگر عزیزانشان زنده بودند و آن روزها مبارک و میمون را درک می کردند.

در احادیث فراوان به این نکته اشاره شده، از جمله حدیث زیر:

۷۲) پیامبر رحمت فرمود:

۱- [۱] . سلمی، عقد الدّرر، ص ۶۴.

۲- [۲] . ابن ابی شیبه، المصنَّف، ج ۸، ص ۶۷۸، ح ۱۸۹.

تَتَمَنّی الْاَحْیاءُ الْاَمْواتَ مِمّا صَنَعَ اللّه ُعَزَّوَجَلَّ بِأَهْلِ الْاَرْضِ مِنْ خَیْرٍ؛

در اثر آن همه خیر که خداوند متعال به اهل زمین عنایت می کند، زنده ها مردگان خود را آرزو می کنند.(۱)

۲۳. معیار شناخت

۷۳) از سالار شهیدان پرسیدند: حضرت مهدی علیه السلام را چگونه می توان شناسایی کرد؟ فرمود:

بِالسَّکینَهِ وَالْوَقارِ؛

با متانت و وقار

پرسیدند: دیگر با چه نشانی؟ فرمود:

بِمَعْرِفَهِ الْحَلالِ وَ الْحَرامِ، وَ بِحاجَهِ النّاسِ إِلَیْهِ وَ لایَحْتاجُ إِلیَ أحَدٍ.

با شناخت وآگاهی کامل آن حضرت به احکام حلال و حرام و نیاز همگان به ایشان و بی نیازی ایشان از همگان.(۲)

۲۴. از تبار سالار شهیدان

در احادیث فراوان تصریح شده که حضرت مهدی علیه السلام از تبار امام حسین علیه السلام و نهمین فرزند آن حضرت می باشد، از جمله حدیث زیر:

۷۴) جناب سلمان می فرماید:

به محضر مقدس پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله شرفیاب شدم، دیدم که امام حسین علیه السلام را

۱- [۱] . حاکم، مستدرک الصّحیحین، ج۴، ص ۴۶۵؛ سلمی، عقد الدّرر، ص ۴۴؛ مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۲۸۵، ملّا علی قاری، مرقات المفاتیح، ج ۵، ص ۱۸۴؛ عدوی حمزاوی، مشارق الأنوار، ص ۱۱۲.

۲- [۲] . سلمی، عقد الدّرر، ص ۴۱؛ مقدسی، فرائد فوائد الفکر، ص ۲۵۰.

روی زانوی مبارکش نهاده، دهانش را بوسه باران کرده، بر میان دو دیده نور دیده اش بوسه می زند و می فرماید:

أَنْتَ سَيِّد، إِبْنُ سيِّدٍ وَ أنْتَ الْإمامُ، إِبْنُ الْإِمامِ، وَ أَنْتَ حُجَّةٌ، إِبْنُ حُجَّهٍ، وأنْتَ أبُوحُجَجٍ تِسْعَه، تاسِعُهُمْ قائِمُهُمْ؛

تو آقا، پسر آقا، امام، پسر امام، حجّت، پسر حجّت و پدر نُه حجّت هستی که نهمین آن ها قائم آن ها می باشد.(۱)

۲۵. وظیفه ی ما

پس از اشاره ای کوتاه به آثار و برکات وجودی حضرت ولیّ عصر، امام زمان علیه السلام به یکی از وظایف خود در عصر غیبت اشاره می کنیم:

۷۵) رسول اکرم صلی الله علیه و آله مهم ترین وظیفه ی ما را در عصر غیبت انتظار فرج بیان کرده، می فرماید:

أَفْضَلُ الْعِبادَهِ إِنْتِظارُ الْفَرَجِ؛

برترین عبادت ها انتظار فرج می باشد.(۲)

۷۶) در حدیث دیگر به سختی آن اشاره کرده، می فرماید:

إِنْتِظارُ الْفَرَجِ بِالصَّبْرِ عِبادَهٌ؛

انتظار فرج، اگر همراه با شکیبایی باشد، عبادت است.(۳)

در کتاب درسنامه مهدویت که سال گذشته توسط «ستاد مردمی شعبانیّه»

۱- [۱] . قندوزی، ینابیع الموده، ج ۲، ص ۳۱۶، ح ۹۰۹.

۲- [۲] . حموینی، فرائد السمطین، ج ۲، ص ۳۳۵؛ ترمذی، الجامع الصّحیح، ج ۵، ص ۵۶۵، ح ۳۵۷۱.

۳- [۳] . متقی هندی، کنزالعمال، ج ۳، ص ۲۷۲، ح ۶۵۰۷.

منتشر شد، به تفصیل در این زمینه سخن گفتیم.(۱) به کتاب های ذکر شده در آخر درس نیز مراجعه شود:

چکیده

در این درس از آبادانی جهان در عصر ظهور، بذل و بخشش بی حساب حضرت مهدی، اجرای عدالت، اصلاح تبهکاران، بی نیازی همگان، وفور نعمت، فراوانی دام ها، گسترش رودخانه ها، نزول بارش های رحمت، تقسیم مساوی ثروت، از بین رفتن کینه و حسد، اجرای کامل عدالت، انتخاب کوفه به عنوان پایتخت دولت کریمه، تجلّی برکت در ساعات شبانه روز، آسایش و آرامش و امنیّت، تاجایی که مردمان مردگان خود را آرزو کنند. فضیلت انتظار فرج، نوید جایگاه شب نیمه ی شعبان در احادیث اهل سنّت ودیگر آثار حکومت حقّه و سیره ی حکومتی آن حضرت، سخن رفته است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. تکالیف الانام، تألیف: صدر الاسلام علی اکبر همدانی، متوفای ۱۳۲۵ ق.

۲. تنها ره رهایی، تألیف: علی اکبر مهدی پور، ـ معاصر ـ

۳. کنز الغنائم فی فوائد الدعاء للقائم علیه السلام، تألیف: سید محمد تقی موسوی اصفهانی، متوفای ۱۳۴۸ ق.

۴. مکیال المکارم، تألیف ایشان.

۵. وظیفه الانام فی زمن غیبه الامام، تألیف ایشان.(۲)

ص:۹۰

۱- [۱] . ستاد مردمی شعبانیه، درسنامه مهدویت، ص ۱۳۹ ـ ۱۵۸.

۲- [۲] . برای کتابشناسی توصیفی آثار فوق مراجعه فرمایید به: کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام ، ص ۲۴۸، ۶۰۶، ۶۶۹، ۷۸۹.

درس نهم: سیره حکومتی حضرت مهدی علیه السلام در احادیث اهل بیت علیهم السلام

اشاره

در درس های گذشته احادیث مربوط به سیره ی حمیده ی حضرت ولیّ عصر ارواحنا فداه در منابع اهل تسنّن تقدیم گردید، در این درس سیره ی حمیده ی آن حضرت را از منابع شیعه تقدیم می کنیم:

۱. شمیم رحمت

همه ی امامان، مظهر رحمت خداوند منّان هستند، ولی حضرت مهدی علیه السلام رحمت واسعه ی پروردگار است و در احادیث فراوان جلوه هایی از مراتب رحمت و شفقت آن شمیم رحمت ترسیم شده، که به شماری از آنها اشاره می کنیم:

۱) در حدیث قدسی مشهور به: «لوح فاطمی» که از سوی حضرت پروردگار به محضر پیامبر رحمت اعطا شده و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آن را به تنها یادگار خود حضرت فاطمه علیهاالسلام اهدا فرموده است، اسامی دوازده امام نور و ویژگی های آن ها آمده، پس از نام مقدّس امام حسن عسکری علیه السلام آمده است:

ثُمَّ أُكْمِلُ ذَلِكَ بِابْنِهِ رَحْمَةٌ لِلْعَالَمِينَ

عَلَیْهِ کَمَالُ مُوسَی وَ بَهَاءُ عِیسَی وَ صَبْرُ أَیُّوبَ

سپس آن سلسله امامت را با فرزندش (فرزند امام حسن عسکری) تکمیل می کنم، که رحمت است برای جهانیان، کمالات حضرت موسی، شکوه و جلالت حضرت عیسی، صبر و شکیبایی حضرت ایّوب با اوست.(۱)

۲) در فرازی از زیارت «آل یاسین» که از ناحیه ی مقدّسه صادر شده، خطاب به آن حضرت آمده است:

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ أَیُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ الْمَصْبُوبُ وَ الْغَوْثُ وَ الرَّحْمَهُ الْوَاسِعَهُ

درود بر شما ای پرچم برافراشته، ای دانش در حال ریزش، هان ای پناهگاه و رحمت گسترده!(۲)

۳) امیر بیان، پیشوای پروا پیشگان، در فرازی از یک حدیث گسترده، در وصف آن خورشید تابان می فرماید:

أَوْسَعُکُمْ کَهْفاً وَ أَکْثَرُکُمْ عِلْماً وَ أَوْصَلُکُمْ رَحِماً

از نظر پناه دهی از همه وسیع تر، از نظر دانش از همه بیشتر و از نظر دل رحم بودن از همه افزون تر.(۳)

۴) حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه، در سخنان خود در مکّه ی معظّمه به هنگام ظهور، از رحمت گسترده خداوند سخن می گوید، سپس می فرماید:

وَ أَنَا تِلْکَ الرَّحْمَهُ

۱- [۱] . شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۱۲.

۲- [۲] . طبرسی، الإحتجاج، ج۲، ص ۴۹۳.

۳- [۳] . شیخ حرّ عاملی، إثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۳۸.

آن رحمت گسترده اله‌ی من هستم.(۱)

۵) در فرازی از پیام آن امام مهربانی ها که توسط نفس زکیه، در مسجد الحرام در میان رکن و مقام قرائت می شود، چنین اعلام می شود: ای اهل مکّه، من فرستاده فلانی هستم، او می فرماید:

إِنَّا أَهْلُ بَیْتِ الرَّحْمَهِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَهِ وَ الْخِلَافَهِ

ما اهل بیت رحمت، معدن رسالت و کان خلافت هستیم.(۲)

۶) امام جواد علیه السلام در مورد محبت و شفقت آن امام همام، خطاب به جناب عبدالعظیم می فرماید:

یُلْقی فِی قَلْبِهِ الرَّحْمَهَ

از سوی پروردگار، رحمت بر قلب شریفش القا می شود.(۳)

در این احادیث که فرازهایی از آن ها تقدیم گردید، از آن حضرت به عنوان: رحمت برای جهانیان، رحمت گسترده پروردگار، دل رحم، مظهر رحمت خداوند، از سلاله ی اهل بیت رحمت و محل ریزش رحمت پروردگار تعبیر شده است.

۲. بخشنامه ی جنگی

۷) در فرازی از بخشنامه ای که در صحنه ی نبرد با سپاه سفیانی از آن حضرت صادر می شود، خطاب به سپاهیان خود می فرماید:

أَلا لا تُتْبِعُوا مُدْبِراً وَ لَا تُجْهِزُوا عَلَی جَرِیحٍ

ص:۹۳

۱- [۱] . علامه مجلسی،، بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۱۱.

۲- [۲] . همان، ج ۵۲، ص ۳۰۷.

۳- [۳] . شیخ صدوق، کمال الدّین، ج ۲، ص ۳۷۸.

آگاه باشید، هرگز فراری را دنبال نکنید و افراد زخمی را نکشید.

سپس فرمان می دهد که با آن ها همانند شیوه امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ جمل رفتار کنند.(۱)

شیوه ی امیرمؤمنان علیه السلام در جنگ ها با خطوط زرّین بر تارک تاریخ بشری نوشته شده و بر همگان روشن است.

ابن ابی الحدید می نویسد:

هنگامی که صف ها بسته می شد، امیرالمؤمنین علیه السلام خطبه ای ایراد می کرد و در ضمن آن می فرمود:

شما هرگز اقدام به جنگ نکنید...

هرگز زخمی ها را نکشید.

اگر دشمن را شکست دادید، هرگز فراری ها را دنبال نکنید.(۲)

مولای متقیان در جنگ صفین به سپاهیان خود فرمود:

شما آغازگر جنگ نباشید.

اگر خدا خواست که پیروز شوید، فراری ها را دنبال نکنید.

به افراد بی دفاع متعرّض نشوید.

زخمی ها را نکشید.

به هیچ زنی آسیب نرسانید، اگرچه به شما دشنام دهند یا به امیر شما ناسزا گویند.(۳)

۱- [۱] . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۹.
۲- [۲] . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج۶، ص ۲۲۸.
۳- [۳] . سید رضی، نهج البلاغه، بخش نامه ها، نامه ی ۱۴.

۳. سیره حمیده حضرت مهدی علیه السلام

در روایات فراوان تأکید شده که سیره ی حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه، همان سیره ی پیامبر رحمت می باشد، اینک فرازهایی از روایات در این باب:

۸) محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام پرسید: هنگامی که قائم علیه السلام قیام می کند، با چه شیوه ای رفتار می کند؟ فرمود:

بِسِيرَهِ مَا سَارَ بِهِ رَسُولُ اللّه ِ

با همان سیره و روشی که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله رفتار نمود.

پرسید: سیره پیامبر چگونه بود؟ فرمود:

أَبْطَلَ مَا كَانَ فِى الْجَاهِلِيَّهِ وَ اسْتَقْبَلَ النَّاسَ بِالْعَدْلِ

بر آن چه در عهد جاهلی بود، مهر بطلان زد و با مردمان بر اساس عدالت رفتار نمود.(۱)

۹) عبداللّه بن عطا نیز همین پرسش را از محضر امام صادق علیه السلامنمود، حضرت در پاسخ فرمود:

يَصْنَعُ كَمَا صَنَعَ رَسُولُ اللّه ِ.

همان گونه انجام می دهد که رسول خدا انجام می داد.(۲)

۱۰) در حدیث دیگری شباهت های حضرت مهدی علیه السلام را با پیامبران عظیم الشأن می شمارد، در پایان می فرماید:

۱- [۱] . شیخ طوسی، تهذیب الاحکام. ج ۶، ص ۱۵۴.

۲- [۲] . نعمانی، الغیبه، ص ۲۳۱.

وَ أَمَّا سُنَّتُهُ مِنْ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله فَيَهْتَدِى بِهُدَاهُ وَ يَسِيرُ بِسِيرَتِهِ.

اما شیوه ای از حضرت محمد صلی الله علیه و آله دارد، این است که از شیوه ی هدایت آن حضرت هدایت یافته و با سیره ی آن حضرت رفتار می کند(۱).

۱۱) و در حدیث دیگری فرمود: هنگامی که خداوند به قائم علیه السلام اذن خروج دهد، بر فراز منبر قرار گرفته، آن ها را به خدا سوگند می دهد و به سوی خود فرا می خواند و می فرماید:

أَنْ يَسِيرَ فِيهِمْ بِسِيرَهِ رَسُولِ اللّه ِصلی الله علیه و آله وَ يَعْمَلَ فِيهِمْ بِعِلْمِهِ

_ متعهد می شود که _ در میان آنهابا سیره پیامبر صلی الله علیه و آله رفتار کند و چون شیوه آن حضرت عمل نماید.(۲)

۱۲) حضرت خاتم الانبیاء صلی الله علیه و آله در مورد حضرت خاتم الاوصیاء فرمود:

الْقَائِمُ مِنْ وُلْدِى اسْمُهُ اسْمِى وَ كُنْيَتُهُ كُنْيَتِى وَ شَمَائِلُهُ شَمَائِلِى وَ سُنَّتُهُ سُنَّتِى

قائم علیه السلام از فرزندان من است، نامش نام من، کنیه اش کنیه ی من، شمایلش شمایل من و سیره اش همان سیره من است.(۳)

۱۳) امام باقر علیه السلام در ضمن یک حدیث طولانی، متن خطبه ای را که امام مهربانی ها در هنگامه ی ظهور در کنار خانه ی خدا ایراد خواهد نمود، نقل کرده، در فرازی از آن می فرماید:

۱- [۱] . شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۵۱.

۲- [۲] . شیخ مفید، الإرشاد، ج۲، ص ۳۵۱.

۳- [۳] . شیخ صدوق، همان، ص ۴۱۱.

أَلَا وَ مَنْ حَاجَّنِی فِی سُنَّهِ رَسُولِ اللّه ِ فَأَنَا أَوْلَی النَّاسِ بِسُنَّهِ رَسُولِ اللّه ِ

هر کس با سنت پیامبر خدا با من محاجّه کند، من برای اجرای سنّت رسول خدا از هر شخص دیگری شایسته تر هستم.(۱)

همین مضمون در ده ها حدیث دیگر با تعبیرهای مختلف به صراحت آمده است.(۲)

سیره پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در جنگ و صلح، با دوست و دشمن، برای همگان روشن است و به نصّ قرآن برای همگان اُسوه و الگو می باشد.(۳)

حضرت مهدی علیه السلام به بیان خودش، برای تأسّی و تبعیّت از پیامبر اکرم، از همه شایسته تر است.

بر اساس تعبیرهای صریح و شفّاف احادیث فراوان، که شماری از آن ها تقدیم گردید، سیره و شیوه حضرت مهدی علیه السلام، همان سیره رسول عالمیان می باشد.

۴. قلّه ی شرافت

در مورد جایگاه رفیع و مقام منیع حضرت مهدی علیه السلام روایات فراوان از پیشوایان معصوم علیهم السلام رسیده است که به شماری از آن ها اشاره می کنیم:

۱۴) امیر بیان، پیشوای پرواپیشگان، شرح گسترده ای پیرامون مقام والای

ص:۹۷

۱- [۱] . نعمانی، الغیبه، ص ۲۸۰.

۲- [۲] . کلینی، الکافی، ج ۶، ص ۴۴۴؛ حزّاز، کفایه الأثر. ص ۱۱؛ سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ی ۱۳۸؛ راوندی، الدّعوات، ص ۲۹۶؛ اربلی، کشف الغمّه، ج ۳ ص ۵۲۱؛ شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداه، ج ۳ ص ۴۶۰؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۳ و ۱۶۱.

۳- [۳] . سوره ی احزاب، آیه ی ۲۱.

فرزند برومندش امام زمان علیه السلام ایراد فرموده که ترجمه ی فرازهایی از آن را تقدیم می کنیم:

او از بنی هاشم، از برترین نژاد عرب، از قلّه ی شرف، از اقیانوس بی کران فضیلت، که همه ی نهرهای فضیلت ها به سوی آن سرازیر می شود، پناه همه ی پناهجویان، کان صفا، هنگامی که همه بی صفا می شوند.

چون مرگ چنگ و دندان نشان دهد، او هراسی به دل راه ندهد.

هنگامی که عرصه ی نبرد، تنگ تر شود، ضعف و زبونی بر او عارض نشود.

هنگامی که پهلوان ها نقش بر زمین شوند، او عقب نشینی نمی کند.

همواره آماده نبرد، همیشه پیروز، دشمن شکن، شیر بیشه ی شجاعت، درهم کوبنده ریشه ی ستمگران، ویرانگر کاخ های ظلم و استبداد، قهرمانی شجاع و بزرگوار، شمشیری برنده از شمشیرهای خداوند، دست بخشنده ای از مظاهر جود و بخشش خداوند، اوج قلّه ی شرف انسانی، که در اعماق اصیل ترین فضیلت ها ریشه دوانیده است.

آن گاه امیرمؤمنان به توصیف دانش گسترده و صفات برجسته ی آن حضرت پرداخته، در پایان دست مبارکش را بر روی سینه نهاده فرمود:

هَاهْ شَوْقاً إِلَی رُؤْیَتِهِ.

آه، من چقدر مشتاق دیدار او هستم.(۱)

۱۵) در بیان دیگری در مورد یاران خاص آن حضرت سخن گفته، در پایان

ص:۹۸

۱- [۱] . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۵.

فرمود:

وَ یا شَوْقاً إِلی رُؤْیَتِهِمْ فی حالِ حُضُورِ دَوْلَتِهِمْ؛

آه، منِ علی، چقدر مشتاق هستم که آن ها را به هنگام ظهور و استقرار دولتشان مشاهده نمایم.(۱)

۵. خشنودی همگان

در این رابطه چندین حدیث در بخش های قبلی از منابع عامّه نقل کردیم، اینک چند حدیث از احادیث اهل بیت علیهم السلام

۱۶) رسول عالمیان در مورد رضایت جهانیان از حکومت حقّه ی حضرت صاحب الزمان علیه السلام می فرماید:

یَرْضَی عَنْهُ سَاکِنُ السَّمَاءِ وَ سَاکِنُ الْأَرْض؛

ساکنان آسمان و ساکنان زمین از او خشنود می شوند.(۲)

۱۷) در فرازی از یک حدیث طولانی آمده است:

یَرْضَی عَنْهُ سَاکِنُ السَّمَاءِ وَ الطَّیْرُ فِی الْجَوِّ وَ الْحِیتَانُ فی الْبِحَارِ؛

ساکنان آسمان، مرغان هوا و ماهیان دریا از او خشنود می شوند.(۳)

خشنودی آسمانیان و آدمیان بسیار طبیعی است، امّا مرغان و ماهیان چرا از حکومت آن حضرت خشنود می شوند؟

۱- [۱] . کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۰.
۲- [۲] . شیخ طوسی، الغیبه، ص ۱۷۸.
۳- [۳] . علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۳۶، ص ۲۱۹.

یک احتمال این است که آن ها نیز هوشمند هستند و به همین دلیل از برقراری حکومت حقّه خشنود و خوشحال می باشند.

احتمال دیگر این که در عصر موفور السرور ظهور دیگر آب و هوا آلوده نمی شوند. از این رهگذر پرندگان و آبزی ها نفس راحتی می کشند و احساس آرامش و آسایش می کنند.

۱۸) امیر بیان، مولای متقیان علی علیه السلام در بیان جامع تر از خشنودی اهل برزخ پرده بر می دارد و در ضمن یک حدیث طولانی می فرماید:

لَا یَبْقَی مَیِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَیْهِ تِلْکَ الْفَرْحَهُ وَ هُوَ فِی قَبْرِهِ وَ هُمْ یَتَزَاوَرُونَ فِی قُبُورِهِمْ وَ یَتَبَاشَرُونَ بِقِیَامِ الْقَائِمِ صلوات اللّه علیه؛

هیچ مرده مسلمانی نمی مانـد، جز این که این مسرّت و شادمانی، در قبر به او می رسد، مردگان در قبرها به دیدار یک دیگر می روند و قیام قائم علیه السلام را به یکدیگر تبریک می گویند.(۱)

۱۹) پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به هنگام گفت و گو از بانگ آسمانی می فرماید:

إِذَا کَانَ عِنْدَ خُرُوجِ الْقَائِمِ یُنَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَیُّهَا النَّاسُ قُطِعَ عَنْکُمْ مُدَّهُ الْجَبَّارِینَ وَ وُلِّیَ الْأَمْرَ خَیْرُ أُمَّهِ مُحَمَّدٍ فَالْحَقُوا بِمَکَّهَ؛

هنگامی که هنگامه خروج قائم علیه السلام فرا رسد، منادی آسمانی فریاد برمی آورد:

هان ای مردمان! دیگر دوران ستمگران سپری شد، زمام امور را بهترین فرد امّتِ حضرت محمد صلی الله علیه و آله در دست گرفت، پس به مکه معظّمه بپیوندید.(۲)

ص:۱۰۰

۱- [۱] . شیخ صدوق، کمال الدّین، ج ۲، ص ۶۵۳.

۲- [۲] . شیخ مفید، الإختصاص، ص ۲۰۸.

چکیده

دشـمنان اهل بیت تلاش کرده اند که حکومت حضرت مهدی علیه السلام را حکومتی مستبدّ، خشن و مبتنی بر خشونت معرّفی کنند.

در این درس سیمای ملکوتی آن شمیم رحمت، بر اساس احادیث اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام بیان شد، فرازهایی از بخشـنامه ی جنگی آن حضـرت در میدان جنگ نقل شده، احادیث صـریح و شـفّاف در مورد این که سـیره ی آن حضـرت همان سـیره ی رسول اکرم صـلی الله علیه و آله می باشـد، از پیشوایان معصوم آمـده، از خشـنودی پرندگان هوا، ماهیان دریا و درندگان صحرا در حکومت آن حضرت سخن رفته، ابراز سرور و شادمانی ارواح مؤمنان در عالم برزخ بیان شده است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. کتاب الغیبه، تألیف: ابوجعفر محمد بن ابراهیم نعمانی ـ قرن چهارم ـ

۲. کتاب الغیبه، تألیف: شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ق

۳. کمال الدین، تألیف: شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱.

درس دهم: حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی

اشاره

مرزهای جغرافیایی در هم ریزد، شالوده حکومت واحد جهانی بر اساس عدالت و آزادی در سرتاسر گیتی استوار گردد.

در سطح جهان فقط یک حکومت و آن حکومت حضرت مهدی، فقط یک فرمانروا و آن یوسف زهرا، تنها یک قانون اساسی و آن قرآن کریم، فقط یک پرچم و آن پرچم توحید، تنها یک آیین و آن دین مقدس اسلام به رسمیت شناخته می شود.

مهم ترین شاخصه ی حکومت حضرت مهدی علیه السلام عدل فراگیر است که در ۱۴۸ حدیث به این تعبیر آمده است:

یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً.

زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که پر از جور و ستم شده باشد.(۱)

۶. عدل فراگیر

۲۰) رئیس مذهب، امام به حق ناطق، حضرت جعفر صادق علیه السلامـی فرماید:

ص:۱۰۲

۱- [۱] . آیه اللّه صافی، منتخب الأثر، ج ۲، ص ۲۲۳.

أَمَا وَ اللّٰه ِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَ الْقُرُّ.

به خدا سوگند! عدالت آن حضرت در داخل خانه هایشان به آن ها می رسد، همان گونه که گرما و سرما به داخل خانه ها راه پیدا می کند.(۱)

۲۱) خداوند منّان در قرآن کریم می فرماید:

«اعْلَمُوا أَنَّ اللّٰه َ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها»؛

بدانید که خداوند زمین را پس از مرگش زنده می کند.(۲)

امام صادق در تفسیر آن فرمود:

أَيْ يُحْيِيهَا اللّٰه ُ بِعَدْلِ الْقَائِمِ عِنْدَ ظُهُورِهِ بَعْدَ مَوْتِهَا بِجَوْرِ أَئِمَّهِ الضَّلَالِ؛

یعنی خداوند آن را زنده می کند با عدالت قائم علیه السلام به هنگام ظهورش، پس از آن که با ستم پیشوایان ضلالت، مرده باشد.(۳)

۲۲) هنگامی که حضرت نرجس خاتون به محضر امام هادی علیه السلامشرفیاب شد، امام علیه السلام فرمود: می خواهم به تو جایزه ای بدهم، آیا ۱۰۰۰۰ دینار طلا برای تو خوشتر است یا بشارتی که در آن شرف جاودانه است؟

عرضه داشت: مژده فرزند برای من. فرمود:

أَبْشِرِي بِوَلَدٍ يَمْلِكُ الدُّنْيَا شَرْقاً وَ غَرْباً، يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً؛

تو را بشارت باد به فرزندی که شرق و غرب گیتی را تحت سیطره خود در می آورد، جهان را آکنده از عدل و داد می سازد، همان گونه که پر از جور و

۱- [۱] . نعمانی، الغیبه، ص ۲۹۷.

۲- [۲] . سوره ی حدید، آیه ی ۱۷.

۳- [۳] . نعمانی، الغیبه، ص ۲۴؛ شیخ حرّ عاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۳۱.

ستم شده باشد.(۱)

۷. آشتی فرا ملّی

در عصر موفور السرور ظهور مصلح جهانی، نه تنها در میان همه ی توده ها صلح و صفا حاکم می شود، بلکه بر اساس روایات فروان، حتی در میان دیگر جانداران نیز صلح و آشتی برقرار می شود:

۲۳) امام حسن مجتبی علیه السلام در یکی از احتجاج های خود می فرماید:

وَ تَصْطَلِحُ فِی مُلْکِهِ السِّبَاعُ؛

در حکومت آن حضرت حتی درندگان نیز آشتی می کنند.(۲)

۲۴) امیرمؤمنان علیه السلام در این رابطه فرمود:

لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتِ السِّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ؛

در آن روزگار، کینه و حسد از دل بندگان خدا رخت بر می بندد، درندگان و چارپایان با یکدیگر آشتی می کنند.(۳)

جالب توجه است که در کتب عهدین نیز در این رابطه گفتگو شده است.(۴)

و شایان دقّت است که در منابع زرتشتیان نیز از آشتی حیوانات در عصر ظهور سخن رفته است.(۵)

۸. آگاهی گسترده

ص:۱۰۴

۱- [۱] . شیخ صدوق، کمال الدّین، ج۲، ص ۴۲۳؛ شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۱۴؛ طبری، دلائل الامامه، ص ۲۶۷، ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۴، ص ۴۷۴.

۲- [۲] . طبرسی، الإحتجاج، ج ۲، ص ۲۹۱.

۳- [۳] . شیخ صدوق، الخصال، ج ۲، ص ۴۱۹.

۴- [۴] . عهد قدیم، کتاب اشعیاء نبی، فصل ۱۱، فرازهای ۱ _ ۱۰.

۵- [۵] . ر. ک: او خواهد آمد، ص ۱۳۲.

آگاهی امامان معصوم علیهم السلام از گذشته و آینده جهان، از اعماق دل انسان ها و از هر چیزی که نسبت به دیگران غیب محسوب می شود، از اعتقادات قطعی و مسلّم ما می باشد، در این جا نیاز به بسط سخن نیست، تنها به نقل یک حدیث بسنده می کنیم.

۲۵) امام صادق علیه السلام در یک بیان جامع فرمودند:

إِنَّهُ إِذَا تَنَاهَتِ الْأُمُورُ إِلَى صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ رَفَعَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى كُلَّ مُنْخَفِضٍ مِنَ الْأَرْضِ وَ خَفَّضَ لَهُ كُلَّ مُرْتَفِعٍ مِنْهَا حَتَّى تَكُونَ الدُّنْيَا عِنْدَهُ بِمَنْزِلَةِ رَاحَتِهِ فَأَيُّكُمْ لَوْ كَانَتْ فِي رَاحَتِهِ شَعْرَةٌ لَمْ يُبْصِرْهَا؛

هنگامی که زمام امور به دست صاحب این امر منتهی شود، خداوند متعال، همه ی پستی ها و بلندی های روی زمین را برای او صاف و هموار سازد، پس همه دنیا در برابر او همانند کف دست او می شود. آیا اگر در کف دست یکی از شما مویی باشد، آن را نمی بینید؟(۱)

۹. اندوخته الهی

قرآن کریم در آیات فراوانی برای تنها بازمانده از حجج الهی اطلاع رسانی کرده و در یک مورد از او به «بقیه اللّه» تعبیر کرده و فرمود:

«بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛

بازمانده خدا برای شما بهتر است، اگر مؤمن باشید.(۲)

علاوه بر کتب تفسیر، در شماری از احادیث نیز عنوان «بقیه اللّه» بر حضرت مهدی علیه السلام اطلاق شده است که به شماری از آن ها اشاره می کنیم:

۱- [۱] . شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۶۷۴.

۲- [۲] . سوره ی هود، آیه ی ۸۶.

۲۶) امام باقر علیه السلام در فرازی از یک حدیث گسترده فرمود:

فَإِذَا خَرَجَ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَی الْکَعْبَهِ وَ اجْتَمَعَ إِلَیْهِ ثَلَاثُمِائَهٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَ رَجُلًا وَ أَوَّلُ مَا یَنْطِقُ بِهِ هَذِهِ الْآیَهُ؛

«بَقِیَّتُ اللّه ِ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِینَ»(۱)

ثُمَّ یَقُولُ:

أَنَا بَقِیَّهُ اللّه ِ فِی أَرْضِهِ وَ خَلِیفَتُهُ وَ حُجَّتُهُ عَلَیْکُمْ

فَلَا یُسَلِّمُ عَلَیْهِ مُسَلِّمٌ إِلَّا قَالَ:

السَّلامُ عَلَیْکَ یَا بَقِیَّهَ اللّه ِ فِی أَرْضِهِ؛

هنگامی که آن حضرت خروج می کند، پشتش را به کعبه تکیه می دهد، ۳۱۳ تن مرد در اطراف او گرد آیند.

نخستین چیزی که بر زبان جاری کند، این آیه ی شریفه است:

«اندوخته خدا برای شما بهتر است، اگر مؤمن باشید».

آنگاه می فرماید:

من «بقیه اللّه» هستم، من حجّت و خلیفه خدا بر شما هستم.

پس هر کس به او سلام کند، می گوید:

درود بر تو ای اندوخته خدا در روی زمین.(۲)

۲۷) از امام باقر علیه السلام پرسیدند: آیا می توان به حضرت مهدی علیه السلام به عنوان

ص:۱۰۶

۱- [۱] . همان.

۲- [۲] . فضل بن شاذان، اثبات الرجعه _ مخطوط _ ؛ شیخ صدوق، کمال الدّین، ج ۱، ص ۳۳۱؛ طبرسی، اعلام الوری، ج ۲، ص ۲۹۲؛ میرلوحی، کفایه المهتدی، ص ۶۶۱؛ همو، گزیده آن، ص ۲۸۰؛ خاتون آبادی، کشف الحق، ص ۱۸۲، اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۴.

«امیرالمؤمنین» سلام است؟ فرمود: نه.

پرسیدند: پس چگونه به ایشان سلام بگوییم؟ فرمود: بگویید:

اَلسَّلامُ عَلَیْکَ یَا بَقِیَّهَ اللّه ؛

درود بر تو ای بازمانده خدا.

آن گاه امام صادق علیه السلام این آیه را تلاوت فرمود:

«بَقِیَّتُ اللّه ِ خَیْرٌ لَکُمْ إِنْ کُنْتُمْ مُؤْمِنِین»(۱)

۲۸) امام هادی علیه السلام ایام هفته را در میان ۱۴ نور پاك تقسیم نمود، در مورد روز جمعه فرمود:

آن نیز از آن پسر امام حسن عسکری علیه السلام است، که امّت اسلامی بر او گرد آیند.

آنگاه آیه شریفه را تلاوت نمود، سپس فرمود:

نَحْنُ بَقِیَّهُ اللّه؛

ما بازماندگان خداوند هستیم.(۲)

۱۰. رمز بقای جهان هستی

بر اساس اعتقاد قطعی ما، اگر یك لحظه روی زمین خالی از حجّت باشد، زمین ساکنانش را در کام خود فرو می برد.

در درس های پیشین شماری از احادیث عامّه را در این رابطه آوردیم و این

ص:۱۰۷

۱- [۱] . کلینی، الکافی، ج۱، ص ۴۱۱؛ فرات الکوفی، تفسیر فرات، ج۱، ص ۱۹۳؛ شیخ حر عاملی، اثبات الهداه، ج ۳، ص ۴۴۷؛ علامه مجلسی، مرآت العقول، ج ۴، ص ۳۷۰.

۲- [۲] . مسعودی، اثبات الوصیه، ص ۲۲۵؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۳.

یک حدیث از پیشوایان معصوم علیهم السلام

۲۹) امام باقر علیه السلام در این رابطه می فرماید:

لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْماً بِلَا إِمَامٍ لَسَاخَتْ بِأَهْلِهَا؛

اگر یک روز زمین بدون امامی از ما بماند، اهل خود را در کام خود فرو می برد.(۱)

۱۱. خورشید پنهان

در ضمن چهار حدیث از چهار معصوم، وجود مقدس حضرت بقیه اللّه در ایام غیبت به خورشید پنهان در پشت ابر تشبیه شده است.

حدیثی در درسهای پیشین از کتب عامّه نقل کردیم و اینک حدیث دیگری از شخص حضرت مهدی علیه السلام:

۳۰) در توقیع شریفی که از ناحیه مقدسه توسط دوّمین نایب خاصّ آن حضرت به افتخار اسحاق بن یعقوب صادر شده، آمده است:

وَ أَمَّا وَجْهُ الِانْتِفَاعِ بِی فِی غَيْبَتِی فَكَالِانْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَيَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ

اما کیفیّت بهره مند شدن از من در دوران غیبت، همانند بهره مند شدن مردم از خورشید است، هنگامی که در پشت ابر نهان باشد.(۲)

علامه مجلسی هشت وجه تشبیه برای این حدیث بیان کرده،(۳) ما وجه

۱- [۱] . کلینی، ج۱، ص ۱۷۹؛ شیخ صدوق، کمال الدین، ج۱، ص ۲۰۴.

۲- [۲] . شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۹۲؛ طبرسی، الاحتجاج، ص ۴۷۱؛ همو، إعلام الوری، ج۲، ص ۲۷۲؛ اربلی، کشف الغمه، ج ۳، ص ۳۲۲؛ فیض کاشانی، النّوادر، ص ۱۶۴؛ شیرازی، کلمه الامام المهدی، ص ۲۲۵؛ غروی، المختار من کلمات الامام المهدی، ج ۱، ص ۲۹۴.

۳- [۳] . علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۹۲ _ ۹۳.

دیگری در همین درسنامه آوردیم.(۱)

۱۲) تنها عامل دفع بلا

در احادیث فراوان تصریح شده که همه دوستان و شیعیان در عصر غیبت به برکت وجود مقدس امام زمان علیه السلام از بلاها در امان هستند، اینک به دو حدیث از شخص حضرت بقیه اللّه اشاره می کنیم:

۳۱) حضرت مهدی علیه السلام در نخستین روز ولادتش در گهواره به ابونصر خادم فرمود:

أَنَا خَاتَمُ الْأَوْصِيَاءِ وَ بِی يَرْفَعُ اللّه ُالْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِی وَ شِيعَتِی

من پایان بخش اوصیا هستم، خداوند به وسیله ی من بلاها را از شیعیان و خاندانم دفع می کند.(۲)

۳۲) و در نامه اش خطاب به شیخ مفید می نویسد:

إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكُمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكْرِكُمْ وَ لَوْ لَا ذَلِكَ لَنَزَلَ بِكُمُ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكُمُ الْأَعْدَاءُ

ما هرگز در رعایت و حراست شما کوتاهی نمی کنیم و یاد شما را به دست فراموشی نمی سپاریم و گرنه بلاها بر شما سرازیر می شد و دشمنان، شما را نابود می کردند.(۳)

علیرغم اهتمام شدید ابرقدرتها برای برچیدن طومار عمر شیعیان، نزدیک

۱- [۱] . ر.ك: او خواهد آمد، ص ۱۶۹ _ ۱۸۷.

۲- [۲] . شیخ طوسی، الغیبه، ص۲۴۶؛ شیخ صدوق، کمال الدّین، ج۲، ص ۴۴۱؛ شیخ حر عاملی، إثبات الهداه، ج۳، ص ۶۹۴، ح ۱۱۵.

۳- [۳] . طبرسی، الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۹۸.

به نیمی از مسلمانان جهان را شیعیان تشکیل می دهند(۱) و این دلیلی جز عنایت و حمایت ویژه حضرت ولیّ عصر و دعای خیر آن حضرت ندارد.

۱۲. پناه عالمیان

در احادیث فراوان از آن حضرت به عنوان پناهگاه تعبیر شده، از جمله:

۳۳) رسول اکرم صلی الله علیه و آله در فرازی از حدیثی می فرماید:

تَؤُوبُ إِلَیْهِ أُمَّتِی کَمَا تَؤُوبُ الطَّیْرُ إِلَی أَوْکَارِهاً،

امت من به او پناه می برند، همان گونه که پرندگان به آشیانه های خود پناه می برند.(۲)

۳۴) امام باقر علیه السلام در مقام ترسیم توان جسمی اصحاب خاصّ حضرت از زبان آن ها نقل می کند که در آستانه ظهور می گویند:

وَ اللّه ِ لَوْ یَأْوِی بِنَا الْجِبَالُ لَأَوَیْنَاهَا

به خدا سوگند! اگر کوه ها به ما پناهنده شوند، آن ها را پناه می دهیم.(۳)

۳۵) قطب راوندی از ابوالوفای شیرازی نقل کرده که در کرمان به اسارت رفته، به امام سجّاد علیه السلام متوسّل شده، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را در عالم رؤیا دیده، حضرت به او رهنمون شده که در هر مشکلی به کدامین امام متوسّل شود، در پایان فرموده:

وَ أَمَّا الْحُجَّهُ فَإِذَا بَلَغَ مِنْکَ السَّیْفُ الْمَذْبَحَ فَاسْتَغِثْ بِهِ فَإِنَّهُ یُغِیثُکَ وَ هُوَ

۱- [۱] . بر اساس آمار ۲۰۰۱ میلادی، آمار مسلمانان جهان یک میلیارد و ششصد و شصت میلون نفر می باشد و بر اساس مصاحبه ی انور سادات، رئیس جمهور سابق مصر، نیمی از امت اسلامی را شیعیان تشکیل می دهند. [ر.ک: معتمدی، عزاداری سنتی شیعیان، ج۳، ص۷۸۹]

۲- [۲] . طبری، دلائل الامامه، ص ۴۴۵.

۳- [۳] . عیّاشی، التفسیر، ج۲، ص ۱۹۳؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۱.

غِیَاثٌ وَ کَهْفٌ لِمَنِ اسْتَغَاثَ بِهِ

و اما حضرت حجّت، پس هنگامی که کارد به استخوان رسید، به او متوسّل شو که البته فریادرسی می کند، که او پناهگاه و فریادرس کسی است که به او استغاثه کند.(۱)

۱۳. بیان نافذ

تا روزی که ذوالفقار علی علیه السلام در نیام و زبان حضرت مهدی در کام باشد، شب پره ها بازیگر میدان هستند، ولی هنگامی که به آن حضرت فرمان سخن گفتن داده شود، باطل جویان، با ذلّت و خواری از صحنه بیرون می روند و حق به حق دار می رسد.

۳۶) حجّت یزدان در یکی از توقیعات شریف خود می فرماید:

وَ إِذَا أَذِنَ اللّٰه ُ لَنَا فِی الْقَوْلِ ظَهَرَ الْحَقُّ وَ اضْمَحَلَّ الْبَاطِلُ وَ انْحَسَرَ عَنْکُمْ

چون به ما اذن سخن گفتن داده شود، حق آشکار می گردد، باطل از ریشه و بن کنده می شود و باطل جویان رخت بر می بندند.(۲)

۱۴. احیاگر قرآن و سنت

بر اساس روایات فراوان، در عصر غیبت آن قدر مفاهیم کتاب و سنّت دستخوش تغییر و تحریف می شود که به هنگام ظهور، هنگامی که آن امام نور آنها را بر اساس صحیح، تفسیر و تبیین می کند، مردم می گویند: کتاب جدید و آیین جدید آورده است و لذا در احادیث فراوان از ایشان به عنوان احیاگر قرآن و سنّت تعبیر شده است:

۱- [۱] . قطب راوندی، الدّعوات، ص ۱۹۲.

۲- [۲] . شیخ طوسی، الغیبه، ص ۲۸۹، طبرسی، الاحتجاج، ج۲، ص ۴۶۹.

۳۷) امیر بیان در یکی از خطبه های نهج البلاغه می فرماید:

یُحْیِی مَیِّتَ الْکِتَابِ وَ السُّنَّه؛

او تعالیم فراموش شده قرآن و سنّت را احیا می کند.(۱)

۳۸) و در فراز دیگری از همین خطبه می فرماید:

یَعْطِفُ الْهَوَی عَلَی الْهُدَی إِذَا عَطَفُوا الْهُدَی عَلَی الْهَوَی وَ یَعْطِفُ الرَّأْیَ عَلَی الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَی الرَّأْی؛

او امیال را به قرآن بر می گرداند، هنگامی که دیگران قرآن را با امیال خود تفسیر می کنند. او اندیشه ها را به قرآن بر می گرداند، هنگامی که دیگران قرآن را با اندیشه های خود تأویل می کنند.(۲)

ابن ابی الحدید در شرح این خطبه می نویسد:

این سخن اشاره است به امامی که خداوند او را در آخر الزمان پدید می آورد و او همان امام موعود است که در اخبار و احادیث بشارت داده شده است.(۳)

۱۵) جایگاه بس رفیع

مقام رفیع و جایگاه منیع حجّت خدا به قدری بلند است که طایر اندیشه هیچ دانشمندی قدرت پرواز در آن محدوده را ندارد، ولی از باب «ما لایدرک کلّه، لا یترک کلّه» به دو حدیث از رئیس مذهب اشاره می کنیم:

۳۹) از امام صادق علیه السلام پرسیدند: آیا حضرت قائم علیه السلام متولد شده است؟

۱- [۱] . سید رضی، نهج البلاغه، خطبه ی ۱۳۸.

۲- [۲] . همان؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۳۱.

۳- [۳] . ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج۹، ص ۴۰.

فرمود:

لا، وَ لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي؛

نه، اگر من زمان او را درک می کردم، همه عمر به خدمت او می پرداختم.(۱)

۴۰) چهارتن از اصحاب امام صادق علیه السلام به محضر آن حضرت مشرّف شدند، آن حضرت را مشاهده کردند که روی خاک ها نشسته، همانند مادر داغ فرزند دیده، اشک می ریزد و با خود زمزمه می کند:

سَيِّدِي غَيْبَتُكَ نَفَتْ رُقَادِي وَ ضَيَّقَتْ عَلَيَّ مِهَادِي وَ ابْتَزَّتْ مِنِّي رَاحَهَ فُؤَادِي سَيِّدِي غَيْبَتُكَ أَوْصَلَتْ مُصَابِي بِفَجَائِعِ الْأَبَدِ

ای سرور من! غیبت تو خواب از دیدگانم ربوده، عرصه را بر من تنگ نموده، آرامش را از دلم سلب کرده است.

سرور من! غیبت تو مصیبتی جانکاه بر سراسر وجودم فروریخته.(۲)

امام صادق علیه السلام بیش از یک قرن، پیش از میلاد امام زمان علیه السلام برای طولانی شدن غیبت آن حضرت و پریشانی شیعیان در عصر غیبت اشک می ریزد و بی تابی می کند و او را «سرور من» خطاب می کند!

ما دورافتادگان و محرومان از فیض حضور، در این روزگار ناسازگار تعبیری پیدا نمی کنیم که بیچارگی و بی نوایی خود را بیان کند!

به همراه شیفتگان و دلباختگان آستان مولا از اعماق دل عرضه می داریم:

«یا أَيُّهَا الْعَزِيزُ، مَسَّنا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ، وَ جِئْنا بِبِضاعَهٍ مُزْجاهٍ، فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنا، إِنَّ اللّه َ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ»؛

۱- [۱] . نعمانی، الغیبه، ص ۲۴۵؛ علامه مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۱۴۸.

۲- [۲] . شیخ صدوق، کمال الدّین، ج۲، ص ۳۵۳.

هان ای عزیز!

[ای عزیز فاطمه!]

دردی جانکاه بر ما و کسان ما فروریخته،

با متاعی اندک به سویت آمده ایم،

پیمانه ات را بر ما سر ریز و بر ما تصدّق نما،

که خداوند تصدق کنندگان را پاداش می دهد.(۱)

چکیده

در ۱۴۸ حدیث عدالت فراگیر حضرت مهدی علیه السلام به این تعبیر آمده است که:

یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً؛

زمین را پر از عدل و داد نماید، همان گونه که پر از جور و ستم شده باشد.

در این درس پیرامون عدل مهدوی، به عنوان بزرگ ترین شاخصه ی عصر ظهور سخن گفتیم، آشتی انسان ها، توده ها، حتّی چهارپایان را با درندگان بر اساس روایات اسلامی و دیگر ادیان ابراهیمی بیان کردیم، پیرامون آگاهی گسترده ی حضرت، قدرت بیان، نفوذ کلمه، جایگاه رفیع و پناهدهی گسترده ی حضرت مهدی علیه السلام، گلواژه ی «بقیّه اللّه» و احیاگری قرآن و سنّت، مطالبی تقدیم نمودیم.

برای تحقیق بیشتر:

۱. الاحتجاج، تألیف: احمد بن علی طبرسی _ قرن ششم _

۲. منتخب الاثر، تألیف: آیه اللّه صافی گلپایگانی _ معاصر _

۳. او خواهد آمد، تألیف: علی اکبر مهدی پور

ص:۱۱۴

۱- [۱] . سوره ی یوسف، آیه ی ۸۸.

درس یازدهم: کتابنامه غیبت، پیش از وقوع غیبت

احادیث وارد شده از پیشوایان معصوم علیهم السلام پیرامون ولادت، زندگی، غیبت، ظهور و دیگر مسائل مربوط به حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه، پیشینه ای بس دراز دارد و به عصر رسالت مربوط می شود.

هزاران حدیث معتبر و مستند که در طول دو قرن و نیم، از عهد رسول اکرم صلی الله علیه و آله تا عصر امام حسن عسکری علیه السلام وارد شده و در آن ها از ولادت امام زمان، نسب آن حضرت، پدر بزرگوار و مادر مکرّمه ی ایشان سخن رفته، ویژگی های جسمانی، به ویژه در مورد غیبت آن حضرت گفتگو شده است، هر یک از آن ها یک معجزه به شمار می آید، زیرا در آن ها از حوادث مربوط به آینده سخن رفته، پس از قرن ها مطابق آن رخ داده است.

از این رهگذر سیره نویسان و تراجم نگاران، این احادیث را در کتب مربوط به دلایل نبوّت ثبت کرده اند.(۱)

شیخ مفید این احادیث را دلیل قاطع و روشنی بر حقّانیت شیعه و استواری

۱- [۱] . ابونعیم اصفهانی، دلائل النّبوه، ص ۵۵۰، ح ۴۸۷ _ ۴۸۵.

اعتقادات امامیه دانسته است.(۱)

در طول چهارده قرن، از عصر پیامبر اکرم تا زمان ما، هزاران کتاب پیرامون حضرت مهدی علیه السلام تألیف شده، که در برخی از کتابخانه های تخصّصی قم، بیش از ۴۰۰۰ مجلّد کتاب مستقلّ پیرامون آن حضرت موجود است.

ما در اینجا منحصراً از کتاب هایی نام می بریم که پیش از میلاد مسعود حضرت مهدی علیه السلام به رشته تحریر درآمده است:

۱- کتاب الغیبه

تألیف: ابو اسحاق، ابراهیم بن صالح انماطی، از اصحاب امام باقر علیه السلام.(۲)

انماطی از شیعیان امامی _ اثنا عشری _ می باشد(۳) و این کتاب را بیش از یکصد سال پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام تألیف کرده است.

۲- کتاب الغیبه

تألیف: ابوالحسن، علی بن حسن بن محمد طائی جَرمی، از اصحاب امام کاظم علیه السلام.(۴)

۳- کتاب الغیبه

تألیف: ابوعلی، حسن بن محمد بن سَماعه، از اصحاب امام کاظم علیه السلام.(۵)

۴- کتاب الغیبه

۱- [۱] . شیخ مفید، الفصول العشره در ضمن مصنّفات الشّیخ المفید، ص ۸۲.

۲- [۲] . نجاشی، الرّجال، ص ۱۵، رقم ۱۳؛ شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۴، رقم ۲.

۳- [۳] . مامقانی، تنقیح المقال، ج ۴، ص ۸۴، رقم ۳۲۱.

۴- [۴] . نجاشی، الرّجال، ص ۲۵۵، رقم ۶۶۷.

۵- [۵] . شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۰۳، رقم ۱۹۳.

تـألیف: حسن بن علی بن ابی حمزه بطائنی، از اصـحاب امام کاظم علیه السـلام.(۱) او علاـوه بر کتـاب «الغیبه» آثار دیگری در حوزه ی مهدویت نوشته، که از آن جمله است:

۱) کتاب الرّجعه

۲) کتاب الملاحم

۳) کتاب القائم ـ الصّغیر ـ(۲)

۵- کتاب الغیبه

تألیف: ابوالفضل، عباس بن هاشم ناشری، مشهور به «عُبَیس» از اصحاب امام رضا علیه السلام.(۳)

با توجّه به تاریـخ درگذشت وی به سال ۲۲۰ ق. این کتاب حداقل ۳۵ سال پیش از ولادت حضـرت مهدی علیه السلام تألیف شده است.

۶- کتاب الغیبه

تألیف: ابوالحسن، علی بن محمد بن علی سوّاق، معاصر امام رضا علیه السلام.(۴)

۷- کتاب الغیبه

تألیف: ابوالحسن علی بن عمر اعرج، معاصر امام رضا علیه السلام.(۵)

۸- کتاب الغیبه

ص:۱۱۷

۱- [۱] . نجاشی، الرّجال، ص ۳۷، رقم ۷۳.

۲- [۲] . از قیـد «الصّـغیر» معلـوم می شـود کـه وی دو کتـاب به نـام «القـائم» نوشـته، یکی بزرگ و دیگری کوچـک، که فقط کوچك آن به دست نجاشی رسیده است.

۳- [۳] . نجاشی، الرّجال، ص ۲۸۰، رقم ۷۴۱.

۴- [۴] . همان، ص ۲۶۰، رقم ۶۷۹.

۵- [۵] . همان، ص ۲۵۶، رقم ۶۷۰.

تألیف: علی بن حسن فضّال، از اصحاب امام هادی علیه السلام.(۱)

۹- کتاب الغیبه

تألیف: ابراهیم بن اسحاق احمری، معاصر امام حسن عسکری علیه السلام.(۲)

۱۰- کتاب الغیبه

تألیف: ابوالعبّاس، عبداللّه بن جعفر حمیری، از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام.(۳)

حمیری آثار دیگری در رابطه با حضرت بقیه اللّه دارد، که از آن جمله است:

۱) الغیبه والحیره

۲) الفتره والحیره(۴)

۳) التّوقیعات(۵)

۴) قرب الإسناد الی صاحب الأمر علیه السلام(۶)

این ها ده مورد از ده ها کتاب های مستقل تألیف شده پیرامون غیبت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه می باشد، که پیش از وقوع غیبت پیرامون غیبت و به عنوان «کتاب الغیبه» نگارش یافته و به دست پیشتاز علمای رجال، مرحوم نجاشی رسیده و گزارش آن در کتاب گرانسنگ «رجال نجاشی» ثبت شده است.

اگر بخواهیم همه ی کتاب های تألیف شده در حوزه ی مهدویت را که توسّط

۱- [۱] . همان، ص ۲۵۸، رقم ۶۷۷.
۲- [۲] . همان، ص ۱۹، رقم ۲۱؛ مامقانی، تنقیح المقال، ج ۳، ص ۳۸۳.
۳- [۳] . شیخ طوسی، الفهرست، ص ۱۶۸، رقم ۴۳۹.
۴- [۴] . همان.
۵- [۵] . جلالی، فهرس التّراث، ج ۱، ص ۳۱۰.
۶- [۶] . نجاشی، الرّجال، ص ۲۲۰، رقم ۵۷۳.

اصحاب ائمّه و پیش از ولادت حضرت بقیه اللّه، تألیف شده اند را بشماریم به درازا می کشد.

در اینجا لازم است اشاره کنیم که برخی از مؤلّفان این آثار از فرقه ی واقفیه هستند و آن ها در امامت حضرت موسی بن جعفر علیه السلام متوقّف می باشند و آن حضرت را همان مهدی موعود پنداشته اند! ولی ما به دو جهت عناوین آثار آن ها را در اینجا یادآور شدیم:

۱- در متن این کتاب ها انحراف و لغزشی وجود ندارد، لذا شیخ طوسی و دیگر بزرگان از این کتاب ها نقل کرده اند.

۲- صدور این کتاب ها به وفور از فرقه های مختلف، دلیل رسوخ اعتقاد به غیبت موعود در طول قرون و اعصار بوده و بیانگر این حقیقت است که احادیث مربوط به مهدی موعود از نظر کثرت و شهرت و تواتر در میان امّت اسلامی در سطحی بوده که ده ها تن از اصحاب ائمّه علیهم السلام در طول قرن های اول، دوم و سوم، ده ها کتاب مستقل در این رابطه تألیف نموده و آن ها را «کتاب الغیبه» نام نهاده اند.

تعدّد این کتاب ها در عصر امامان، مشت محکمی است بر دهان دشمنان اهل بیت علیهم السلام که عمداً شبهه افکنی می کنند و به دروغ ادّعا می کنند که احادیث مربوط به غیبت موعود، بعد از غیبت آن حضرت گردآوری شده است.

تعدادی از آثار معرّفی شده، بیش از یک قرن پیش از ولادت حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه تألیف شده و مؤلّفین آنها در نیمه اول قرن دوم درگذشته اند، در حالی که حضرت ولی عصر علیه السلام در نیمه دوم قرن سوم متولّد شده اند.

پدیدآورندگان آثار یاد شده عموماً از شیعیان اهل بیت یا از فرقه های وابسته

ص:۱۱۹

به این خانـدان بودنـد، در اینجـا به معرّفی یک اثر مسـتقل از یک مؤلّف پرآوازه، پیرامون حضـرت ولی عصـر می پردازیم که پیش از تولّد موعود، کتاب ارزشمندی را در حوزه ی مهدویت تألیف کرده و خود از رجال معروف اهل سنّت می باشد.

او «عبّاد بن یعقوب رواجنی» متوفّای ۲۵۰ ق. می باشد.(۱)

او که پنـج سال پیش از تولّـد حضـرت مهدی علیه السـلام دیده از جهان فرو بسـته، کتاب ارزشـمندی به نام «اخبار المهدی» از خود به یادگار نهاده است.(۲)

مؤلّف از بزرگـان اهـل سـنّت می باشـد، بخاری، ترمـذی، ابن ماجه، ابوحاتم، بزّاز و دیگر محـدّثان عامّه از او روایت کرده، بر وثاقت و صداقت او تأکید کرده اند.

ذهبی پس از نقل وثاقت او از حاکم و ابوحاتم، از ابوجریر نقل می کند که می گفت: من از رواجنی شنیدم که می گفت:

هرکس همه روزه در نماز خود از دشمنان آل محمد صلی الله علیه و آله بیزاری نجوید، با آنها محشور خواهد شد.(۳)

سمعانی پس از آن که تصـریح می کنـد که رواجنی از مشایخ بخاری بود، از او انتقاد می کند که چرا از پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله روایت کرده که فرمود:

إِذَا رَأَیْتُمْ مُعَاوِیَهَ عَلَی مِنْبَرِی فَاقْتُلُوهُ؛

ص:۱۲۰

۱- [۱] . بخاری، التّاریخ الکبیر، ج ۶، ص ۴۴، رقم ۱۶۴۵.

۲- [۲] . شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۴۳، رقم ۵۴۲.

۳- [۳] . ذهبی، سیر أعلام النّبلاء، ج ۱۱، ص ۵۳۷.

هنگامی که معاویه را بر فراز منبر من دیدید، او را به قتل برسانید.(۱)

و چرا از ابوبکر نقل کرده که به خالد بن ولید دستور داده بود که مولای متّقیان را به قتل برساند، بعد پشیمان شد و گفت:

لَا تَفْعَلْ یَا خَالِدُ مَا أَمَرْتُکَ؛

ای خالد، آنچه را که به تو دستور داده بودم انجام مده.(۲)

ذهبی از راویان مورد اعتماد روایت کرده که گفت: از عبّاد شنیدم که می گفت:

خداونـد، عادل تر از آن است که طلحه و زبیر را به بهشت راه دهـد که با علی علیه السلام بیعت کردنـد، سپس بیعت خود را شکسته، با آن حضرت جنگیدند.(۳)

آنگاه از شاگردان وی روایت کرده که دیدم رواجنی شمشیری بالای سرش آویخته است، از او پرسیدم که این شمشیر از آنِ کیست؟ گفت:

أَعدَدتُهُ لِأُقَاتِلَ بِهِ مَعَ االْمَهْدِیّ؛

من آن را مهیا کرده ام که با آن در رکاب مهدی علیه السلام شمشیر بزنم.(۴)

همه رجـالیون بر وثاقت و صـداقت او اتّفاق نظر دارنـد، جز این که به جهت محبّت شدیـدش به اهل بیت علیهم السلام و ابراز برائت و بیزاری اش از دشمنان اهل بیت، برخی از علمای رجال او را به تشیع متّهم کرده اند(۵) ولی بزرگان شیعه تصریح

۱- [۱] . سمعانی، الأنساب، ج ۶، ص ۱۷۰.

۲- [۲] . همان.

۳- [۳] . ذهبی، میزان الاعتدال، ج ۲، ص ۳۷۹.

۴- [۴] . همان.

۵- [۵] . ابن حجر عسقلانی، تهذیب التّهذیب، ج ۳، ص ۷۵.

کرده اند که او اهل تس(۱)تّن می باشد.

شیخ طوسی از کتاب او به عنوان «أخبار المهدی» نام برده، ولی زرکلی از آن به عنوان «أخبار المهدی المنتظَر» یاد کرده است.(۲)

چکیده

برخی از معاندان برای کم رنگ کردن احادیث مهدویّت، ادّعا کرده اند که تا سال ۲۶۰ هجری، مطلقا نامی از غیبت نبود، پس از شهادت امام حسن عسکری علیه السلام روایاتی جعل کرده، از غیبت امام دوازدهم سخن گفته اند، ما برای دفع این شبهه از ریشه و بن، ده کتاب از اصحاب ائمّه علیهم السلام معرفی کردیم، که همه ی آنها در عصر ائمّه و پیش از تولّد حضرت مهدی علیه السلام تألیف شده و همه ی آنها به نام: «کتاب الغیبه» تألیف شده اند. از این رهگذر احادیث مهدویّت از عصر نبوّت تا پیش از آغاز غیبت، در منابع حدیثی، تاریخی، رجالی و کلامی مطرح بوده است و چنین ادّعایی موجب شرمساری مدّعیان می باشد.

برای تحقیق بیشتر:

۱. الأنساب، تألیف: سمعانی، متوفّای ۵۶۲ ق.

۲. رجال نجاشی، تألیف: احمد بن علی نجاشی، متوفّای ۴۵۰ ق.

۳. کتابنامه حضرت مهدی علیه السلام، تألیف: علی اکبر مهدی پور

۴. مرجع مهدویت، نشر: اطّلاع رسانی پارسا، ج ۱۴

۵. میزان الاعتدال، تألیف: ذهبی، متوفّای ۷۴۸ ق.، جلد دوم

۱- [۱] . شیخ طوسی، الفهرست، ص ۳۴۳؛ ابن داود، الرّجال، ص ۲۹۲؛ ابن شهر آشوب، معالم العلماء، ص ۸۸.
۲- [۲] . زرکلی، الأعلام، ج ۳، ص ۲۵۸.

درس دوازدهم: نصّ صریح بر غیبت صغری و کبری

در احادیث فراوان از خاتم پیامبران و دیگر پیشوایان معصوم علیهم السلام، تأکید شده بر این که برای حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه، دو غیبت است، یکی کوتاه و دیگری طولانی.

در دوران غیبت کوتاه که به «غیبت صغری» مشهور شده، شیعیان توسّط نوّاب خاصّ با آن حضرت در ارتباط بودند، ولی در دوران غیبت طولانی که به «غیبت کبری» شهرت یافته، حضرت بقیه اللّه ارواحنا فداه، نایب خاص و وکیل شناخته شده ای در میان مردم نداشتند و امکان ارتباط مستقیم و مستمرّ برای احدی وجود نداشت.

ولادت حضرت ولی عصر علیه السلام شب نیمه شعبان ۲۵۵ ق. در سامرّا اتّفاق افتاد و از لحظه تولّد به دور از دسترس مردمان زندگی می کرد.

روز هشتم ربیع الاوّل ۲۶۰ ق. پدر بزرگوارشان، حضرت امام حسن عسکری علیه السلام به شهادت رسید و منصب امامت بر عهده ی آن حضرت قرار گرفت.

ص:۱۲۳

از آن تاریخ تا روز نیمه شعبان ۳۲۹ ق. که تاریخ ارتحال آخرین سفیر از سفیران چهارگانه می باشد(۱) شیعیان به وسیله ی نوّاب خاصّ چهارگانه با آن حضرت در ارتباط بودند.

این دوران به نام «غیبت صغری» نامیده شده است.

اگر مبدأ غیبت صغری را از روز ولادت آن حضرت حساب کنیم، مدّت غیبت صغری دقیقاً ۷۴ سال خواهد بود.(۲)

ولی اگر آن را از روز شهادت امام حسن عسکری علیه السلام محاسبه کنیم، مدّت غیبت صغری ۶۹ سال و پنج ماه و یک هفته خواهد بود.(۳)

با ارتحال علی بن محمد سمری درب سفارت برای همیشه بسته شد، دوران غیبت صغری پایان یافت و اینک بیش از ۱۱ قرن از آغاز غیبت کبری می گذرد.

برخی از دشمنان قسم خورده ی اهل بیت، برای ایجاد شبهه در اذهان جوانان می گویند: داستان دو غیبت و تقسیم آن به صغری و کبری، پس از درگذشت نایب چهارم و آغاز غیبت کبری جعل شده است!!

برای رفع شبهه از ریشه و بن، حدیثی از تفسیر ابوحمزه ثمالی، متوفّای

۱- [۱] . شیخ طوسی تاریخ وفات علی بن محمد سمری ـ آخرین نایب خاص امام زمان علیه السلام ـ را روز ۱۵ شعبان ۳۲۹ ق. ثبت کرده [الغیبه، ص ۳۹۴] ولی شیخ صدوق، راوندی و مرحوم بحرانی آن را در ۱۵ شعبان ۳۲۸ ق. نوشته اند] کمال الدّین: ۲/۵۰۳؛ الخرائج والجرائح: ۳/۱۱۲۸؛ مدینه المعاجز: ۸/۱۴۵ [بدون تردید قول شیخ طوسی اصحّ می باشد.

۲- [۲] . شیخ مفید آغاز غیبت صغری را از روز ولادت امام زمان علیه السلام ثبت کرده است] الارشاد:۲/۲۵۹ [

۳- [۳] . علاّمه مجلسی محاسبه ی آغاز غیبت صغری را از روز شهادت امام حسن عسکری علیه السلام مناسب تر می داند.] بحارالأنوار: ۵۱/۳۶۶ [

۱۴۸ ق. و حدیثی از مشیخه حسن بن محبوب، متوفّای ۲۲۴ ق. و سه حدیث از کتاب شریف اصول کافی، که مؤلّف آن در عهد غیبت صغری می زیست و پیش از آغاز غیبت کبری وفات کرده است، نقل می کنیم:

۱. ابوحمزه ثمالی، از اصحاب امام سجّاد، امام باقر و امام صادق علیه السلام که به سال ۱۴۸ ق.(۱) یا ۱۵۰ ق.(۲) دیده از جهان فرو بسته، در تفسیر خود، در ذیل آیه شریفه «وَ جَعَلَها کَلِمَهً باقِیَهً فی عَقِبِهِ»(۳) از امام زین العابدین علیه السلام روایت کرده که فرمود:

این آیه در حقّ ما نازل شده و آن کلمه پایدار امامت است، که تا روز رستاخیز در پشت حسین بن علی بن ابی طالب علیه السلام قرار گرفته است.

سپس فرمود:

وَ أَنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ، إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى؛

برای قائم ما دو غیبت است، که یکی از آنها از دیگری طولانی تر است.(۴)

ابوحمزه ثمالی شخصیت بسیار ممتاز و برجسته ای می باشد که امام صادق علیه السلام در حقّ او فرمود:

ابوحمزه همانند سلمانِ زمان خود می باشد.(۵)

این حدیث شریف را که در آن به دو غیبت تصریح شده است، ابوحمزه

۱- [۱] . ذهبی، تاریخ الاسلام، ج ۸، ص ۸۵.

۲- [۲] . نجاشی، الرّجال، ص ۱۱۵، رقم ۲۹۶.

۳- [۳] . سوره ی زخرف، آیه ی ۲۸.

۴- [۴] . ابوحمزه ثمالی، تفسیر القرآن الکریم، ص ۲۹۸؛ شیخ صدوق، کمال الدّین، ج ۱، ص ۳۲۳.

۵- [۵] . نجاشی، الرّجال، ص ۱۱۵.

ثمالی در تفسیر خود از امام سجّاد علیه السلام روایت کرده است.

ابوحمزه بیش از یک قرن پیش از ولادت حضرت مهدی علیه السلام و نزدیک دو قرن پیش از آغاز غیبت کبری در گذشته است.

۲. حسن بن محبوب، متوفّای ۲۲۴ ق. در کتاب مشیخه خود از ابراهیم بن اسحاق خارقی، از ابوبصیر، روایت کرده که گفت:

به محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم که امام باقر علیه السلام می فرمود:

لِقَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ – علیه وعلیهم السّلام _ غَیْبَتَانِ، وَاحِدَهٌ طَوِیلَهٌ وَ الْأُخْرَی قَصِیرَه؛

برای قائم آل محمد علیه السلام دو غیبت است: یکی طولانی و دیگری کوتاه.

فرمود:

نَعَمْ یَا أَبَا بَصِیرٍ! إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَی، ثُمَّ لَا یَکُونُ ذَلِکَ یَعْنِی ظُهُورَهُ حَتَّی یَخْتَلِفَ وُلْدُ فُلَانٍ وَ تَضِیقَ الْحَلْقَهُ، وَ یَظْهَرَ السُّفْیَانِیُّ وَ یَشْتَدَّ الْبَلَاءُ وَ یَشْمَلَ النَّاسَ مَوْتٌ وَ قَتْلٌ وَ یَلْجَئُونَ مِنْهُ إِلَی حَرَمِ اللّه ِ تَعَالَی وَ حَرَمِ رَسُولِ اللّه ِ صلی الله علیه و آله؛

آری، ای ابوبصیر! یکی از آنها طولانی تر از دیگری است.

لکن آن تحقّق پیدا نمی کند تا هنگامی که فرزندان فلانی اختلاف کنند، حلقه تنگ تر شود، سفیانی خروج کند، گرفتاری ها شدّت یابد، کشت و کشتار فراگیر شود و مردم به حرم خدا و حرم پیامبر خدا پناه ببرند.

این حدیث را حسن بن محبوب با ده ها حدیث دیگر در مشیخه خود آورده

ص:۱۲۶

است.

حسن بن محبوب از اصحاب اجماع و از یاران امام هشتم بود.(۱)

او مقام بسیار والایی داشت و یکی از ارکان اربعه زمان خود بود.(۲)

کتاب مشیخه حسن بن محبوب را گروهی تبویب کرده اند، که از آن جمله است:

۱) ابوسلیمان، داود بن کوره(۳)

۲) ابوجعفر، احمد بن حسین بن عبدالملک(۴)

شهید ثانی نیز آن را انتخاب کرده، در حدود ۱۰۰۰ حدیث از آن برگزیده و شیخ حرّ عاملی آن را به خطّ شهید دیده است.(۵)

کتاب مشیخه اگرچه به دست ما نرسیده، ولی سعد بن عبداللّه اشعری، این حدیث را به نقل از کتاب مشیخه در «بصائر الدّرجات» آورده است.

اهمیت کتاب سعد بن عبداللّه در این است که مؤلّف از شخصیت های برجسته شیعه در قرن سوم بود و خود به سال ۲۹۹ یا ۳۰۱ ق. درگذشته است.(۶)

روی این بیان حدیث یاد شده را حسن بن محبوب بیش از یکصد سال پیش از آغاز غیبت کبری در کتاب مشیخه و اشعری بیش از سی سال پیش از آغاز

۱- [۱] . شیخ طوسی، اختیار معرفه الرّجال، ص ۵۵۶، رقم ۱۰۵۰.

۲- [۲] . همو، الفهرست، ص ۹۶، رقم ۱۶۲.

۳- [۳] . نجاشی، الرّجال، ص ۱۵۸، رقم ۴۱۶.

۴- [۴] . شیخ طوسی، الفهرست، ص ۶۷، رقم ۷۱.

۵- [۵] . شیخ حرّ عاملی، امل الآمل، ج ۱، ص ۸۷.

۶- [۶] . نجاشی، الرّجال، ص ۱۷۸، رقم ۴۶۷.

غیبت کبری در بصائر الدّرجات نقل کرده است.

حسن بن سلیمان حلّی، شاگرد برجسته شهید اول، کتاب اشعری را تلخیص کرده و حدیث فوق را در آن درج نموده است.(۱)

این حدیث را نعمانی با سلسله اسنادش از حسن بن محبوب روایت کرده است.(۲)

امین الاسلام طبرسی نیز این حدیث را از کتاب حسن بن سلیمان روایت کرده می فرماید:

حسن بن محبوب زرّاد (سرّاد) از محدّثان و مؤلّفان مورد اعتماد و استناد شیعه، کتابی به نام «مشیخه» تألیف کرده، که از کتاب های پایه و مرجع می باشد و بیش از کتاب «مزنی» و امثال آن شهرت دارد.

وی این کتاب را بیش از یکصد سال پیش از غیبت (غیبت کبری) تألیف کرده است.(۳)

آنگاه متن حدیث یاد شده را به عنوان نمونه نقل کرده در مقام تحلیل آن فرموده است:

اینک ببین چگونه دو غیبت برای حضرت صاحب الامر علیه السلام اتّفاق افتاده است و مضمون احادیثی که پیش از تولّد آن حضرت از پدران و نیاکانش روایت شده، دقیقاً به همان شکل رخ داده است.(۴)

۱- [۱] . حلّی، مختصر بصائر الدّرجات، ص ۱۹۵ چاپ جدید، ص ۴۳۴، ح ۵۲۱.

۲- [۲] . نعمانی، الغیبه، ص ۱۷۲، ب ۱۰، ح ۷.

۳- [۳] . زیرا او به سال ۲۲۴ ق. وفات کرده و غیبت کبری به سال ۳۲۹ ق. آغاز شده است.

۴- [۴] . طبرسی، إعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۲۶۰ _ ۲۵۸.

اربلی نیز همین متن را به نقل از طبرسی آورده است.(۱)

شیخ مفید در این رابطه می فرماید:

روایات فراوان از پیشوایان پیشین از آل محمد علیه السلام رسیده است که حضرت قائم منتظَر علیه السلام را دو غیبت است که یکی از آنها طولانی تر از دیگری است، در غیبت کوتاه خواصّ شیعه از اخبار او مطّلع هستند، ولی در غیبت طولانی محلّ استقرارش از عموم مردم، به جز نزدیکانش که متصدّی خدمت او هستند، پوشیده می باشد.

پیش از ولادت امام حسن عسکری و پدران بزرگوارش، اخبار فراوان در این رابطه رسیده است.

هنگامی که وکلا و سفیران یاد شده درگذشتند، نویدهای مربوط به غیبت کبری تحقّق یافت. و این، یکی از دلایل روشن بر حقّانیت شیعه و اعتقادات راسخ آنان می باشد.(۲)

۳. مرحوم کلینی در کتاب شریف کافی، با سلسله اسناد خود از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود:

لِلْقَائِمِ غَیْبَتَانِ، یَشْهَدُ فِی إِحْدَاهُمَا الْمَوَاسِمَ، یَرَی النَّاسَ وَ لَا یَرَوْنَهُ؛

برای قائم علیه السلام دو غیبت است که در یکی از آنها در موسم حج شرکت می کند، او مردمان را می بیند، ولی مردم او را نمی بینند.(۳)

۱- [۱] . اربلی، کشف الغمّه، ج ۳، ص ۳۱۹.
۲- [۲] . شیخ مفید، الفصول العشره، ص ۱۸، (مصنّفات الشّیخ المفید، ج ۳، الفصول العشره، ص ۸۲).
۳- [۳] . کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۳۳۹، کتاب الحجّه، باب نادر فی الغیبه، ح ۱۲.

۴. در حدیث دیگری از آن حضرت روایت می کند که فرمود:

لِلْقَائِمِ غَیْبَتَانِ، إِحْدَاهُمَا قَصِیرَةٌ وَ الْأُخْرَی طَوِیلَةٌ، الْغَیْبَةُ الْأُولَی لَا یَعْلَمُ بِمَکَانِهِ فِیهَا إِلَّا خَاصَّةُ شِیعَتِهِ، وَ الْأُخْرَی لَا یَعْلَمُ بِمَکَانِهِ فِیهَا إِلَّا خَاصَّةُ مَوَالِیهِ؛

برای قائم علیه السلام دو غیبت است، یکی کوتاه و دیگری طولانی.

در غیبت اوّلی به جز خواصّ شیعیان کسی از محلّ اقامت او خبر ندارد.

در غیبت دیگری فقط خواصّ نزدیکانش از جایگاه او مطّلع هستند.(۱)

۵. در حدیث دیگری از آن حضرت روایت کرده که فرمود:

لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَیْبَتَانِ، إِحْدَاهُمَا یَرْجِعُ مِنْهَا إِلَی أَهْلِهِ، وَ الْأُخْرَی یُقَالُ: هَلَکَ، فِی أَیِّ وَادٍ سَلَکَ؛

برای صاحب این امر دو غیبت است، در یکی از آنها به نزدیکانش مراجعه می کنـد، ولی در دیگری گفته می شود که هلاک شده، یا در کدامین وادی گام نهاده است!

راوی پرسید: اگر چنین وضعی پیش آید ما چه کنیم؟ فرمود:

إِذَا ادَّعَاهَا مُدَّعٍ، فَاسْأَلُوهُ عَنْ أَشْیَاءَ یُجِیبُ فِیهَا مِثْلُهُ؛

اگر کسی آن را ادّعا کند، از او در مورد مطالبی پرسش کنید که فقط امثال او می تواند پاسخ بگوید.(۲)

ص:۱۳۰

۱- [۱] . همان، ص ۳۴۰، ح ۱۹.
۲- [۲] . همان، ح ۲۰.

محمد بن یعقوب کلینی، برجسته ترین، استوارترین و مورد اعتمادترین محدّث شیعه در عصر غیبت صغری می باشد که پیش از آغاز غیبت کبری، به سال ۳۲۹ ق. دیده از جهان فرو بسته است.

از این رهگذر وجود این احادیث در کتاب شریف کافی با این صراحت و شفّافیت، هرگونه تردید را از بین می برد و جای شک و ابهامی برای احدی باقی نمی گذارد.

چکیده

دشمنان قسم خورده ی اهل بیت علیهم السلام در مورد همه ی مطالب مربوط به اهل بیت، به ویژه مطالب مربوط به حضرت بقیّه اللّه ارواحنا فداه، سخنان پوچ و بی پایه در سایت ها و دیگر رسانه ها منتشر کرده، القای شبهه نموده اند، از جمله ادّعا کرده اند که پیش از ۳۲۹ هجری، که سال وفات نایب چهارم ، بسته شدن درِ سفارت و آغاز غیبت کبری می باشد، در هیچ منبعی حدیثی نبوده که از دو غیبت به عنوان غیبت صغری و غیبت کبری نام برده باشد، پس از وفات نایب چهارم، چون وکیل و نایب خاصّی در میان مردم نبود، این احادیث جعل شده است.

در این درس ما حدیثی از تفسیر ابوحمزه ثمالی نقل کردیم که در آن از دو غیبت کوتاه (صغری) و بلند (کبری) بحث شده است.

ابوحمزه به سال ۱۴۸ یا ۱۵۰ وفات کرده، یعنی بیش از یکصد سال پیش از ولادت حضرت ولی عصر ارواحنا فداه و در حدود ۲۰۰ سال پیش از آغاز غیبت کبری در گذشته است.

سپس حدیثی از حسن بن محبوب نقل کردیم که سال ۲۲۴ وفات کرده،

یعنی بیش از یکصد سال قبل از آغاز غیبت کبری.

سپس سه حدیث از اصول کافی نقل کرده ایم، که مؤلّف آن در زمان غیبت صغری زندگی می کرد و پیش از آغاز غیبت کبری در گذشته است.

برای تحقیق بیشتر:

۱. اصول کافی، جلد اول، تألیف: محمد بن یعقوب کلینی، متوفّای ۳۲۹ ق.

۲. اختیار معرفه الرّجال، گزینش شیخ طوسی، متوفّای ۴۶۰ ق.

۳. مختصر بصائر الدّرجات، گزینش حسن بن سلیمان حلّی ــ قرن هشتم ــ

۴. الذّریعه الی تصانیف الشّیعه، تألیف شیخ آغا بزرگ تهرانی، متوفّای ۱۳۹۰

ص:۱۳۲

فهرست مصادر

۱. إبراز الوهم المکنون، صدیق، من کلام ابن حزم، احمد بن صدیق بخاری، متوفای ۱۳۸۰ ق، چ ۱۳۴۷ ق. دمشق

۲. ابراز الوهم المکنون، من کلام ابن خلدون، احمد بن صدیق، متوفای ۱۳۸۰، چ۱۳۴۷ ق. دمشق

۳. اثبات الرجعه، فضل بن شاذان، متوفای ۲۶۰ق. _ مخطوط _

۴. اثبات الوصیه، مسعودی، علی بن الحسین، متوفای ۳۴۹ ق. چ نجف اشرف

۵. اثبات الهداه، شیخ حرّ عاملی، متوفای ۱۱۰۴ق. چ ۱۳۹۹ ق. قم

۶. اختیار معرفه الرّجال، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰. چ دانشگاه مشهد، ۱۳۴۸ ش.

۷. اسعاف الرّاغبین (در حاشیه نور الأبصار) ابن صبّان مصری، متوفای ۱۲۰۶ ق، چ بیروت

۸. اصول کافی، محمد بن یعقوب کلینی، متوفای ۳۲۹ ق. چ بیروت

۹. إعلام الوری بأعلام الهدی، امین الاسلام طبرسی _ قرن ششم _ چ ۱۳۹۹ ق. بیروت

۱۰. الاحتجاج بالأثر علی من انکر المهدی المنتظر، شیخ حمود بن عبد اللّه تویجری _ معاصر _ چ ۱۴۰۶ ق. سعودی

۱۱. الإحتجاج، طبرسی، ابومنصور احمد بن علی، _ قرن ششم _ چاپ ۱۰۴۱ ق. بیروت

۱۲. الاختصاص، شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ ق. چ ۱۴۱۳ ق.

۱۳. الإذاعه لما کان و ما یکون بین یدی السّاعه، سید محمد صدیق قنوچی، متوفای ۱۳۰۷ ق، چ ۱۴۲۴ ق. بیروت.

۱۴. الارشاد، شیخ مفید، متوفای ۴۱۳ ق. چاپ ۱۴۱۳ ق. قم

۱۵. الأعلام، خیرالدین زرکلی، متوفای ۱۳۹۶ ق. چ ۱۹۸۰ م. بیروت

۱۶. الأنساب، سمعانی، عبدالکریم بن محمد بن منصور، متوفای ۵۶۲ ق. چ ۱۴۰۰ ق. بیروت

۱۷. الایمان، ابن منده، اسحاق بن محمد بن یحیی، متوفای ۳۹۵ ق.

ص:۱۳۳

۱۸. البدر الطّالع، شوکانی، محمد بن علی خولانی، متوفای ۱۲۵۰ ق. چ بیروت.

۱۹. البدء والتّاریخ، مقدسی، احمد بنسهل نوبختی، متوفای ۳۲۲ ق، چ ۱۹۱۶ م. بغداد

۲۰. البرهان، سید هاشم بحرانی، متوفای ۱۱۰۹ ق. چ ۱۴۱۹ ق. بیروت

۲۱. البرهان فی علامات مهدی آخر الزمان، متّقی هندی، متوفای ۹۷۵ ق. چ ۱۳۹۹ق. قم

۲۲. البیان فی اخبار صاحب الزمان، گنجی شافعی، محمدبن یوسف، متوفای ۶۵۸ ق. چ بیروت

۲۳. التاریخ الکبیر، بخاری، متوفای ۲۵۶ ق. چ ۱۴۰۷ ق. بیروت

۲۴. التّذکره، قرطبی، شمس الدین محمد بن احمد، متوفای ۶۷۱ق. چ ۱۴۰۵ ق. بیروت

۲۵. التّصریح بما تواتر فی نزول المسیح، شیخ محمد انور شاه کشمیری، متوفای ۱۳۵۲ق. چ ۱۴۲۶ ق. بیروت

۲۶. التفسیر، عیّاشی، محمد بن مسعود، ــ قرن سوم ــ چ ۱۴۲۰ ق. قم

۲۷. الجامع الصّحیح، ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره، متوفای ۲۷۹ ق. چ بیروت

۲۸. الجامع لأحکام القرآن، محمد بن احمد قرطبی، متوفای ۶۷۱ ق. چ ۱۹۷۳ م. بیروت

۲۹. الحاوی للفتاوی، جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق. چ ۱۴۲۱ ق. بیروت

۳۰. الخرائج والجوارح، قطب الدین راوندی، متوفای ۵۷۳ ق. چ ۱۴۰۹. قم.

۳۱. الخصائص الکبری، جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق، چ ۱۴۲۴ ق. بیروت

۳۲. الخصال، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق. چ ۱۴۰۳. قم

۳۳. الدّعوات، قطب راوندی، سعید بن عبد اللّه، متوفای ۵۷۳ ق. چ ۱۴۰۷ ق. قم.

۳۴. الرّجال، ابن داود، متوفای ۷۰۷ ق، چ ۱۳۹۲ ق. نجف اشرف.

۳۵. الرّجال، نجاشی، احمد بن علی، متوفای ۴۵۰ ق، چ ۱۴۱۳ ق. بیروت

۳۶. الرد علی من کذّب بالاحادیث الصّحیحه الوارده فی المهدی، شیخ عبدالحمسن العبّاد ــ معاصر ــ چ مدینه منوره.

۳۷. الزام النّاصب، حائری، شیخ علی یزدی،، متوفای ۱۳۴۳ ق، چ بیروت

۳۸. السّنن، ابن ماجه، محمد بن یزید قزوینی، متوفای ۲۷۵ ق، چ بروت

۳۹. السّنن، ابوعمرو دانی، عثمان بن سعید قرطبی، متوفای ۴۴۴ ق.

۴۰. السّنن الکبری، بیهقی، متوفای ۴۵۸ ق، چ بیروت

۴۱. السّیر والمغازی، ابن اسحاق، محمدبن اسحاق بن یسار، متوفای ۱۵۱ق.چ ۱۳۹۸ ق. بیروت

۴۲. السّیره الحلبیه، حلبی، علی بن برهان الدین حلبی شافعی، متوفای ۱۰۴۴ ق. چ بیروت

۴۳. الصّافی، فیض کاشانی، متوفای ۱۰۹۱ ق، چ ۱۴۱۹ ق. تهران

۴۴. الصّحیح، مسلم بن حجاج نیشابوری، متوفای ۲۶۱ق. چ ۱۳۷۴ ق. مصر

۴۵. الصّحیح من سنن المصطفی، سلیمان بن اشعث سجستانی، متوفای۲۷۵ق، چ۱۴۲۷ بیروت

۴۶. الصّراط المستقیم، بیاضی، علی بن یونس نباطی، متوفای ۸۷۷ ق. چ ۱۳۸۴ ق. تهران

۴۷. الصّواعق المحرقه، احمد بن حجر هیتمی مکی، متوفای ۹۷۴ق، چ ۱۳۸۵ ق. مصر

۴۸. العرف الوردی، جلال الدین سیوطی، متوفای ۹۱۱ ق. چ ۱۴۲۷ ق. تهران

۴۹. العطر الوردی، بلبیسی، احمدبن احمد حلوانی شافعی، متوفای ۱۳۰۸ ق. چ ۱۳۰۸ ق. بولاق

۵۰. الغیبه، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰، چ ۱۳۹۷ ق. تهران

۵۱. الغیبه، نعمانی، متوفای بعد از ۳۴۲ ق. چ ۱۳۹۷ ق. تهران

۵۲. الفتاوی الحدیثیه، ابن حجر، احمد بن محمد مکی هیتمی، متوفای ۹۷۴، چ بیروت

۵۳. الفتن، نعیم بن حماد مروزی، متوفای ۲۲۹، چ ۱۴۱۲ ق. قاهره

۵۴. الفتوحات الاسلامیه، زینی دحلان، متوفای ۱۳۰۴ ق، چ ۱۳۲۳ ق، مصر.

۵۵. الفتوحات المکیه، محی الدین ابن عربی، متوفای ۶۳۸ق، چ ۱۴۲۴ ق. بیروت

۵۶. الفردوس بمأثور الخطاب، سیرویه بن شهریار دیلمی، متوفای ۵۰۹ق، چ ۱۴۰۷ بیروت

۵۷. الفصول العشره (در ضمن مصنّفات الشّیخ المفید)، متوفای ۴۱۳ ق. چ ۱۴۱۳ ق، قم.

۵۸. الفصول المهمّه، ابن صبّاغ مالکی، متوفای ۸۵۵ ق، چ نجف اشرف

۵۹. الفهرست، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ ق، چ ۱۴۲۰ ق. قم

ص:۱۳۵

۶۰. القطر الشّهدی فی اوصاف المهدی، شهاب الدین احمد بن محمد اسماعیل حلوانی شافعی، متوفای ۱۰۳۸، چ ۱۳۰۸ ق. بولاق.

۶۱. القول المختصر فی علامات المهدی المنتظر، ابن حجر هیتمی مکی، متوفای ۹۷۴ق. چ قاهره.

۶۲. الکشف والبیان، ثعلبی، ابواسحاق، متوفای ۴۲۷ ق. چ ۱۴۲۲ ق. بیروت

۶۳. المختار من کلمات الامام المهدی، شیخ محمد غروی، متوفای ۱۴۳۲ق. چ ۱۴۱۴، قم

۶۴. المستدرک للصّحیحین، حاکم نیشابوری، متوفای ۴۰۵ ق. چ بیروت

۶۵. المسند، ابویعلی، احمد بن علی بن مثّنی، متوفای ۳۰۷ ق. چ ۱۴۰۴ ق. بیروت

۶۶. المسند، احمد حنبل، متوفای ۲۴۱ق. چ ۱۴۱۴ ق، بیروت

۶۷. المصنف، ابن ابی شیبه، عبداللّه بن محمد، متوفای ۲۳۵ ق، چ ۱۴۰۹ق. بیروت

۶۸. المصنَّف، عبدالرزّاق بن همام صنعانی، متوفای ۲۱۱ چ ۱۴۲۱ ق. بیروت

۶۹. المعجم الکبیر، طبرانی، سلیمان بن احمد، متوفای ۳۶۰ ق. چ ۱۴۰۴ ق. بیروت

۷۰. الملاحم، ابن المنادی، احمد بن جعفر، متوفای ۳۳۶ ق، چ ۱۴۱۸ ق. قم

۷۱. المنار المنیف، ابن قیّم جوزیه، متوفای ۷۵۱، چ ۱۴۰۸ ق. بیروت

۷۲. المهدی المنتظر، عبداللّه بن محمد صدیق حسنی ادریسی، متوفای ۱۳۸۰ق، چ ۱۴۰۵ق. بیروت

۷۳. المهدی المنتظر، بستوی، عبد العظیم _ معاصر _ چ ۱۴۲۰ ق. مکه معظمه

۷۴. المهدیه فی الاسلام منذ أقدم العصور حتّی الیوم، سعدمحمدحسن أزهری، چ ۱۳۷۳ ق. مصر

۷۵. النّوادر، فیض کاشانی، محمد بن مرتضی، متوفای ۱۰۹۱ق. چ سنگی تهران

۷۶. النّهایه، ابن کثیر، ابوالفداء اسماعیل بن کثیر، متوفای ۷۷۴ ق. چ ۱۹۶۸ م، ریاض

۷۷. امل الآمل، شیخ حرّ عاملی، متوفای ۱۱۰۴ ق. ژ ۱۳۸۵ ق. نجف الاشرف

۷۸. او خواهد آمد، علی اکبر مهدی پور، چاپ دوازدهم، قم.

۷۹. أخبار الدُّوَل و آثار الاُوَل، قرمانی، احمد بن یوسف دمشقی، متوفای ۱۰۱۹ ق. چ قاهره

۸۰. بحارالانوار، علامه مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ ق، چ بیروت

ص:۱۳۶

۸۱. تاریخ الاسلام، ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، متوفای ۷۴۸ ق، چ ۱۴۱۰ ق. بیروت

۸۲. تاریخ الخمیس، دیار بکری، حسین بن محمد، متوفای ۹۶۶ ق، چ ۱۳۰۲ ق. مصر

۸۳. تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، احمد بن علی، متوفای ۴۶۳ ق. چ بیروت

۸۴. تاریخ دمشق، ابن عساکر، ابوالقاسم علی بن حسن بن هبه اللّه، متوفای ۵۷۱ ق. چ ۱۴۲۱ق، بیروت

۸۵. تحفه الأحوذی، مبارکفوری، ابویعلی محمد بن عبدالرحمن، متوفای ۱۳۵۳ق، چ بیروت

۸۶. تذکره الحفّاظ، ذهبی، متوفای ۷۴۸ ق، چ ۱۳۷۶ ق، حیدرآباد دکن.

۸۷. تذکره الخواص، سبط ابن جوزی، متوفای ۶۵۴ ق. چ ۱۳۸۳ ق. بیروت

۸۸. تفسیر القرآن الکریم، ابوحمزه ثمالی، متوفای ۱۴۸ ق. چ ۱۳۷۸ ش.قم

۸۹. تفسیر فرات، فرات الکوفی ــ قرن سوم ــ چ ۱۴۱۲ ق. بیروت

۹۰. تلخیص المستدرک، شمس الدین محمدبن احمد ذهبی، متوفای۷۴۸ ق. چ ۱۴۱۰ ق. بیروت

۹۱. تنقیح المقال، مامقانی، شیخ عبداللّه، متوفای ۱۳۵۱ ق. چ ۱۴۳۱ ق. قم

۹۲. تهذیب الاحکام، شیخ طوسی، متوفای ۴۶۰ ق، چ ۱۴۰۶ ق. بیروت

۹۳. تهذیب الکمال، مزی، یوسف، متوفای ۷۴۲ ق، چ ۱۴۱۳ق. بیروت

۹۴. جامع الاصول، ابن اثیر ابوالسعادات مبارک بن محمد جزری، متوفای ۶۰۶ ق، چ ۱۴۰۰ ق، بیروت

۹۵. جزوه رابطه العالم الاسلامی. کتّانی،

۹۶. حلیه الأبرار، محدّث بحرانی، سید هاشم،، متوفای ۱۱۰۹، چ ۱۳۵ ش. قم

۹۷. حلیه الأولیاء، ابونعیم اصفهانی، متوفای ۴۳۰ ق، چ ۱۳۵۷ ق، بیروت

۹۸. خریده العجائب، ابن الوردی، سراج الدین ابوالحفص، متوفای ۷۴۹ ق، چ بیروت

۹۹. دلائل الامامه، محمد بن جریر بن رستم طبری امامی ــ قرن پنجم ــ چ ۱۴۱۳ق، قم.

۱۰۰. دلائل النّبوه، ابونعیم اصفهانی، متوفای ۴۳۰ ق، چ ۱۴۱۹ ق. بیروت.

۱۰۱. ذیل عقیده اهل السنه والأثر، مجله الجامعه الاسلامیه، چ دانشگاه مدینه، شماره اول، سال

ص:۱۳۷

۱۲، شماره مسلسل ۴۵، بن باز،

۱۰۲. رساله المهدی من آل الرّسول، ملاّ علی قاری، متوفای ۱۰۱۴ ق. _ مخطوط _

۱۰۳. روزگار رهایی، کامل سلیمان، ترجمه علی اکبر مهدی پور، چ سوم، ۱۳۷۶ ق، قم

۱۰۴. روضه الواعظین، ابن فتال نیشابوری، مستشهد ۵۰۸ق، چ ۱۴۲۳ ق. قم

۱۰۵. سیر أعلام النّبلاء، ذهبی، شمس الدین محمد، متوفای ۷۴۸ ق، چ ۱۴۰۱ ق. بیروت

۱۰۶. شرح المواهب اللّدنیه، محمد بن عبدالباقی، متوفای ۱۱۲۲ ق.

۱۰۷. شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، متوفای ۶۵۶ق، چ قاهره.

۱۰۸. عبّاد، عقیده أهل السّنه والأثر فی المهدی المنتظر، در ضمن مجلّه الجامعه الاسلامیه، چ دانشگاه مدینه، سال اول، شماره ۳، ۱۳۸۸ ق.

۱۰۹. عقد الدّرر، سلمی، یوسف بن یحیی مقدسی شافعی، _ قرن هفتم _ چ ۱۳۹۹ ق. قاهره

۱۱۰. علل الشّرائع، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ق، چ ۱۳۸۵ ق. نجف اشرف

۱۱۱. عون المعبود، عظیم آبادی، محمد شمس الحق، چاپ ۲۰۰۲ م. بیروت

۱۱۲. عهد قدیم، کتاب اشعیاء نبی، کتاب مقدس، چ ۱۹۰۴ م. لندن.

۱۱۳. عیون الأخبار، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق. چ ۱۳۹۰ ق، نجف اشرف

۱۱۴. غالیه المواعظ، آلوسی، خیرالدین ابوالبرکات، متوفای ۱۳۱۷ ق، چ بیروت

۱۱۵. غایه المأمول، ناصف، شیخ منصور علی، متوفای بعد از ۱۳۷۱ ق، چ ۱۴۰۶ ق. بیروت

۱۱۶. غایه المرام، محدث بحرانی، سید هاشم، متوفای ۱۱۰۹، چ ۱۴۲۲، بیروت

۱۱۷. فتح الباری، ابن حجر عسقلانی، متوفای ۸۵۱، چ ۱۳۷۹ق. ریاض.

۱۱۸. فتح المغیث، سخاوی، شمس الدین محمد بن عبدالرحمن، متوفای ۹۰۲ ق. چ قاهره.

۱۱۹. فرائد السّمطین، حموینی، ابراهیم بن محمد جوینی، متوفای ۷۳۰، چ ۱۳۹۸ ق. بیروت

۱۲۰. فرائد فوائد الفکر فی الامام المهدی المنتظر، مرعی بن یوسف مقدسی کرمی، متوفای ۱۰۳۳ ق. چ ۱۴۲۴ ق. قم

ص:۱۳۸

۱۲۱. فهرس التّراث، جلالی، سید محمد حسینی، چ ۱۴۲۲ ق. قم.

۱۲۲. فیض القدیر، مناوی، محمد عبد الرؤوف، متوفای ۱۰۳۰ ق. چ ۱۴۲۲ ق. بیروت

۱۲۳. کتاب النّبوّه، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ق. چ ۱۳۸۱، تهران

۱۲۴. کتاب مقدّس، چ ۱۹۰۴ م. لندن

۱۲۵. کشف الحق، خاتون آبادی، میر محمد صادق، متوفای ۱۲۷۲ ق. چ ۱۳۶۱ ش، تهران

۱۲۶. کشف الغمه، اربلی، علی بن عیسی، متوفای ۶۹۳ ق، چ بیروت

۱۲۷. کفایه الاثر، خزاز، ابوالقاسم علی بن محمد، ـ قرن چهارم ـ چ ۱۴۰۱ ق. قم

۱۲۸. کفایه المهتدی، میرلوحی، سید محمد، ـ قرن دوازدهم ـ چ ۱۴۲۶ ق. قم

۱۲۹. کلمه الامام المهدی، شیرازی، شهید سید حسن، مستشهد ۱۴۰۰ ق. چ ۱۴۰۴ ق. بیروت

۱۳۰. کمال الدّین، شیخ صدوق، متوفای ۳۸۱ ق، چ ۱۳۹۵ ق. تهران

۱۳۱. کنزالعمّال، متّقی هندی، متوفای ۹۷۵ ق، چ ۱۳۹۹ ق، بیروت

۱۳۲. لسان العرب، ابن منظور، متوفای ۷۱۱ ق، چ ۱۴۰۸ ق. بیروت

۱۳۳. لوائح الأنوار البهیّه، فارینی، شمس الدین محمد بن احمد سفارینی، متوفای ۱۱۸۸ق، چ ۱۳۰۸ ق. بولاق.

۱۳۴. مجله التّربیه الاسلامیه، آل شیخ حلقه،

۱۳۵. مجلّه التمدّن الاسلامی، جلد ۱۶، چاپ دمشق، ۱۳۷۰ ق.

۱۳۶. مختصر بصائر الدّرجات، حلّی، حسن بن سلیمان ـ قرن هشتم ـ چ ۱۴۲۳ ق، بیروت

۱۳۷. مختصر سنن ابی داود، عبدالعظیم منذری شافعی، متوفای ۶۵۶ ق، چ بیروت

۱۳۸. مدینه المعاجز، محدّث بحرانی، سید هاشم، متوفای ۱۱۰۹، چ ۱۴۱۳ ق. قم

۱۳۹. مرآت العقول، علامه مجلسی، متوفای ۱۱۱۰ ق، چ ۱۴۰۸ ق. تهران

۱۴۰. مرقات المفاتیح، ملا علی قاری، متوفای ۱۰۱۴ ق. چ مصر.

۱۴۱. مشارق الأنوار، حمزاوی، حسن عدوی، متوفای ۱۳۰۳، چ مصر

ص:۱۳۹

۱۴۲. مشکات المصابیح، خطیب تبریزی، متوفای بعد از ۷۴۱ ق. چ ۱۴۱۱ ق. بیروت

۱۴۳. مصابیح السّنه، بغوی، حسین بن مسعود بن محمد الفراء، متوفای ۵۱۰ یا ۵۱۶ ق. چ ۱۴۰۷ق. بیروت

۱۴۴. مطالب السّؤول، محمد بن طلحه، متوفای ۶۵۲ق، چ ۱۴۱۹ ق بیروت

۱۴۵. معالم السّنن، الخطابی، حمد بن محمد، متوفای ۳۸۸ ق.

۱۴۶. معالم العلماء، ابن شهر آشوب، متوفای ۵۸۸ ق، چ ۱۳۸۰ ق. نجف اشرف

۱۴۷. معجم البلدان، یاقوت حموی، متوفای ۶۵۶ ق، چ بیروت

۱۴۸. مقتل الحسین، خوارزمی، موفق بن احمد مکی، متوفای ۵۶۸ ق، چ ۱۳۷۶ ق، نجف اشرف

۱۴۹. مناقب آل ابی طالب، ابن شهر آشوب، متوفای ۵۸۸ ق، چ ۱۴۱ ق. بیروت

۱۵۰. منتخب الأثر، آیه اللّه حاج شیخ لطف اللّه صافی، چ ۱۴ ق. قم

۱۵۱. منتخب الأنوار المضیئه، نیلی، سید علی، متوفای ۷۹۰، چاپ ۱۴۰۱ ق. قم

۱۵۲. میزان الاعتدال، ذهبی، احمد بن عثمان، متوفای ۷۴۸ ق. چ بیروت

۱۵۳. نظم المتناثر فی الحدیث المتواتر، کتّانی، محمد بن جعفر فاسی، متوفای ۱۳۴۵ ق.

۱۵۴. نورالأبصار، شبلنجی، سید مؤمن، متوفای بعد از ۱۳۰۸ ق. چ بیروت

۱۵۵. ینابیع المودّه، قندوزی، سلیمان بن ابراهیم بلخی حنفی، متوفای ۱۲۹۴ ق. چ ۱۳۸۵ ش، قم.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که مـا را در دستیـابی به این هـدف یـاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادنـد تقـدیر و تشـکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصـفهان -خیابان عبـدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شـهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹